



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیهما صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com  
www. **Ghaemiyeh** .org  
www. **Ghaemiyeh** .net  
www. **Ghaemiyeh** .ir



# زخمِ فطرت

در سیزده نامهای  
از کتاب

سید حسین اسماعیلی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# زخم فطرت

نویسنده:

حسین اسحاقی

ناشر چاپی:

مشعر

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۹	زخم فطرت
۹	مشخصات کتاب
۹	دیباچه
۱۸	پیش‌گفتار
۲۲	فصل نخست: عوامل و آثار گناه
۲۲	اشاره
۲۴	مفهوم‌شناسی گناه
۲۵	الف) عوامل گناه
۲۵	اشاره
۲۵	۱. دین‌گریزی
۲۶	۲. نادانی
۲۸	۳. فقر و بی‌نیازی
۳۱	۴. هم‌نشینی با بدان
۳۳	۵. غرور
۳۴	۶. پیروی از نفس اماره
۳۵	۷. دنیا دوستی
۳۶	۸. انکار جهنم
۳۷	۹. هم‌رنگی با جماعت
۴۱	۱۰. کوچک شمردن گناه
۴۳	۱۱. انتشار گناهان
۴۴	۱۲. تغذیه ناپاک
۴۶	ب) پی‌آمدهای گناه

- یک- آثار ارتکاب گناه ..... ۴۶
- اشاره ..... ۴۶
۱. محروم شدن از نماز شب ..... ۴۶
۲. دوری از رحمت الهی ..... ۴۷
۳. اجابت نشدن دعا ..... ۴۷
۴. گریز از حق ..... ۵۰
۵. گمراهی و هلاکت ..... ۵۱
۶. عذاب‌های اخروی ..... ۵۲
۷. عذاب دنیوی ..... ۵۴
۸. تسلط بیگانگان بر سرزمین اسلامی ..... ۵۷
۹. زوال نعمت ..... ۵۹
۱۰. کاهش عمر ..... ۶۱
۱۱. پی‌آمدهای جسمی و جانی ..... ۶۵
۱۲. از میان رفتن شرم و حیا ..... ۶۸
۱۳. گناه و تیرگی قلب ..... ۷۱
۱۴. ارتکاب گناهان دیگر ..... ۷۲
۱۵. سرمستی و بی‌خبری ..... ۷۳
۱۶. پی‌آمدهای دیگر گناه ..... ۷۴
- دو- آثار دوری از گناه ..... ۷۶
- اشاره ..... ۷۶
۱. هدایت ..... ۷۶
۲. کسب روزی ..... ۷۷
۳. آسانی جان دادن ..... ۷۷
۴. نجات از دوزخ ..... ۷۸

۷۸	۵. نجات از عذاب دنیوی
۷۹	۶. رفتن به بهشت
۸۱	فصل دوم: راه‌های جلوگیری از گناه و روش‌های درمان آن
۸۱	اشاره
۸۳	۱. باور به حضور خداوند
۸۶	۲. دوستی و یاد خدا
۹۱	۳. خدا ترسی
۹۴	۴. معادباوری
۹۷	۵. ایمان به عرضه اعمال به پیشوایان دین
۱۰۰	۶. توجه به کرامت انسان
۱۰۱	۷. خردورزی
۱۰۴	۸. حیا و شرم
۱۰۵	۹. توبه و بازگشت
۱۱۳	۱۰. دوری از هم‌نشینان بد
۱۱۳	اشاره
۱۱۶	الف) دقت در دوست یابی
۱۱۶	ب) تأثیرپذیری از دوستان
۱۱۸	ج) ویژگی‌های دوستان ناشایست
۱۱۹	د) پرهیز از دوستان بد نام
۱۲۰	ه) آثار هم‌نشینی با نیکان و بدان
۱۲۱	و) ویژگی دوستان خوب
۱۲۳	۱۱. مرگ باوری
۱۲۷	۱۲. استغفار
۱۲۸	۱۳. محاسبه نفس و خود انتقادی

۱۳۰	.....	۱۴. دوری از هواپرستی
۱۳۳	.....	۱۵. شیطان‌گریزی
۱۳۴	.....	۱۶. خویشتن‌داری
۱۳۷	.....	۱۷. پیروی از امامان معصوم:
۱۳۹	.....	۱۸. عبادت
۱۴۱	.....	۱۹. مراقبت از قلب
۱۴۵	.....	۲۰. فکر نکردن درباره گناه
۱۴۶	.....	فرجام سخن
۱۵۰	.....	منابع
۱۵۳	.....	درباره مرکز



## زخم فطرت

### مشخصات کتاب

- سرشناسه: اسحاقی، سیدحسین، ۱۳۴۱ -  
عنوان و نام پدیدآور: زخم فطرت: پرهیزنامه‌ای از گناه/ حسین اسحاقی.  
مشخصات نشر: تهران: نشر مشعر، ۱۳۸۹.  
مشخصات ظاهری: ۱۴۳ ص.  
شابک: ۱۴۰۰۰ریال: ۹۷۸-۹۶۴-۵۴۰-۲۲۴-۰.  
وضعیت فهرست نویسی: فاپا  
یادداشت: کتابنامه: ص. [۱۴۱]-۱۴۳؛ همچنین به صورت زیرنویس.  
عنوان دیگر: پرهیزنامه‌ای از گناه.  
موضوع: گناه (اسلام)  
رده بندی کنگره: ۱۳۸۹ ۳/۴۶/الف/BP۲۲۵/۶  
رده بندی دیویی: ۲۹۷/۴۶۴  
شماره کتابشناسی ملی: ۲۰۲۸۲۰۵  
ص: ۱

### دیباچه

ابلیس از لحظه‌ای که از طاعت حق تعالی سرپیچید: فَفَسَقَ عَنْ أَمْرِ رَبِّهِ (کهف: ۵۰) و مصیبت عظیم مهجوری گریبانش را گرفت، درصدد فریب و گمراهی و آلوده کردن ذریه آدم به گناه برآمد و قسم یاد کرد که هیچ کس به جز مخلصین از وسوسه‌های فریبنده او رهایی نمی‌یابند.

در فرهنگ اسلامی، گناه و وسوسه‌های شیطانی منشأ گمراهی و فریب انسان معرفی شده که آدمی را به مسیر خلاف انسانیت و کمال می‌کشاند. از این رو، آشنایی با عوامل گناه و آثاری که بر روح و روان انسان بر جای می‌گذارد و راه‌های مقابله با گناه از امور ضروری زندگی هر انسان مؤمن به پروردگار و علاقه‌مند به صفای باطن است.

اثری که پیش رو دارید، با عنوان «زخم فطرت» پرهیزنامه‌ای از گناه است که توسط جناب آقای سیدحسین اسحاقی به قلم تحریر درآمده است. نویسنده محترم کوشیده است با تکیه بر آیات و روایات و با قلمی شیوا و روان عوامل گناه و آثار آن و راه‌های پیشگیری و مبارزه با گناهان را بیان نماید.

امیدواریم که برای زائران به ویژه جوانان علاقه‌مند به ارزش‌های انسانی و اسلامی مفید واقع گردد و دست‌مایه‌ای برای رشد و تعالی باشد.

انه ولی التوفیق

گروه اخلاق و اسرار

مرکز تحقیقات حج

ص: ۲

















ص: ۱۰

**پیش‌گفتار**

خدایا! اگر نمی‌روم آن‌جا که باید، مرا ببر! اگر می‌روم آن‌جا که نباید، بازم دار! اگر نمی‌گویم آنچه باید، گفتم آموز، اگر می‌گویم آنچه نباید، خاموشم ساز! الهی بینایی‌ام ده تا در چاه نیفتم. دانایی‌ام ده تا در راه نمانم. خدایا! نام تو سبزینه وجود من است؛ بی‌نام تو هیچم و بی‌یاد تو دل‌مردده و تاریک، پس ای همه چیزم، لحظه‌ای مرا به خودم وامگذار.

خدایا! هرگاه دستم به سویت دراز می‌شود، پر بهره برمی‌گردد و آن‌گاه که چشمم به درگاهت خیره می‌شود، روشنی می‌گیرد. گفت‌وگوی صمیمانه با تو، جانم را طراوت می‌بخشد و کرامت اشک را در خزانه حال ذخیره می‌کند. با یاد و نام تو، به خودشناسی می‌رسم و بارش رحمت را با همه وجودم حس می‌کنم. خدایا این پیوند و قرابت را هیچ‌گاه از من مگیر.

آنچه مرا از تو دور می‌سازد و به سیاهی جهالت و تاریکی فرو می‌برد، گناه و پیروی از خواهش‌های نفس است، اما تو در کریمه

ص: ۱۱

قرآنی‌ات به همه فرموده‌ای: *وَلَا تَقْرُبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ*

؛ «به کارهای زشت، خواه آشکار و خواه پنهان، نزدیک نشوید.» (انعام: ۱۵۱)

بی‌گمان، چنان که ترمز در اتومبیل برای سقوط نکردن در پرتگاه‌ها و جلوگیری از حوادث باید باشد، اهرم‌هایی چون ایمان به خدا، اعتقاد به حضور او در همه‌جا، خودشناسی، ایمان به معاد، باور به مرگ و خداترسی و ترس از پی آمدهای گناه، برای ضبط و مهار انسان و بازداشتن او از گناه لازم است.

بدون ایمان و تکیه‌گاه معنوی، سازمان‌های پلیسی و عوامل بازدارنده بیرونی نیز هرگز نمی‌توانند از رخ دادن گناهان به شایستگی جلوگیری کنند، اما ایمان و اعتقاد درونی، در بازدارندگی آدمی بسیار تأثیر می‌گذارد. اگر آدمی این آیه قرآنی را باور کند، بی‌گمان از غفلت و بی‌خبری و غلتیدن به پرتگاه گناه‌رهایی می‌یابد: *أَلَمْ يَعْلَم بِأَنَّ اللَّهَ يَرِي؟* «آیا انسان نمی‌داند که خداوند همه اعمالش را می‌بیند.» (علق: ۱۴)

اندیشه درست همراه با ایمان ناب، همچون آینه‌ای بی‌غبار و صیقلی، زیبایی‌ها و زشتی‌ها را نشان می‌دهد. حضرت علی (ع) می‌فرماید: «

*مَا زَلَّ مَنْ أَحْسَنَ الْفِكْرَ*

«(۱)؛ کسی که نیکو بیندیشد، دست‌خوش لغزش نمی‌شود.»

همچنین، اگر آدمی شخصیت و کرامت خویش را به درستی

ص: ۱۲

بشناسد، به آسانی به آلودگی تن نمی‌دهد. مگر نه اینکه خداوند انسان‌ها را گرامی داشته و فرموده است: **وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ** (اسراء: ۷۰)؛ پس چرا آدمی از گناه کناره نمی‌گیرد؟ چرا آدمی کرامتش را زیر پا می‌نهد و گناه خویش را کوچک می‌شمارد؟ مگر رسول الله (ص) نفرموده‌اند:

مؤمن گناهش را آنچنان می‌نگرد که گویی او در زیر سنگ بزرگی قرار گرفته و ترس آن دارد که آن سنگ بر سر او فرود آید، ولی کافر گناه خود را چون پشه‌ای می‌نگرد که از کنار بینی‌اش عبور کند. (۱)

مگر آدمی نمی‌داند که زندگی‌اش، خواه نیک و خواه بد، پی‌آمدهایی در دنیا و آخرت دارد و اعمال او چون بذری است که در جهان کاشته می‌شود؛ اگر بذر گلی باشد، گلستان و اگر دانه خاری باشد، خارستان پدید می‌آورد، مولوی می‌گوید:

این جهان، کوه است و فعل ما نداسوی ما آید نداها را صدا

هر رفتار و کنشی به حقیقت با واکنشی همراه است. خداوند قهار می‌فرماید: **مِمَّا خَطِيئَاتِهِمْ أُغْرِقُوا**

؛ «آنها به خاطر گناهانشان غرق شدند.» (نوح: ۲۵)

۱- بحارالانوار، محمدباقر مجلسی، ج ۷۷، ص ۷۷.

ص: ۱۳

امام باقر (ع) می‌فرماید:

«و ما مِنْ نَكْبَةٍ تُصِيبُ الْعَبْدَ إِلَّا بِذَنْبٍ» (۱)؛ «

هیچ رنج و سختی به بنده نرسد، مگر به خاطر گناه».

همچنین گناهان گوناگون آثار مختلفی مانند قساوت قلب، اجابت نشدن دعا، محروم شدن از شیرینی بندگی و عبادت، نزول

بلاهای ناگهانی، فقر و بیماری، سلب شدن نعمت و قطع شدن روزی و ... دارند.

امام باقر (ع) در این باره می‌فرماید: «

إِنَّ الرَّجُلَ لَيَذْنِبُ فَيُدْرَأُ عَنْهُ الرِّزْقُ» (۲)

؛ «انسان گناه می‌کند و در نتیجه روزی از او دور می‌شود».

۱- اصول کافی، محمدبن یعقوب کلینی، ج ۲، ص ۲۶۹ ر.

۲- میزان الحکمه، ج ۳، ص ۲۷۱.

ص: ۱۴

## فصل نخست: عوامل و آثار گناه

اشاره



**مفهوم‌شناسی گناه**

گناه با نام‌هایی مانند «اثم»، «جرم» و «معصیت» شناخته می‌شود. همچنین گناه در اصطلاح به معنای ارتکاب کاری حرام و ناپسند یا ترک عملی واجب است؛ هر عملی که فرد با آن از حدود الهی می‌گذرد. قرآن مجید با واژه‌های ذنب، معصیت، اثم، سیئه، جرم، خطیئه، فسق، فساد، فجور، منکر، فاحشه، شر، لمم و وزر از گناه یاد کرده است.

گناه از دید حقوقی، در معنای خروج از قانون‌های وضع شده به انگیزه حفظ مصلحت و از دید طبیعی و اجتماعی، نداشتن نظم عمومی و ضامن نشدن بقای آن و رفتارهای ناسازگار با پدیده‌های مادی و اجتماعی به کار می‌رود. از دیدگاه دینی نیز کارهای ناسازگار با قانون‌های طبیعی و اجتماعی یا فضیلت‌های اخلاقی، شرافت انسانی، عفت عمومی و سعادت اجتماعی گناه به شمار می‌آید و برخی از نمونه‌های آن کیفر دارد. بنابراین، دین با دید گسترده‌تری به گناه می‌نگرد و افزون بر توجه به سلامت جسمی و اجتماعی، سلامت روح و آرامش فکر و جان را مهم می‌شمرد.



ص: ۱۷

**الف) عوامل گناه****اشاره**

بی‌گمان، هر معلولی، علتی دارد؛ یعنی بدون فراهم شدن زمینه تحققش پدید نمی‌آید. این سخن، درباره ارتکاب گناه نیز درست است و از این رو، با شناخت علل ارتکاب گناه، در پی خشکاندن ریشه‌های آن باید برآمد. عوامل گناه را چنین می‌توان برشمرد:

**۱. دین‌گریزی**

کسی که به خدا و فرمان‌های او ایمان دارد، هیچ‌گاه گناه نمی‌کند و خود را به زشتی‌ها نمی‌آلاید. امروز همه مفسد گریبان‌گیر جوامع و خانواده‌ها، بر اثر ضعف مبانی دینی و پای‌بند نبودن به اصول مذهبی پدید می‌آیند؛ زیرا هر اندازه مبانی و باورهای مذهبی افراد ضعیف شود، از کمالات و فضایل انسانی دورتر می‌شوند.

دین‌گریزان، چنان لجام گسیخته و بی‌بند و بار و نافرمانند که از هیچ برنامه و قانونی جز شهوت و هوا و هوس پیروی نمی‌کنند. خداوند در قرآن مجید، افرادی را که ایمان و عمل صالح ندارند و یکدیگر را به حق و درستی سفارش نمی‌کنند، در خسران و زیان می‌داند:

وَالْعَصْرِ (۱)

إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ (۲)

إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصُوا بِالحَقِّ وَتَوَّصُوا بِالصَّبْرِ (عصر: ۱-۳)

سوگند به عصر که انسان در زیان کاری است؛ مگر کسانی که

ص: ۱۸

ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند و یکدیگر را به حق و صبر سفارش کردند. بی‌گمان، هیچ نیرویی مانند ایمان و عمل صالح نمی‌تواند، آدمی را از لغزش باز دارد و او را در برابر گناه و سیه‌روزی نگاه‌بانی کند. امام صادق (ع) در این باره می‌فرماید: «

المؤمن لا يغلبه فرجه ولا يفضحه بطنه

«(۱)؛ «مؤمن، مغلوب شهوت جنسی نمی‌شود و شکمش او را رسوا نمی‌سازد».

امام باقر (ع) نیز درباره نشانه‌های مؤمن چنین می‌فرماید:

أما المؤمن الذي إذا رضي لم يدخله رضا في أثم ولا باطل. (۲)

مؤمن، کسی است که چون شادمان شود، این شادمانی، وی را به گناه و کار باطل وارد نکند.

## ۲. نادانی

نادانی، اصل و سرچشمه هر شرّ و تاریکی وحشت‌زایی است که آدمی کورکورانه در آن می‌رود. خداوند مَنان با پرده‌برداری از وضع اسف‌بار برخی از آدمیان در خروج از جاده تعادل و سلامت و غلطیدن در پرتگاه شهوت می‌فرماید:

أِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ شَهْوَةً مِنْ دُونِ النِّسَاءِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ

(نمل: ۵۵)

۱- بحار الانوار، ج ۶۷، ص ۳۱۰.

۲- اصول کافی، ج ۳، ص ۳۳۰.

ص: ۱۹

آیا شما از روی شهوت، به جای زنان، نزد مردان می‌آیید، بلکه شما مردمی نا آگاهید.

استاد جوادی آملی درباره اهمیت تقویت معرفت دینی می‌گوید:

اگر مشکل معرفتی کسی حل شود، دیگر گناه نمی‌کند. غالب موارد گناه از اینجا نشئت می‌گیرد که گناه کار نمی‌داند سر سفره چه کسی نشسته است. (۱)

یوسف (ع) نیز سرچشمه گناه برادران خود را نادانی می‌داند و می‌گوید: «آیا دانستید، آنگاه که شما ناآگاه بودید و با یوسف و برادرش چه کردید». (۲)

جهل و نادانی در آموزه‌های روایی نیز، از زمینه‌های گناه شمرده شده است. امام علی (ع) در عهدنامه خود به مالک اشتر می‌فرماید:

»

لَا يَجْتَرِي عَلَى اللَّهِ إِلَّا جَاهِلٌ شَقِيٌّ

«(۳)؛ «گستاخی و جرأت بر (نافرمانی) خداوند را جز جاهل و شقی، روا نمی‌دارد».

آن حضرت همچنین فرموده است:

الْجَهْلُ مَعْدِنُ الشَّرِّ، الْجَهْلُ أَضَلُّ كُلِّ شَرٍّ، الْجَهْلُ يُفْسِدُ الْمَعَادَ. (۴)

۱- درس خارج ۳۰ / ۸ / ۱۳۷۵.

۲- یوسف: ۸۹.

۳- نهج البلاغه، نامه ۵۳.

۴- گناه‌شناسی، محسن قرائتی، ص ۷۰.

ص: ۲۰

جهل مرکز زشتی است، جهل ریشه و پایه زشتی است، جهل موجب تباهی معاد انسان است. آن حضرت در سخنی دیگر می‌فرماید: «شکایت به خدا می‌برم از گروهی که در جهل و نادانی زندگی می‌کنند». (۱)

### ۳. فقر و بی‌نیازی

فقر و بی‌نیازی، دو خاستگاه انحراف و گناه شمرده می‌شوند؛ زیرا فقیر برای از میان بردن ناتوانی‌های برآمده از فقر، به کارهای نامشروع دست می‌زند و انسان بی‌نیاز و توان‌گر نیز بر پایه غرور برخاسته از مال و ثروتش، به خوش‌گذرانی و زیر پا گذاشتن فضیلت‌های اخلاقی رومی آورد، پس هر دو به دام شیطان گرفتار می‌آیند؛ چنان‌که قرآن مجید در این باره می‌فرماید:

كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَّاظٍ (۶) أَنْ رَأَاهُ اشْتَعْنَى

(علق: ۶ و ۷)

هرگز، همانا انسان همین که خود را بی‌نیاز ببیند، سرکشی در پیش می‌گیرد.

رویدادهای تاریخی نیز بر پیوند گناه و دارایی گواهی می‌دهند. برای نمونه، ثعلبه، با خدا پیمان بسته بود که اگر ثروتمند شود، به نیازمندان صدقه دهد، اما هنگامی که خداوند مال فراوانی بدو بخشید،

ص: ۲۱

وی بخل ورزید و زکات نداد. از این رو، آیاتی درباره‌اش نازل شد و نفاق را به وی نسبت داد. [\(۱\)](#) این کار، پی‌آمد وسوسه شیطان و چیرگی غرور و آز به مال دنیا بر او بود که به بخل‌ورزی در نعمت خدا وادارش کرد.

قرآن مجید، سرمایه‌هایی را که موجب غرور و مستی می‌شود، زمینه‌ساز گناهان می‌شمارد و می‌فرماید:

وَكَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَوْمِهِ بَطَرْتُمْ مَعِشَتَهَا فِتْلَكَ مَسَاكِنُهُمْ لَمْ تُسْكُنْ مِنْ بَعْدِهِمْ إِلَّا قَلِيلًا (قصص: ۵۸)

و چه بسیار از [مردم] شهرها و آبادی‌هایی را به هلاکت رساندیم که زندگی را با سرمستی و غرور گذرانده بودند، این خانه‌های آنان است که [ویران شده] و بعد از آنان جز اندکی، کسی در آن سکونت نکرد.

أَلْهَاكُمْ التَّكَاثُرُ (تکاور: ۱)

تفاخر و فزون‌طلبی شما را سرگرم و غافل ساخت.

رسول اکرم (ص) در این باره می‌فرماید:

التَّكَاثُرُ [فِي] الْأَمْوَالِ جَمْعُهَا مِنْ غَيْرِ حَقِّهَا وَ مَنَعُهَا مِنْ حَقِّهَا وَ سَدُّهَا فِي الْأَوْعِيَةِ. [\(۲\)](#)

۱- ر. ک: توبه: ۷۵ و ۷۶.

۲- تفسیر نورالثقلین، ج ۵، ص ۶۶۲.

ص: ۲۲

تکاثر در اموال، انباشت ثروت‌ها، از راه‌های نامشروع و خودداری از ادای حق آن و اندوختن آن در خزانه‌ها و صندوق‌ها است.

از سوی دیگر فقر نیز گاهی آدمی را به بیراهه و گناه می‌کشاند، امیرالمؤمنین علی (ع) به فرزندش محمد حنفیه می‌فرماید:

فرزندم! از فقر بر تو می‌ترسم، از آن به خدا پناه ببر، چرا که فقر، دین انسان را ناقص، و عقل و فکر او را مضطرب و مردم را نسبت به او، و او را نسبت به مردم بدبین می‌سازد. (۱)

حضرت رسول اکرم (ص) در این باره چنین دعا می‌کند:

اللَّهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِي الْخُبْزِ وَلَا تَفْرِقْ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُ فَلَوْلَا الْخُبْزُ مَا صَلَّيْنَا وَلَا صُمْنَا وَلَا أَدَّيْنَا فَرَائِضَ رَبِّنَا. (۲)

بار خدایا! به نان ما برکت ده و بین ما و نان جدایی می‌فکن، اگر نان نباشد، نماز نمی‌خوانیم و روزه نمی‌گیریم و واجبات خود را ادا نمی‌کنیم.

البته روایات بر برخورداری از ثروت به اندازه کفاف تأکید می‌کنند. می‌گویند پیامبر اکرم (ص) درباره چوبانی که از دادن شیر به مسلمانان بخل ورزید، چنین دعا فرمود: «خدا مال زیاد به تو بدهد!»

اما درباره چوپان دیگری که شیر خودش را هدیه کرده بود. چنین

۱- نهج البلاغه، حکمت ۳۱۹.

۲- فروع کافی، ج ۵، ص ۷۳.

ص: ۲۳

فرمود: «خدایا به قدر کفاف به او روزی بده».

مردی از روی تعجب از ایشان پرسید: چرا برای چوپانی که که بخل ورزید، بهتر دعا کردی؟ رسول اکرم (ص) فرمود:

إِنَّ مَا قَلَّ وَكَفَى خَيْرٌ مِّمَّا كَثُرَ وَ أَلْهَى (۱).

آنچه کم باشد و کفایت کند، بهتر است از زیادی که دل را سرگرم و غافل نماید.

#### ۴. هم‌نشینی با بدان

دوستان بد، آدمی را به آلودگی و ارتکاب گناه وامی‌دارند. دوستان نیز مانند پادشاهان یا هدایت‌گرند یا مایه گمراهی. برای نمونه، هم‌نشینان بد، حتی فرزند نوح را به گمراهی کشاندند و او را به عذاب الهی گرفتار ساختند. رسول خدا (ص) می‌فرماید: «آدمی، همان دین دوست و هم‌نشین خود را دارد». (۲)

امام علی (ع) نیز در نامه‌ای به حارث همدانی در این باره چنین می‌نویسد:

وَاحْذَرْ صَحَابَهُ مَنْ يَضِلُّ رَأْيُهُ وَيُنْكَرُ عَمَلُهُ فَإِنَّ الصَّاحِبَ مُعْتَبَرٌ بِصَاحِبِهِ.

از دوستی با کسانی که افکارشان نادرست و رفتارشان ناپسند

۱- اصول کافی، ج ۲، ص ۱۴.

۲- وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۵۰۶.

ص: ۲۴

است، برحذر باش؛ زیرا آدمی به راه و روش و افکار دوستش خو می‌گیرد.

اسلام و پیشوایان دینی همواره آدمی را از هم‌نشینی با بدان پرهیز داده‌اند؛ زیرا خواه ناخواه آدمی از آنان تأثیر می‌پذیرد و آن‌گاه پشیمانی نیز سودی برایش ندارد. خداوند کریم درباره اهمیت گزینش دوست، از زبان کسی که از همین روی به بی‌راهه رفته چنین فرموده است: *يَا وَيْلَتَى لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا* «ای وای بر من! کاش فلان شخص را به دوستی بر نمی‌گزیدم.» (فرقان: ۲۸) هم‌نشینی با بدان، روشنایی روح را از بین می‌برد و توان تشخیص انسان را درباره خوبی و بدی فرو می‌کاهد و زشتی رفتار ناپسند را ناچیز می‌نماید. از این رو، امام محمد تقی (ع) می‌فرماید:

*إِيَّاكَ وَ مُصَاحِبَةَ الشَّرِيرِ فَإِنَّهُ كَالسَّيْفِ الْمَسْلُوبِ يَحْسُنُ مَنْظَرَهُ وَيَقْبُحُ أَثَرُهُ.* (۱)

زنهار از هم‌نشینی با بدکار؛ زیرا او همچون شمشیر آخته است که ظاهرش زیبا و نشانی که می‌گذارد زشت است.

امام علی (ع) نیز بر اهمیت این مسئله تأکید می‌کند:

*مُجَالَسَةُ أَهْلِ الْهَوَىٰ مَنْسَأَةٌ لِلْإِيمَانِ وَ مَخْضَرَةٌ لِلشَّيْطَانِ.* (۲)

هم‌نشینی با اهل هوا و هوس، دورکننده ایمان از انسان و

۱- بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۱۹۸.

۲- میزان الحکمه، ج ۲، ص ۶۳.



ص: ۲۵

نزدیک کننده شیطان به وی است.

دین به پیروان خود می‌آموزد که در روابط اجتماعی‌شان، با دوستان برانگیزنده به کارهای خیر و بازدارنده از کارهای زشت بپیوندند. پیامبر گرامی اسلام (ص) از این افراد چنین یاد می‌کند:

جَالِسِ الْأَبْرَارِ فَإِنَّكَ إِنْ فَعَلْتَ خَيْرًا حَمَدُوكَ وَإِنْ أخطَأْتَ لَمْ يُعَنَّفُوكَ. (۱)

با ابرار هم‌نشین باشید؛ زیرا اگر کار خوبی انجام دادید، شما را تشویق می‌کنند و اگر اشتباهی از شما سرزد، بر تو سخت نگیرند. حضور در مجلس گناه جایز نیست. خداوند در قرآن می‌فرماید: «هرگاه شنیدید آیات خدا مورد انکار و استهزاء قرار می‌گیرد، با آنان ننشینید تا به سخنی غیر آن پردازند». (۲)

## ۵- غرور

تکبر در برابر پروردگار متعال، زمینه‌ساز گناه است. انسانِ مغرور گمان می‌کند که توان عرضه اندام در مقابل خداوند را دارد و لذا در برابر فرمان الهی سر اطاعت فرود نمی‌آورد و غرور او را به معصیت می‌کشاند و چون به او گفته شود: «از خدا پروا داشته باش، غرورش

۱- میزان الحکمه، ج ۲، ص ۶۱.

۲- نساء: ۱۴۰.

ص: ۲۶

او را وادار به گناه می‌کند» (۱).

و خداوند می‌فرماید: «همانا درخت زقوم طعام گناه‌پیشگان است ... و [می‌گویند] بچش که بی‌شک تو همان عزتمند

بزرگواری» (۲).

در این آیات دوزخیان، مبتلا به عذاب شدید و گدازنده، ابتدا با وصف الأثیم (به معنای غوطه‌ور در گناه) و سپس با وصف العزیز  
الکریم

ی

اد شده‌اند. ارتباط این اوصاف، بیانگر این است که روحیه اقتدار و اشرافی‌گری، زمینه‌ساز غوطه‌وری انسان در گناه است. (۳)

**۶. پیروی از نفس اماره**تکاپوی نفس اماره در درون انسان، از عوامل پیدایی گناه است. خداوند برای آزمودن آدمی او را به گونه‌ای آفرید که به بدی‌ها  
گرایش داشته باشد.

هنگامی که بی‌گناهی یوسف (ع) آشکار شد. او برای سپاس‌گزاری از خداوند، چنین گفت:

و من خود را تبرئه نمی‌کنم، زیرا نفس سرکش بسیار به بدی وامی‌دارد، مگر اینکه پروردگارم رحمت آورد. به یقین پروردگار من

۱- بقره: ۲۰۶.

۲- دخان: ۴۹ و ۴۳.

۳- تفسیر راهنما، محسن قرائتی، ج ۱۷، ص ۲۱۴.

ص: ۲۷

بسیار آمرزنده و مهربان است. (۱)

نفس اماره، برادر کشتی قابیل را در نظر او زیبا نمود: «سرانجام [در کشاکش نفس و فطرت] نفسش او را برای کشتن برادر ترغیب

کرد و او را کشت و از زیان کاران گردید». (۲)

یکی از ارکان رستگاری از دید قرآن، ضبط و مهار نفس اماره است: «هر کس از مقام پروردگارش ترسیده و نفس خود را از هوس

باز داشته، بهشت تنها جایگاه اوست». (۳)

## ۷. دنیادوستی

علاقه بیش از اندازه به دنیا از دیگر زمینه‌های گناه به شمار می‌رود. خداوند در وصف گناه کاران می‌فرماید: «بی‌تردید، اینان دنیای

زودگذر را دوست دارند». (۴)

خداوند علت کفر به قیامت را دل‌بستگی به دنیا می‌داند و می‌فرماید:

يَسْئَلُ أَيَّانَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ ... كَلَّا بَلْ تُحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ (قیامت: ۶ و ۲۰)

[با حالت انکار] می‌پرسد: روز قیامت کی خواهد بود؟ ... چنین نیست [که

۱- یوسف: ۵۳.

۲- مائده: ۳۰.

۳- نازعات: ۴۱ و ۴۰.

۴- انسان: ۲۷.

ص: ۲۸

می‌پندارید] بلکه شما این دنیای زودگذر را دوست می‌دارید.

خداوند عالم حتی کسانی را که یتیمان را گرامی نمی‌دارند و یکدیگر را بر طعام دادن به بینوا ترغیب نمی‌کنند و میراث یتیمان را یک‌جا می‌خورند، چنین توصیف می‌کند: «و مال را بسیار دوست می‌دارید» (۱).

بنابراین، دنیادوستی زمینه ارتکاب گناه و دنیاگریزی راهی به سوی سعادت است. خداوند مَنان از انسان می‌خواهد: برای اینکه تخم آرزو در دل آدمی کاشته نشود، باید چشم به متاع دنیا نداشته باشد و به سوی آن رونق زندگی دنیا که اصنافی از آنان را بدان بهره‌مند ساخته‌ایم تا ایشان را بدان بیازماییم، چشم مدوز، و [بدان که] رزق پروردگارت بهتر و پایدارتر است (۲).

## ۸. انکار جهنم

انکار جهنم نیز از دید قرآن کریم سبب رو آوردن به گناه است. اگر آدمی به مجازات اعمال معتقد باشد، به آسانی به گناه روی نمی‌آورد. خداوند در سوره قیامت می‌فرماید:

آیا این انسان می‌پندارد که هرگز استخوان‌های او را جمع

۱- فجر: ۲۰.

۲- طه: ۱۳۱.

ص: ۲۹

نخواهیم کرد، چرا [جمع خواهیم کرد] در حالی که به درست کردن سر انگشتانش هم تواناییم. بلکه این انسان می‌خواهد در آینده خود نیز گناه کند، می‌پرسد، روز قیامت کی خواهد بود. (۱)

قرآن مجید اندیشه هواپرستان را چنین برمی‌شمارد: «و گفتند: زندگی، جز همین زندگی دنیای ما نیست». (۲)  
همچنین خداوند بعد از اینکه از آدمی سؤال می‌کند که «چه چیز تو را در مورد پروردگار کریمت فریب داده است» (۳) در چند آیه بعد خود پاسخ واقعی را بیان می‌کند: كَلَّا بَلْ تُكَدِّبُونَ بِالَّذِينَ «هرگز، بلکه شما روز جزا را تکذیب می‌کنید.» (انفطار: ۹)

## ۹. هم‌رنگی با جماعت

معیار و میزان انتخاب راه، فرمان و آموزه‌های الهی باید باشد نه محیط و خواست بیشتر افراد جامعه. اگر خواست عمومی و هم‌رنگی با جماعت و هم‌رأیی بی‌دلیل با اکثریت، ملاک تصمیم‌گیری و عمل باشد، بسیاری از کارها به لغزش و کژروی می‌انجامد. افسوس که

۱- قیامت: ۳- ۶.

۲- جائیه: ۲۴.

۳- انفطار: ۶.

ص: ۳۰

برخی از افراد بدون تأمل و تفکر و تنها از روی تقلید به کاری می‌پردازند، اما خداوند، انسان را برای گزیدن راه درست به قدرت عقل توانمند ساخته و آن را به نور وحی نیز آراسته و هیچ‌گاه پیروی کورکورانه او را از اکثریت نپذیرفته است. لقمان در وصیت معروف خود به پسرش چنین می‌گوید:

لَا تَعْلُقْ قَلْبَكَ بِرِضَى النَّاسِ فَإِنَّ ذَلِكَ لَا يَحْضُلُ. (۱)

قلب خود را به خشنودی مردم وابسته مکن؛ زیرا [هر کاری کنی]، رضایت همه مردم به دست نمی‌آید.

سپس برای اثبات این سخن همراه پسرش از خانه بیرون آمد و الاغ خود را نیز از طویله بیرون آورد و بر آن نشست و پسرش پیاده به دنبالش راه افتاد تا به گروهی رسیدند. آنان گفتند: این پیرمرد سنگ‌دل و بی‌رحم است. پس پسر سوار شد و پدر پیاده به راه افتاد تا به گروه دیگری رسیدند. آنان گفتند: اینان پدر و پسر بدی‌اند؛ بدی پدر از این روست که فرزندش را تربیت نکرده است و بدی پسر از این روست که به پدرش احترام نمی‌گذارد.

پس با هم سوار الاغ شدند و به راه افتادند تا به گروه سوم رسیدند. اینان گفتند: این دو، انسان‌های بی‌رحمی‌اند؛ با هم سوار بر این حیوان زبان‌بسته شده‌اند. پس لقمان و پسرش هر دو پیاده شدند و

۱- سفینه البحار، شیخ عباس قمی، ج ۲، ص ۵۱۱.

ص: ۳۱

الایغ را جلو انداختند و به دنبال آن راه افتادند و این بار به گروهی دیگر برخوردند. آنان گفتند: کار این دو نفر، عجیب است، مرکب به این خوبی را رها کرده‌اند و پیاده به دنبالش حرکت می‌کنند!

آن‌گاه لقمان به پسرش گفت: پسر جان! دیدی که به دست آوردن رضایت مردم، محال است:

فَلَا تَلْتَفِتْ إِلَيْهِمْ وَ اشْتَغِلْ بِرِضَى اللَّهِ جَلَّ جَلَالُهُ. (۱)

پس به رضایت آنها دل میند و به خشنودی خدای بزرگ اشتغال داشته باش.

امام کاظم (ع) نیز به شاگرد عالم و برجسته‌اش، هشام بن حکم فرمود:

يَا هِشَامُ! لَوْ كَانَ فِي يَدِكَ جُوزَةٌ وَقَالَ النَّاسُ لَوْلُؤُهُ وَقَالَ النَّاسُ إِنَّهَا جُوزَةٌ مَا ضَرَّكَ وَأَنْتَ تَعْلَمُ أَنَّهَا جُوزَةٌ وَ لَوْ كَانَ فِي يَدِكَ لَوْلُؤُهُ وَقَالَ النَّاسُ إِنَّهَا جُوزَةٌ مَا ضَرَّكَ وَأَنْتَ تَعْلَمُ أَنَّهَا لَوْلُؤُهُ. (۲)

ای هشام! اگر در دست تو گردویی باشد، ولی مردم بگویند مروارید است، به حال تو سودی ندارد؛ زیرا می‌دانی گردوست و اگر در دست تو مرواریدی باشد، و مردم بگویند گردوست، زیانی به تو نمی‌رسد؛ زیرا می‌دانی آن مروارید است.

امام باقر (ع) نیز در توصیه زیبایی به جابر جعفی، یکی از شاگردان

۱- سفینه البحار، ج ۲، ص ۵۱۱.

۲- همان، ص ۵۲۸.

ص: ۳۲

برجسته‌اش می‌فرماید:

ای جابر! بدان که تو دوست ما نخواهی بود تا زمانی که اگر تمام اهل شهر جمع شوند و بگویند تو آدم بدی هستی، غمگین نشوی؛ اگر همه بگویند تو آدم خوبی هستی، خوش حال نشوی، بلکه حال خود را بر کتاب خدا (قرآن) عرضه دار. اگر خود را چنین یافتی که در خط قرآن گام برمی‌داری و در آنچه قرآن بی‌میل است، بی‌میل هستی و در آنچه قرآن مشتاق آن است، تو نیز مشتاق آنی و از آنچه قرآن هشدار داده است، گریزانی، استوار باش و مژده باد به تو که در این صورت، آنچه مردم درباره تو می‌گویند، به تو آسیبی نخواهند رساند. (۱)

همچنین، امام باقر (ع) در جای دیگر می‌فرماید:

کسی که خشنودی مردم را به چیزی که موجب خشم خدا می‌شود، طلب کند، همان ستایش، سرزنشگر او خواهد شد و کسی که اطاعت خدا را به چیزی که باعث خشم مردم می‌شود، طلب کند خداوند او را از دشمنی هر دشمن و از حسادت هر حسود و از ظلم هر ستمگر کفایت می‌کند و قطعاً خداوند یار و یاور او خواهد بود. (۲)

---

۱- سفینه البحار، ج ۲، ص ۶۹۱.

۲- فروع کافی، ج ۵، ص ۶۲.



## ۱۰. کوچک شمردن گناه

اگر آدمی، گناه کوچک را ناچیز بشمرد، به راه پر آسیبی گام می‌گذارد؛ زیرا آرام آرام به سرزمین زیان‌بار گناهان کبیره کشیده می‌شود. امام سجاد (ع) در دعای هشتم صحیفه سجادیه از خداوند چنین می‌خواهد:

اللَّهُمَّ اعُوذُ بِكَ مِنْ ... الإِصْرَارِ عَلَى الْإِثْمِ وَاسْتِصْغَارِ الْمَعْصِيَةِ.

پروردگارا! به تو پناه می‌برم از ... و از اصرار بر گناهان و کوچک شمردن گناه.

چنانچه آدمی با گناه خو بگیرد، گناهانش چنان انباشته می‌شوند که از میان بردن آنها دشوار است؛ مانند نخ‌های باریکی که آنها را به آسانی می‌توان از هم گست، اما هنگامی که شماری از این نخ‌ها به هم بافته و به ریسمانی بدل شد، دیگر نمی‌توان آنها را از هم گست. مؤمن بر گناه پای نمی‌فشارد:

(وَلَمْ يَصِرُوا عَلَى مَا فَعَلُوا وَهُمْ يَعْلَمُونَ) (آل عمران: ۱۳۵)

بر آنچه کرده‌اند، پای نمی‌فشارند در حالی که [زشتی آن را] می‌دانند

امام باقر (ع) درباره این آیه می‌فرماید: «اصرار؛ یعنی اینکه کسی گناه

ص: ۳۴

کند و از خدا آمرزش نخواهد و در فکر توبه نباشد» (۱).

مولای پرهیزگاران نیز در این باره چنین هشدار می‌دهد: «

إِيَّاكَ وَالْإِضْرَارَ فَإِنَّهُ مِنَ أَكْبَرِ الْكِبَائِرِ وَأَعْظَمِ الْجَرَائِمِ

» (۲)؛ «از اصرار بر گناه پرهیز؛ زیرا از بزرگ‌ترین گناهان است».

امام صادق (ع) در تمثیلی زیبا به نقل از پیامبر گرامی اسلام (ص) می‌فرماید: روزی رسول خدا (ص) و یارانش [در سفری]، در سرزمینی بی‌آب و علف فرود آمدند. حضرت به یارانش فرمود: «هیزم بیاورید تا آتش روشن کنیم و غذا بپزیم». یاران عرض کردند: «اینجا سرزمین خشکی است و هیچ هیزمی در آن یافت نمی‌شود». رسول اکرم (ص) فرمود: «بروید و هر کدام آنچه می‌توانید، هیزم جمع کنید». آنها رفتند و هر یک مقداری هیزم یا چوب خشکیده با خود آوردند و همه را در برابر پیامبر (ص) روی هم ریختند. پیامبر خدا فرمود:

«هَكَذَا تَجْتَمِعُ الذُّنُوبُ»

؛ «این‌گونه، گناهان روی هم انباشته می‌شوند».

سپس فرمود:

يَاكُمْ وَالْمُحَقَّرَاتِ مِنَ الذُّنُوبِ

» (۳)؛ «از گناهان کوچک پرهیزید».

۱- اصول کافی، ج ۲، ص ۲۸.

۲- مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۳۶۸.

۳- اصول کافی، ج ۲، ص ۲۸۸.

## ۱۱. انتشار گناهان

یکی از عواملی که زمینه گناه را در آدمی فراهم می‌آورد، بی‌شرمی و پاره کردن حیای اجتماعی است. کسی که می‌بیند دیگران بی‌باکانه خود را به گناه می‌آلایند و از کسی شرم و حیا نمی‌کنند، جرئت می‌یابد که مانند آنان به فسق و فجور پردازد. این ویژگی اجتماعی بر اثر انتشار گناهان و نبود امر به معروف و نهی از منکر، کم‌کم پدید می‌آید. برخی از افراد برای توجیه کردن گناهان خود، دوست دارند که گناه دیگران را آشکار سازند. حضرت علی (ع) در این باره نیز می‌فرماید:

ذَوُّ الْغُيُوبِ يُحِبُّونَ إِشَاعَةَ مَعَايِبِ النَّاسِ لِيَتَّبِعَ لَهُمُ الْعُذْرُ فِي مَعَايِبِهِمْ. (۱)

گناه کاران دوست دارند گناه دیگران را منتشر کنند تا راه بهانه برای گناه خودشان بازتر گردد.

خداوند از گستردن و اشاعه فساد به شدت پرهیز داده است:

إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ (نور: ۱۹)

کسانی که دوست دارند زشتی‌ها در میان مردم باایمان رواج یابد، عذاب دردناکی برای آنها در دنیا و آخرت است.

ص: ۳۶

بدترین گناه این است که آدمی به بازگویی‌اش نزد دیگران و انتشار آن پردازد. بی‌گمان، انسان عقیف و پاک‌دامن، اگر گناهی هم مرتکب شود، در پرده‌پوشی آن می‌کوشد.

رسول اکرم (ص) می‌فرماید:

الْمُسْتَرُّ بِالْحَسَنَةِ يَعْدِلُ سَبْعِينَ حَسَنَةً وَالْمُذِيْعُ بِالسَّيِّئَةِ مَخْذُولٌ وَالْمُسْتَرُّ بِهَا مَغْفُورٌ لَهُ. (۱)

پاداش پنهان‌کننده کار نیک [به خاطر دوری از ریا] برابر هفتاد حسنه است و آن کس که گناه را نشر دهد مطرود است و آن کس که گناه را پنهان می‌دارد، مشمول آمرزش الهی است.

هر که آشکارا گناه کند یا گناه پنهانش را آشکار سازد، موجب تباهی جامعه و فراگیری گناه در آن می‌شود. حضرت علی (ع) در این باره می‌فرماید: «

إِيَّاكَ وَالْمُجَاهِرَةَ بِالْفُجُورِ فَإِنَّهَا مِنْ أَشَدِّ الْمَآثِمِ

«(۲)؛ «از تظاهر به تباهی پرهیز؛ چون از بزرگ‌ترین گناهان است».

اگر آدمی از کار خود شرمگین باشد، هیچ‌گاه آن را برای دیگران بازگو نمی‌کند، اما کسی که از کار خود شاد باشد، آن را با طمطراق برای دیگران نقل می‌کند.

## ۱۲. تغذیه ناپاک

۱- اصول کافی، ج ۲، ص ۱۶۰.

۲- مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۳۶۸.

ص: ۳۷

اسلام به موضوع غذا اهمیت بسیار داده و پیروان خود را از خوردن غذای ناپاک و حرام باز می‌دارد. زیرا؛ آنچه مسلم است اینکه، غذای حرام در روح و جان انسان اثر وضعی می‌گذارد و او را به گناه سوق می‌دهد. خداوند در برخی آیات، مؤمنان را از خوردن غذای ناپاک و حرام باز می‌دارد: «وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ؛ «و اموال یکدیگر را به باطل [و ناحق] در میان خود نخورید.» (بقره: ۱۸۸)

همچنین در کریمه دیگری می‌فرماید:

إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَىٰ ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا وَ سَيَصْلُونَ سَعِيرًا (نساء: ۱۰)

کسانی که اموال یتیمان را از روی ظلم و ستم می‌خورند، تنها آتش می‌خورند و به زودی در آتش سوزان می‌سوزند.

روایات اسلامی نیز انسان را از حرام‌خواری منع کرده‌اند. امام سجاد (ع) می‌فرماید: «

وَ حَقُّ بَطْنِكَ أَنْ لَا تَجْعَلَهُ وَعَاءً لِلْحَرَامِ

«(۱)؛ «حق شکم تو آن است که آن را ظرف حرام، قرار ندهی.»

همچنین رسول گرامی اسلام (ص) می‌فرماید: «

طَهَّرْ مَا كَلَّكَ وَلَا تُدْخِلْ بَطْنَكَ الْحَرَامَ»

(۲)

؛ «غذای خود را پاک کن و غذای حرام را وارد شکم مکن.»

۱- مکارم الاخلاق، ص ۴۱۹.

۲- سفینه البحار، ج ۱، ص ۴۴۸.

ص: ۳۸

ایشان در سفارشی دیگر می‌فرماید:

مَنْ أَحَبَّ أَنْ يُسْتَجَابَ دُعَاؤُهُ فَلْيُطَبِّبْ مَطْعَمَهُ وَ مَكْسَبَهُ. (۱)

هر کسی که دوست دارد، دعایش به استجابت برسد، باید غذای خود و کسب و درآمدش را پاک سازد.

### ب) پی آمدهای گناه

#### یک- آثار ارتکاب گناه

#### اشاره

بی‌گمان، دست زدن به گناهان، پی‌آمدهایی دارد که شایسته است انسان برای جلوگیری از آنها، روح پاکش را به گناه آلوده نسازد. برخی از این آثار عبارتند از:

#### ۱. محروم شدن از نماز شب

گناه رشته پیوند خالق و مخلوق را می‌گسلد. چنان‌که فاصله‌ای میان حرکت کارد و بریده شدن گوشت نیست؛ میان گناه و اثر آن نیز فاصله‌ای نیست و اثرش به زودی نمایان می‌شود. امام صادق (ع) درباره تأثیر گناه در محروم شدن از نماز شب می‌فرماید:

إِنَّ الرَّجُلَ يُذْنِبُ الذَّنْبَ فَيُحْرَمُ صَلَاةَ اللَّيْلِ وَإِنَّ الْعَمَلَ السَّيِّئَ أَسْرَعُ فِي صَاحِبِهِ مِنَ السُّكِّينِ فِي اللَّحْمِ. (۲)

۱- همان.

۲- اصول کافی، ج ۳، ص ۳۷۴.

ص: ۳۹

به‌راستی که شخص، مرتکب گناه می‌شود و بر اثر آن، از نماز شب محروم می‌گردد و هر آینه اثر کار بد در [روح و جان] صاحبش سریع‌تر از اثر کار در گوشت است.

## ۲. دوری از رحمت الهی

گناه کار مشمول رحمت الهی قرار نمی‌گیرد. خداوند درباره گروهی از بنی‌اسرائیل می‌فرماید: پس آنان را به سبب پیمان‌شکنی‌شان لعنت کردیم (۱) لعنت خدا یعنی دور ساختن از رحمت خویش. بر این اساس خداوند درباره توبه‌کننده می‌فرماید: فَإِنَّ اللَّهَ يَتُوبُ عَلَيْهِ (مائده: ۳۹) توبه خدا بر بندگان به معنای بازگشت رحمت او به آنان است. بنابراین گناهکار قبل از توبه از رحمت خداوند دور بوده است. (۲)

## ۳. اجابت نشدن دعا

گناه، مانع استجاب دعا است. امام باقر (ع) می‌فرماید:

إِنَّ الْعَبْدَ يَسْأَلُ اللَّهَ الْحَاجَةَ فَيَكُونُ مِنْ شَأْنِهِ قَضَاؤُهَا إِلَى أَجَلٍ قَرِيبٍ أَوْ إِلَى وَقْتٍ بَطِيءٍ فَيَذْنِبُ الْعَبْدُ ذَنْبًا فَيَقُولُ اللَّهُ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - لِلْمَلِكِ لَا تَقْضِ حَاجَتَهُ وَاحْرِمْهُ إِيَّاهَا فَإِنَّهُ تَعَرَّضَ لِسَخَطِي وَاسْتَوْجَبَ الْحُرْمَانَ مِنِّي.

۱- مائده: ۱۳.

۲- وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۳۰۲.

ص: ۴۰

همانا بنده از خدا حاجتی می‌خواهد که [خداوند] در نظر دارد دیر یا زود آن را برآورد. پس آن بنده، گناهی مرتکب می‌شود و خدای تعالی به فرشته می‌گوید: حاجتش را برآورده مساز و او را از آن محروم دار؛ زیرا خشمم را برانگیخت و سزاوار محرومیت از درگاه ما شد.

حضرت علی (ع) نیز گناه را مانع اجابت دعا می‌داند و می‌فرماید: «

الْمُعْصِيَةُ تَمْنَعُ الْإِجَابَةَ

«(۱)»

شخصی از حضرت امیر پرسید: چگونه است که ما دعا می‌کنیم، اما اجابت نمی‌شود؟ حضرت در پاسخ فرمود: دل‌های شما در هشت جا خیانت کردند: خدا را شناختید، اما حق واجب او را بر خودتان ادا نکردید. از این رو، آن معرفت به کار شما نیامد؛ به پیامبر خدا ایمان آوردید، آن‌گاه با سنت و روشش مخالفت کردید و شریعتش را از میان بردید؛ پس پی‌آمد ایمان‌تان چه شد؟ کتاب خدا بر شما فرود آمد، آن را خواندید، اما بدان عمل نکردید و گفتید: به گوش و دل می‌پذیریم، اما با آن مخالفت کردید؛ گفتید: ما از آتش دوزخ می‌ترسیم، اما همواره با گناهان خود به سوی دوزخ می‌روید. پس ترس شما کجا رفت؟ گفتید: ما مشتاق بهشتیم، اما همواره به کارهایی دست می‌زنید که

۱- غرر الحکم و درر الکلم، ح ۳۷۶۶.



ص: ۴۱

شما را از بهشت دور می‌سازند؛ پس علاقه و شوق شما به بهشت کجاست؟

نعمت خدای خود را خوردید، اما از او سپاس‌گزاری نکردید. خداوند شما را به دشمنی با شیطان دستور داد و فرمود: **إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا**؛ «همانا شیطان، دشمن شماست؛ شما نیز او را دشمن بگیرید.» (فاطر: ۶) اما شما به زبان با او دشمنی کردید و در عمل، به دوستی با او برخاستید.

عیب‌های مردم را در برابر دیدگانتان قرار دادید و عیب‌های خود را پشت سر انداختید و از این رو، کسی را نکوهش می‌کنید که خود به نکوهش در آن‌باره، سزاوارترید. پس چگونه دعای شما مستجاب شود با اینکه درهای [اجابت] دعا و راه‌های آن را بر خود بسته‌اید؟ پس از خداوند بترسید و کارهایتان را اصلاح و به معروف، امر و از منکر، نهی کنید تا خدا دعایتان را مستجاب کند. (۱)

امام سجاد (ع) در روایتی به برخی از گناهایی که مانع پذیرش دعا می‌شوند اشاره کرده‌اند:

**وَالذُّنُوبُ الَّتِي تَرُدُّ الدُّعَاءَ: سُوءُ النَّيَّةِ وَ خُبْثُ السَّرِيرَةِ وَ النَّفَاقَ مَعَ الْإِخْوَانِ وَ تَرُكُ التَّصَدِيقِ بِالْإِجَابَةِ وَ تَأْخِيرُ الصَّلَوَاتِ الْمَفْرُوضَاتِ حَتَّى تَذَهَبَ أَوْقَاتُهَا وَ تَرُكُ التَّقَرُّبِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ بِالْبِرِّ وَ الصَّدَقَةِ وَ**

۱- بحارالانوار، ج ۹۳، صص ۳۷۷-۳۷۶.

ص: ۴۲

اِسْتِعْمَالُ الْبَدَايِ وَالْفُحْشِ فِي الْقَوْلِ. (۱)

آن گناهانی که دعا را باز می‌گرداند، بددلی، بدطیتی، دورویی با برادران ایمانی، ایمان نداشتن به اجابت دعا، تأخیر در نمازهای واجب به گونه‌ای که وقت آن بگذرد، نزدیک نشدن به خدای - عَزَّوَجَلَّ - با نیکی و صدقه و سرانجام، بد زبانی است. همچنین در دعای کامل آمده است: «خدایا! پیامرزم برایم گناهانی را که از [استجابت] دعا جلوگیری می‌کند».

#### ۴. گریز از حق

پیروی آدمی از خواهش‌های نفسانی، او را از پیمودن راه کمال و فضیلت بازمی‌دارد و به سراشیبی سقوط می‌اندازد. گناه کاری سبب گرفتار شدن انسان به کژباوری و انکار مقدسات دینی می‌شود. قرآن کریم در این باره به صراحت می‌فرماید:

ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ أَصَاؤُا السُّوَايَ أَنْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَكَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِؤْنَ (روم: ۱۰)

سرانجام کسانی که کارهای زشت کردند، آن بود که آیات خدا را تکذیب و مسخره می‌کردند.

۱- معانی الاخبار، ص ۲۱۷.

**۵. گمراهی و هلاکت**

قرآن مجید برای جلوگیری از گرفتاری انسان در دام هوا، به او چنین هشدار می‌دهد: **وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَىٰ فَيُضِلَّكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ**؛ «از هوای نفس پیروی نکن که تو را از راه خدا گمراه می‌سازد.» (ص: ۲۶)

امیر مؤمنان علی (ع) نیز در سخنی کوتاه و رسا در همین زمینه می‌فرماید: **«مَنْ أَطَاعَ هَوَاهُ هَلَكَ»**

«(۱)؛ کسی که از هوای نفس خود پیروی کند، هلاک می‌گردد.»

این سخن ارزشمند حضرت علی (ع) نیز از پی‌آمد بسیار زیان‌بار پیروی از گناه خبر می‌دهد:

**إِقْمَعُوا هَذِهِ النُّفُوسَ فَإِنَّهَا طَلَعَةٌ إِنْ تُطِيعُوهَا تُرَغِّبْكُمْ إِلَى شَرِّ عَآئِيَةٍ.** (۲)

این نفس‌های سرکش را مهار کنید که لجام گسیخته و خودسیرند و اگر از آنها پیروی کنید و به دنبالشان بروید، شما را به بدترین پرتگاه می‌افکند.

قرآن مجید، بی‌ایمانی و گمراهی کافران را پی‌آمد پیروی آنان از هوای نفس می‌شمرد:

**(فَلَا يَصُدُّنَّكَ عَنْهَا مَنْ لَا يُؤْمِنُ بِهَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ فَتَرْدَى**

(طه: ۱۶)

آن کسی که به روز جزا ایمان نیاورده و از هوای نفس خود

۱- غررالحکم و درر الکلم، ص ۶۱۳.

۲- غررالحکم و درر الکلم، ص ۱۳۸.

ص: ۴۴

پیروی کرده است، تو را از ایمان به خدا باز ندارد که هلاک خواهی شد.

### ۶. عذاب‌های اخروی

خداوند در آیه‌ای از قرآن مجید، درباره عذاب‌های اخروی گناهان می‌فرماید:

وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَكُبَّتْ وَجُوهُهُمْ فِي النَّارِ هَلْ تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ (نمل: ۹۰)

و آنان را که کارهای بد می‌کنند در آتش سرنگون سازد و شما را جز بر اساس کارهایی که کرده‌اید، کیفر ندهند.

وضع گناهکاران در آخرت، در آیه دیگری چنین توصیف می‌شود:

يُبْصِرُونَهُمْ يَوْمَ الْمُبْرَمِ لَوْ يَفْتَدِي مِنْ عَذَابِ يَوْمِئِذٍ بَنِيهِ (۱۱) وَ صَاحِبَتِهِ وَ أَخِيهِ (۱۲) وَ فَصِيلَتِهِ الَّتِي تُؤْوِيهِ (۱۳) وَ مَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا  
ثُمَّ يُنْجِيهِ (۱۴) كَلَّا إِنَّهَا لَلْظَى (۱۵) نَزَّاعَةً لِّلشَّوَى (۱۶) (معارج: ۱۱-۱۶)

گناه کار، دوست دارد فرزندانش را در برابر عذاب آن روز فدا کند و زنش و برادرش را و عشیره‌اش که همیشه از او حمایت می‌کرد و همه آنها که در روی زمین‌اند، بلکه نجات یابد. اما هرگز چنین نیست. شعله‌های آتش سوزان است، پوست سر را

ص: ۴۵

می‌کند.

قرآن در آیه کریمه دیگری از وضع ظاهری گناهکاران در آن روز پرده برمی‌دارد و می‌فرماید:

تَلْفَحُ وُجُوهُهُمْ النَّارُ وَهُمْ فِيهَا كَالِحُونَ (مؤمنون: ۱۰۴)

آتش، چهره‌هایشان را می‌سوزاند و لبانشان آماس کرده و برگشته است.

افزون بر اینها، چهره گناه کاران در قیامت دگرگون می‌شود. معاذ بن جبل می‌گوید: در منزل ابویوب انصاری در محضر رسول خدا

(ص) بودم. از آن حضرت پرسیدم: منظور از این آیه چیست؟ یَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَيَأْتُونَ أَفْوَاجاً؛ «روز قیامت در صور دمیده

می‌شود، پس مردم گروه گروه می‌آیند.» (نبا: ۱۸)

آن حضرت در پاسخ فرمود:

ده گروه از امت من در قیامت با چهره‌های مخصوصی از سایرین متمایز هستند و با این حال وارد صحنه می‌شوند.

گروهی به صورت میمون یا خوک یا واژگونه یا کور یا گنگ و کر و گروهی زبانشان را می‌جووند و از دهانشان چرک می‌ریزد که

همه را ناراحت می‌کند. بعضی بدتر از مردار گندیده، گروهی پوشیده به لباس‌های آتشین و مس گداخته و چسبان، برخی با دست

و پای بریده و گروه دیگر آویخته شده بر دارهای آتشین.

ص: ۴۶

گروه اول، سخن چین‌ها هستند، گروه دوم، حرام‌خورهایند، گروه سوم رباخوارند، گروه چهارم قاضیان ستمگر هستند، گروه پنجم از خودراضی و خودبینان هستند، گروه ششم علما و قاضیان بی‌عمل می‌باشند، گروه هفتم آزاردهندگان به همسایه‌اند، گروه هشتم جاسوس‌های نزد ظالم هستند، گروه نهم شهوت‌رانان و کسانی که حقوق خدا را از اموالشان نمی‌پردازند و گروه دهم متکبران می‌باشند. (۱)

## ۷. عذاب دنیوی

مصیبت‌های دنیایی از دیگر پی‌آمدهای گناه به شمار می‌رود. سخن ارزشمند علامه طباطبایی (رحمه الله) در این باره خواندنی است: انسان مانند سایه انواع موجودات، وجودش مرتبط با سایر اجزای عالم است و اعمالی که از او سر می‌زند با سایر اجزای عالم که محیط به او است ارتباط کامل دارد، به طوری که اگر حرکاتش صالح و سازگار با اجزاء و موجودات باشد، آن موجودات نیز سازگار با او خواهند بود و برکات به سویس سرازیر خواهد شد و اگر سازگار نباشد عالم نیز با او سازگاری نداشته و در نبود ساختن او سعی خواهد نمود. (۲)

۱- مجمع البیان، ج ۱، ص ۴۲۳.

۲- المیزان، ج ۸، ص ۲۵۰.

ص: ۴۷

قرآن مجید می‌فرماید: «و هر مصیبتی به شما برسد به سبب دستاورد خودتان است و [خدا] از بسیاری [از گناهان شما] درمی‌گذرد». امام صادق (ع) نیز در این باره چنین فرمود:

هیچ رگی از بدن نمی‌جهد و هیچ نکبتی نمی‌رسد و هیچ سردرد و بیماری دیگری عارض کسی نمی‌شود مگر به خاطر گناهی است که کرده، سپس آن حضرت این آیه شوری را تلاوت نمود و در معنای آن فرمود: یعنی آنچه که از عقوبتش صرف نظر می‌کند بیشتر از آن گناهی است که عقوبتش را به گناه کار می‌چشاند. (۱)

این آیات نیز همین نکته را باز می‌گوید:

و چه بسیار شهرهایی را که [مردم آنها] ستم کار بودند، هلاک کردیم و [اینک دیوارهای] آنها بر سقف‌هایشان فرو ریخته است و [چه بسیار] چاه‌های رها شده و کاخ‌های برافراشته [که صاحبانشان هلاک شده‌اند]. (۲)

و خدا مثلی زده است: شهری را که امنیت و آرامش داشت و رزق آن به فراوانی از هر نقطه بدان می‌رسید؛ پس نعمت‌های خدا را ناسپاسی کردند و خدا هم به سزای آنچه می‌کردند طعم

۱- اصول کافی، ج ۱، ص ۵۸۱.

۲- حج: ۴۵.

ص: ۴۸

گرسنگی و ترس فراگیر را به آنان چشانید. (۱)

از امام صادق (ع) درباره این آیه چنین روایت شده است:

قبل از شما قریه‌ای بود که خداوند در زندگی به آنان گشایش داده بود تا اینکه طغیان کردند و بعضی به بعضی دیگر گفتند: اگر به چیزی از این نان‌ها روی آوریم و آن را وسیله استنجا قرار دهیم، برای ما از سنگ نرم‌تر خواهد بود و چون چنین کردند، خداوند جنبنده‌های کوچک‌تر از ملخ را بر سرزمین‌های آنان فرستاد و آنها همه چیزهایی که خداوند آفریده بود از درخت و غیر آن را خوردند. در نتیجه سختی به جایی رسید که آنان به همان نان‌هایی که با آن استنجا کرده بودند، روی آوردند و آنها را خوردند و

آن همان قریه‌ای است که خداوند فرموده است: **وَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً مُطْمَئِنَّةً ... (نحل: ۱۱۲). (۲)**

اگر گناه در جامعه‌ای رواج یابد، خداوند آن جامعه و مردمان خوش گذران و گناهکار را نابود می‌کند؛ چنان‌که در این آیه از قرآن آمده است:

**وَ إِذَا أَرَدْنَا أَنْ نُهْلِكَ قَرْيَةً أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا فَفَسَقُوا فِيهَا فَحَقَّ عَلَيْهَا الْقَوْلُ فَدَمَّرْنَاهَا تَدْمِيرًا (اسراء: ۱۶)**

۱- نحل: ۱۱۲.

۲- تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۷۳.



ص: ۴۹

چون بخواهیم قریه‌ای را نابود کنیم، خوش گذرانان و عیاشانشان را وامی داریم تا در آنجا گناه کنند و عذاب خدا بر آنان محقق شود و یک‌سره آنجا را ویران کنیم.

خداوند همچنین در آیه دیگری می‌فرماید: فَأَهْلَكْنَاهُمْ بِذُنُوبِهِمْ؛ «پس آنها را به سبب گناهانشان نابود کردیم». (انعام: ۶) و یا در جای دیگر می‌فرماید: «پس پروردگارشان به سبب گناهانشان بر سرشان عذاب آورد و با خاک یکسانشان ساخت».

امام علی (ع) نیز درباره گرفتار شدن اقوام به عذاب الهی بر اثر ارتکاب گناه می‌فرماید:

وَ اخِذُوا مِمَّا نَزَلَ بِالْإِسْمِ قَبْلَكُمْ مِنَ الْمُثَلَاتِ بِسُوءِ الْأَفْعَالِ وَ ذَمِيمِ الْأَعْمَالِ فَتَيَذَكَّرُوا فِي الْخَيْرِ وَ الشَّرِّ أَحْوَالَهُمْ وَ اخِذُوا أَنْ تَكُونُوا أَمْثَالَهُمْ (۱)

و بترسید از آن عذاب‌ها و کیفرهای سختی که بر اثر زشت کاری‌ها و اعمال بد به ملت‌های پیش از شما رسید و در نیکی و بدی، احوال آنها را یاد آور شوید و بترسید که همانند آنان گردید.

### ۸. تسلط بیگانگان بر سرزمین اسلامی

یکی از آثار و پی‌آمدهای رواج گناه، رخنه و نفوذ تدریجی

۱- . نهج البلاغه، ترجمه و شرح فیض الاسلام، ص ۷۹۲.

ص: ۵۰

بیگانگان و تسلط آنان بر ممالک اسلامی است.

ماجرای اندلس و چیرگی دشمنان بر مسلمانان و نابودی آنان در جنوب غربی اروپا بر اثر غرق شدنشان در گرداب گناهان، نمونه‌ای عبرت‌آموز در این زمینه است.

طارق بن زیاد از سوی موسی بن نصیر، فرمانده منصوب خلفای اموی در افریقا، فرمان یافت که اسپانیا را فتح کند. وی از راه تنگه جبل الطارق به خاک اسپانیا وارد شد و توانست به کمک سپاه دوازده هزار نفری خود، شهرهای اسپانیا را یکی پس از دیگری فتح کند و حدود هشتصد سال در آنجا حکم راندند. هم‌اکنون نیز آثار تاریخی‌شان مانند مسجد قرطبه، قصر اشبیلیه، مسجد الحمراء و قصر الحمراء، منبع درآمد خوبی برای کشور اسپانیاست. هنگامی که اسپانیا در دست مسلمانان بود، مسیحیت با امکانات و نقشه‌های فراوان و جنگ‌های خونین، نتوانست این کشور را از آنان بازستاند، اما سرانجام با رواج دادن بی‌بندوباری و گناه در میان جوانان این کشور، به آرامی در آن رخنه کرد و با سرگرم ساختن آنان به عیاشی و شهوت‌رانی، جایگاه‌های مهم را در این کشور به دست گرفت و توانست بر اسپانیا مسلط شود.

این، سرنوشت ملتی بود که با نگاه‌بانی از دین و آیین خود، به بزرگ‌ترین موفقیت‌ها دست یافتند، اما آن‌گاه که گناه در میانشان رواج یافت، زمینه نابودی‌شان نیز فراهم آمد. امام باقر (ع) به نقل از رسول‌الله (ص)

ص: ۵۱

سرنوشت جوامعی که به گناه آلوده می‌شوند را چنین توصیف می‌کند:

هرگاه پس از من زنا پدیدار شود، مرگ ناگهانی فراوان گردد و هرگاه از پیمانۀ و ترازو کم شود، خداوند آنان را به قحطی و کمی [خوراک و دیگر وسایل زندگی] گرفتار می‌سازد و هرگاه [مردم] از دادن زکات دریغ کنند، زمین برکت خود را از زراعت و میوه‌ها و معادن، از آنان دریغ می‌کند و هرگاه در احکام به ناحق حکم کنند، به ستم یکدیگر دچار می‌گردند و چون پیمان‌شکنی کنند، خداوند دشمنانشان را بر آنان چیره می‌سازد و چون رحم را قطع کنند، خداوند، اموالشان را در دست اشرار قرار می‌دهد و چون امر به معروف و نهی از منکر و از نیکان اهل بیت پیروی نکنند، خداوند، اشرار آنان را بر ایشان چیره می‌گرداند، پس نیکان‌شان دعا می‌کنند و مستجاب نمی‌شود.

البته تنها ملت مسلمان اسپانیا نبود که بر اثر آلودگی به گناه و شهوت‌رانی به شکست و نابودی تن داد، بلکه هر ملت آلوده به گناه، به همین سرنوشت دچار خواهد شد.

## ۹. زوال نعمت

یکی از سنت‌های الهی این است که چنانچه ملتی به گناه و معصیت آلوده شود، نعمت‌ها از آنان ستانده می‌شود و خودشان از

ص: ۵۲

میان می‌روند. قرآن کریم در این باره می‌فرماید:

آیا در زمین سیر نمی‌کنند تا بنگرند عاقبت پیشینیان چگونه بوده است؟ توانایی آنها و آثاری که در زمین پدید آورده بودند، از اینان بیش بود و خدا آنان را به کیفر کفرشان فراگرفت. (۱)

امیرمؤمنان، علی (ع) نیز بر پایه روایتی چنین می‌گوید:

به خدا سوگند، هرگز قومی در فراوانی نعمت‌های زندگی به سر نبرده است مگر آنکه به سبب گناهی که مرتکب شده، این نعمت‌ها را از دست داده است و خداوند هرگز به بندگانش ستم نمی‌کند.

امام صادق (ع) هم در این باره می‌فرماید:

خدای تعالی حکم قطعی و حتمی فرموده است که نعمتی به بنده‌ای ندهد که آن را از او بگیرد؛ جز آنکه بنده گناهی کند که مستحق کیفر آن گردد.

امام سجاد (ع) نیز برخی گناهان را در دگرگونی نعمت‌ها مؤثر می‌داند:

الدُّنُوبُ الَّتِي تُعَيِّرُ النَّعْمَ: الْبُغْيُ عَلَى النَّاسِ وَالزَّوَالُ عَنِ الْعَادَةِ فِي الْخَيْرِ وَاصْطِنَاعِ الْمَعْرُوفِ وَكُفْرَانِ النَّعْمِ وَتَزَكُّ الشُّكْرِ. (۲)

گناهی که نعمت‌ها را دگرگون می‌سازد، عبارت است از ستم

۱- غافر: ۲۱.

۲- معانی الاخبار، ص ۲۷۰.

ص: ۵۳

بر مردم، ترک عادت در کار خیر و انجام کار نیک، کفران نعمت و ترک شکر و سپاس‌گزاری.

### ۱۰. کاهش عمر

یکی از آثار گناهان، کاسته شدن از عمر آدمی است. امام صادق (ع) علت مرگ بیشتر مردم را گناهان آنان می‌داند و می‌فرماید:

مَنْ يَمُوتُ بِالذُّنُوبِ أَكْثَرَ مِمَّنْ يَمُوتُ بِالْأَجَالِ (۱)

شمار کسانی که بر گناهان می‌میرند، بیش از کسانی است که به عمر طبیعی از این جهان می‌روند.

امام سجاد (ع) نیز به گناهانی که موجب کوتاهی عمر می‌شوند، چنین اشاره می‌کند:

وَالذُّنُوبُ الَّتِي تُعَجِّلُ الْفَنَاءَ قَطِيعَةُ الرَّحِمِ وَالْيَمِينُ الْفَاجِرَةُ وَالْأَقْوَالُ الْكَاذِبَةُ وَالزَّيْنَاءُ وَالسُّدُّ طُرُقِ الْمُسْلِمِينَ وَادِّعَاءُ الْإِمَامَةِ بِغَيْرِ حَقٍّ (۲)

گناهانی که در نابودی [انسان] شتاب می‌کنند، [عبارتند از:] قطع رحم، سوگند دروغ، سخنان دروغ، زنا، سد کردن راه مسلمانان و

به ناحق ادعا کردن امامت و رهبری.

پیوند با خویشاوندان موجب طولانی شدن عمر می‌شود و هرگونه

۱- بحارالانوار، ج ۵، ص ۱۴۰.

۲- معانی الاخبار، ص ۲۷۱.

ص: ۵۴

قطع رابطه و پیوند با اقوام، کوتاهی عمر را در پی دارد.

امام صادق (ع) به درخواست منصور نزد او رفت. او فرمان داد که تشکی در کنارش بگسترند و امام را بر آن نشانند. آن گاه چند بار صدا زد: محمد را نزد من بیاورید! (۱) مهدی را پیش من بیاورید! هنگامی که پسرش آمد، به امام (ع) گفت آن حدیثی را که درباره صله رحم نقل کردی، دوباره بگو تا مهدی نیز بشنود. امام فرمود: آری پدرم از پدرش و او از جدش امیرالمؤمنین علی (ع) و او نیز از رسول خدا (ص) چنین روایت کرده است:

إِنَّ الرَّجُلَ لِيَصِلَ رَحْمَهُ وَقَدْ بَقِيَ مِنْ عُمَرِهِ ثَلَاثُ سِنِينَ فَيَصِيْرُهَا اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ ثَلَاثِينَ سِنَّةً وَيَقْطَعُهَا وَقَدْ بَقِيَ مِنْ عُمَرِهِ ثَلَاثُونَ سِنَّةً فَيَصِيْرُهَا اللَّهُ ثَلَاثَ سِنِينَ.

به راستی مرد صله رحم می‌کند و از عمرش سه سال بیش نمانده است؛ ولی خدا عمر او را به سی سال افزایش می‌دهد و قطع رحم می‌کند در حالی که از عمرش سی سال مانده است، ولی خدا عمر او را به سه سال کاهش می‌دهد.

منصور گفت: این حدیث نیکوست، اما مقصودم، این حدیث نبود. امام صادق (ع) فرمود: آری پدرم از پدرش و او از جدش و وی از رسول الله (ص) روایت کرده است:

۱- محمد، نام پسر منصور و مهدی لقبش بود.

ص: ۵۵

صَلَّةُ الرَّحِمِ تَعْمُرُ الدِّيَارَ وَ تَزِيدُ فِي الْأَعْمَارِ وَإِنْ كَانَ أَهْلُهَا غَيْرَ أَخْيَارٍ.

صله رحم، خانه‌ها را آباد میکند و بر عمرها می‌افزاید؛ اگرچه انجام‌دهندگان آن، مردم خوبی نباشد.

منصور دوباره گفت: این نیز حدیث زیبایی است، اما مقصودم این هم نبود. حضرت فرمود: آری پدرم از پدرش و او از جدش و او

نیز از رسول اکرم (ص) نقل فرموده است:

صَلَّةُ الرَّحِمِ تُهَوِّنُ الْحِسَابَ وَ تَقِي مِثَّةَ السُّوءِ.

صله رحم، حساب روز قیامت را آسان می‌سازد و [انسان را] از مرگ بد حفظ میکند.

منصور پس از شنیدن این سخن امام، گفت: آری مقصودم همین حدیث بود. (۱)

درباره زناکاری نیز رسول خدا (ص) فرموده‌اند: «

إِذَا ظَهَرَ الزَّانَا مِنْ بَعْدِي كَثُرَ مَوْتُ الْفُجَاءِ»

«(۲)؛ «هرگاه پس از من زنا شایع شد، مرگ ناگهانی نیز بسیار میشود».

بنابر روایت‌های تاریخی، پس از رحلت حضرت موسی (ع)، جانشین وی یوشع بن نون، همراه بنی اسرائیل برای فتح شهرهای شام به

راه

۱- سفینه البحار، ج ۱، ص ۵۱۴.

۲- اصول کافی، ج ۴، ص ۸۱.

ص: ۵۶

افتاد و چون به آنجا رسید، شهر را محاصره کرد. از آن سو، حاکم شهر شام، بلعم بن باعور را فراخواند. بلعم بر اثر عبادت بسیار، «مستجاب الدعوه» شده بود و از این رو، حاکم به وی فرمان داد برای از میان بردن یوشع و لشکریانش نفرین کند. بلعم برخاست و بر الاغ خود سوار شد و به راه افتاد، اما الاغ از رفتن سرمی پیچید. سرانجام بلعم آن حیوان را با ضربهای شلاق کشت و خود، پیاده برای نفرین کردن به راه افتاد، اما در میان راه با دیدن ماجرای، نتوانست دعا کند و ناگزیر نزد حاکم بازگشت و گفت: راهی برای نفرین کردن آنان نیست، اما من برای نابودی شان راه دیگری به شما نشان می‌دهم: زنان بدکاره را زینت کنید و به بهانه خرید و فروش، میان آنان بفرستید. پیشنهاد بلعم اجرا شد و روسپیان میان لشکریان یوشع در آمدند. از این رو، بسیاری از سپاهیان وی به لغزش اخلاقی و طاعون دچار شدند و شمار فراوانی از آنان، در چند روز مردند.

یکی از سرداران به نام منخاص که مردی غیرتمند و شجاع بود، از این ماجرا آگاه شد، نیزه خود را برداشت و میان لشکریان آمد و به زن و مرد سرگرم به زنا یورش برد و هر دو را کشت. آن‌گاه فرمان داد که اعلام کنند: از این پس، سزای چنین کاری، مرگ خواهد بود. سربازان یوشع با دیدن این ماجرا، از کار زشت‌شان دست کشیدند و از این رو، طاعون از میان رفت و سپاهیان به رهبری یوشع، شهر را



ص: ۵۷

فتح کردند. (۱)

دروغ نیز از گناهانی است که می‌تواند موجب کوتاهی عمر آدمی گردد. بر پایه روایتی، مردی در روزگار امام حسن (ع) به دروغ مدعی شد که هزار درهم از حسن بن علی (ع) طلبکار است. حضرت همراه آن مرد برای اثبات این دعوی نزد شریح قاضی رفت. شریح به امام حسن (ع) رو کرد و گفت: آیا سوگند می‌خوری که بدهکار نیستی؟ حضرت فرمود: اگر این مرد سوگند بخورد، من پول را به او می‌دهم. شریح به آن مرد گفت بگو: «

بِاللَّهِ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ

«سوگند به خدایی که معبودی جز او نیست، دانای غیب و شهود».

امام حسن مجتبی (ع) به آن مرد فرمود: نه، نمی‌خواهم چنین سوگند بخوری، بگو: «

بِاللَّهِ إِنَّ لَكَ عَلَيَّ هَذَا وَخُذِ الْإِلْفَ

«به خدا من این مبلغ را از تو طلب کارم، سپس آن هزار درهم را بگیر».

مرد چنان سوگند خورد که امام فرموده بود، و پول را گرفت، اما همین که از جای برخاست، به رو افتاد و مرد. (۲)

## ۱۱. پی‌آمدهای جسمی و جانی

گناه، گونه‌ای از بیماری است. خداوند در قرآن کریم، مکر و

۱- الکامل، ابن اثیر، ج ۱، ص ۶۸.

۲- مناقب ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۷.

ص: ۵۸

نیرنگ را بیماری نامیده و درباره منافقان نیرنگ باز با خدا و مؤمنان چنین فرموده است: *فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا* «در دل این منافقان فریب کار، بیماری است.» (بقره: ۱۰)

این سخن در روایات نیز آمده. برای نمونه، امام علی (ع) میفرماید:

*لَا وَجَعَ أَوْجَعَ لِلْقُلُوبِ مِنَ الذَّنْبِ.* (۱)

هیچ دردی برای دل‌ها، بدتر از گناه نیست.

*الذُّنُوبُ الدَّاءُ وَ الدَّوَاءُ الإِسْتِغْفَارُ وَ الشِّفَاءُ إِنْ لَا تَعُودَ.* (۲)

گناهان، دردند و داروی آنها، استغفار است و درمان این بیماری آن است که دیگر به گناه باز نگردی.

*الشَّهَوَاتُ أَغْلَالٌ قَاتِلَاتٌ وَ أَفْضَلُ دَوَائِهَا إِقْتِنَاءُ الصَّبْرِ عِنْدَهَا.* (۳)

شهوتهای، بیماری کشنده‌ای است که بهترین داروی آن، صبوری در برابر آنهاست.

قرآن نیز روی آوردن را به درگاه الهی، درمان گناه می‌شمارد و میفرماید:

*قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا* (زمر: ۵۳)

بگو ای بندگان من که در حق خویشتن تندروی کردید، از رحمت

۱- بحارالانوار، ج ۷۳، ص ۳۴۲.

۲- مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۱۲۹.

۳- بحارالانوار، ج ۷۳، ص ۷۲.

ص: ۵۹

خدا نوید نشوید که خدا همه گناهان را میبخشد.

بوی غیبت، زنا، شهادت دروغ و کبر تا آسمانها بالا میرود و فرشتگان را می‌آزارد. مولوی در این باره می‌سراید:

این نجاست بویش آید بیست گام آن نجاست بویش از ری تا به شام

بلکه بویش آسمانها بر رود بر دماغ حور و رضوان بر شود

هیچ عذابی بالاتر از این نیست که حور و فرشته و حتی مؤمنان، بر اثر گناهان انسان از او بگریزند. هنگامه قیامت، یَوْمَ تُبْلَى السَّرَائِرِ

است که در آن باطنها و طبیعت گناهان آشکار می‌شود. هر رذیله اخلاقی در آن روز با مصداقی مثالی رخ می‌نماید چنان که مولوی

می‌گوید:

ای دریده پوستین یوسفان گرگ بر خیزی از این خواب گران

این سخنهای چو مار و کژدمت مار و کژدم میشود گیرد دُمت

برخی از سالکان طریقت که از درون آدمیان آگاهند، هرگاه به گناهکاری نزدیک میشوند، بوی آزاردهنده گناهان او، آنان را

می‌آزارد. امام سجاد (ع) در مناجات‌های پانزده گانه (خمس‌عشر) خود به آدمی می‌آموزد که جامه گناه و پستی را از تنش برکند و

با آب توبه، جسم و جاننش را بشوید:

خداوندا! خطاها، جامه خواری بر تنم کرده و دوری از تو بر من پوشش بیچارگی افکنده است و جنایت بزرگ من، دلم را به

ص: ۶۰

مرگ کشانده است؛ پس به پذیرش توبه از طرف خود آن را زنده کن. ای آرمان و مطلوبم و ای خواسته و آرزویم! پس سوگند به عزت تو، برای گناهانم جز تو آمرزنده‌های نیافتنام، برای شکست خود چاره‌های غیر از تو ندیده‌ام و به تحقیق، من برای بازگشت به سوی تو فروتنی کرده‌ام. (۱)

## ۱۲. از میان رفتن شرم و حیا

یکی از پیامدهای زیان‌بار گناه، پاره شدن پرده‌های شرم و از میان رفتن حریم‌های اجتماعی است. پیامبر گرامی اسلام (ص) میفرماید: «برای مؤمن، هفتاد و دو پرده است که با هر گناهی، یکی از پرده‌هایش دریده میشود». (۲)

همچنین امام صادق (ع) میفرماید:

إِنَّ لِلَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عَلَى عَبْدِهِ الْمُؤْمِنِ أَرْبَعِينَ جُنَّةً فَمَتَى أَدْنَبَ ذَنْبًا كَبِيرًا رُفِعَ عَنْهُ جُنَّةٌ. (۳)

همانا برای خدای تبارک و تعالی بر بنده با ایمانش، چهل پرده است که هر گاه گناه بزرگی انجام دهد، یکی از آن پرده‌ها برداشته می‌شود.

۱- مفاتیح الجنان، دعای خمس عشر، مناجات التائبین.

۲- بحار الانوار، ج ۷۳، ص ۳۶۲.

۳- الاختصاص، شیخ مفید، ص ۲۲۰.

ص: ۶۱

انسان خواستار فضیلت و کمال، از گناهیانی که پرده‌های شرم و حیا را می‌برد و برانگیزنده شهوت‌ها و غریزه‌های نهفته حیوانی است، باید دوری کند و در تقویت فضایل اخلاقی بکوشد. سفارش معروف امام صادق (ع) به مفضل بن عمرو این نکته را نیز در بردارد:

انظُرْ يَا مُفَضَّلُ إِلَى مَا خُصَّ بِهِ الْإِنْسَانُ دُونَ جَمِيعِ الْحَيَوَانِ مِنْ هَذَا الْخُلُقِ الْجَلِيلِ قَدْرَهُ الْعَظِيمِ عَنَاوُهُ أَعْنَى الْحَيَاءِ فَلَوْلَا لَمْ يُقَرَّ ضَعِيفٌ وَ لَمْ يُؤَفَّ بِالْعِدَاتِ وَ لَمْ تُقْضَ الْحَوَائِجُ وَ لَمْ يُتَحَرَّ الْجَمِيلُ وَ لَمْ يُتَنَكَّبِ الْقَبِيحُ فِي شَيْءٍ مِنَ الْأَشْيَاءِ حَتَّىٰ إِنَّ كَثِيرًا مِنَ الْأُمُورِ الْمُفْتَرَضَةِ أَيْضًا إِنَّمَا يُفْعَلُ لِلْحَيَاءِ فَإِنَّ مِنَ النَّاسِ مَنْ لَوْلَا الْحَيَاءُ لَمْ يَرَعَ حَقَّ وَالِدِيهِ وَ لَمْ يَصِلْ ذَا رَجِمٍ وَ لَمْ يُؤَدِّ أَمَانَةً وَ لَمْ يَعِفَّ عَن فَاحِشَةٍ. (۱)

ای مفضل! دقت کن در صفتی که خداوند آن را به آدمیان اختصاص داد و حیوانات از آن بی‌بهره‌اند، آن خوی پراچ و بزرگ و آن خلق ارزنده و عظیم، شرم و حیاست که اگر این نعمت در وجود انسان نبود، مهمانی گرامی داشته نمی‌شد، به وعده وفا نمی‌شد و [انسان] از هیچ کار زشتی روی گردان نبود. حتی به بسیاری از واجبات نیز از روی شرم و حیا عمل می‌شود؛ زیرا اگر شرم و حیا نبود، برخی از مردم، حق پدر و مادر خود را ادا نمی‌کردند و به خویشاوندانشان رسیدگی نمی‌کردند، امانت مردم

ص: ۶۲

را نمیدادند و از هیچ کار زشتی روی گردان نبودند.

بسیاری از مردم، از روی شرم و آزرَم به گناه آلوده نمیشوند و بر اثر حیا، ترس از رسوایی و بیزار شدن دیگران از آنان، از گناه

دست می‌کشند. دست زدن به برخی از گناهان، موجب از میان رفتن پرده‌های حیا می‌شود. امام سجاد (ع) در این باره می‌فرماید:

الدُّنُوبُ الَّتِي تَهْتِكُ الْعِصَمَ شُرْبُ الْخَمْرِ وَاللَّعِبُ بِالْقِمَارِ وَتَعَاطَى مَا يُضْحِكُ النَّاسَ مِنَ اللَّغْوِ وَالْمِزَاحِ وَذِكْرُ عُيُوبِ النَّاسِ وَمُجَالَسَةُ أَهْلِ الرَّيْبِ. (۱)

گناهانی که پرده‌ها را میدرد، نوشیدن شراب، قماربازی، رد و بدل کردن سخنان لغو و شوخی برای خندان مردم، بیان عیوب مردم و هم‌نشینی، با انسان‌های بدنام است.

امام صادق (ع) نیز به نقل از رسول خدا (ص) می‌فرماید:

لَا يَزَالُ الْعَبْدُ فِي فُسْحَةٍ مِنَ اللَّهِ حَتَّى يَشْرَبَ الْخَمْرَ فَإِذَا شَرِبَهَا خَرَقَ اللَّهُ عَنْهُ شَرِّبًا لَهُ وَكَانَ وَلِيُّهُ وَأُخُوهُ ابْلِيسُ، سَمِعُهُ وَبَصَرُهُ وَيَدُهُ وَرِجْلُهُ يَسُوقُهُ إِلَى كُلِّ شَرٍّ وَيَصْرِفُهُ عَنْ كُلِّ خَيْرٍ. (۲)

بنده خدا تا شراب نخورده، پیوسته در کنف حمایت و آمرزش خداست. چون شراب خورد، پرده‌اش را میدرد و در آن حال،

۱- معانی الاخبار، ص ۲۷۰.

۲- وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۳۵۷.

ص: ۶۳

سرپرست و برادرش و همچنین گوش و چشم و دست و پایش همه شیطان است که او را به هر کار بدی میکشاند و از هر کار خیری باز میدارد.

### ۱۳. گناه و تیرگی قلب

گناه موجب تیرگی و سختی قلب انسان میشود و تکرار گناه، قبح و زشتی گناهان بزرگ را از میان می‌برد. امیرالمؤمنین علی (ع) می‌فرماید: «اشک، خشک نمیشود مگر به سبب سختی دل و دل، سخت نمی‌شود؛ مگر به سبب فراوانی گناه» (۱).

امام صادق (ع) نیز به نقل از پدر بزرگوارش می‌فرماید:

مَا مِنْ شَيْءٍ أَفْسَدَ لِلْقَلْبِ مِنْ خَطِيئَةٍ إِنَّ الْقَلْبَ لِيُؤَاقِعُ الْخَطِيئَةَ فَمَا تَزَالُ بِهِ حَتَّى تَغْلِبَ عَلَيْهِ فَيَصِيرَ أَسْفَلَ أَعْلَاهُ. (۲)

چیزی بیشتر از گناه، قلب را فاسد نمیکند. قلب، گناه میکند و بر آن پافشاری می‌ورزد و در نتیجه، سرنگون و وارونه میشود [و پند و نصیحت بر آن اثر نمیکند].

امام کاظم (ع) نیز در این باره می‌فرماید:

إِذَا أَذْنَبَ الرَّجُلُ خَرَجَ فِي قَلْبِهِ نُكْتَةٌ سَوْدَاءٌ فَإِنْ تَابَ انْمَحَتْ وَ إِنْ زَادَ زَادَتْ حَتَّى تَغْلِبَ عَلَى قَلْبِهِ فَلَا يُفْلِحُ بَعْدَهَا أَبَدًا. (۳)

۱- اصول کافی، ج ۱، ص ۲۷۱.

۲- همان، ج ۲، ص ۲۶۸.

۳- بحار الانوار، ج ۷۳، ص ۳۲۷.

ص: ۶۴

وقتی انسان گناه میکند، در قلب او نقطه‌های سیاه پدید می‌آید. اگر توبه کند، آن نقطه پاک می‌شود و اگر بر گناه خود بیفزاید، آن نقطه گسترده می‌شود؛ به گونه‌ای که همه قلب وی را فرا بگیرد و پس از آن هرگز رستگار نمی‌شود.

#### ۱۴. ارتکاب گناهان دیگر

هر گناهی انسان را به سوی دیگر گناهان سوق می‌دهد. خداوند علت کفر بنی اسرائیل و آلودگی دست‌هایشان را به کشتن پیامبران چنین بیان می‌کند: ذَلِكْ بِمَا عَصَوْا وَ كَانُوا يَعْتَدُونَ؛ «این بدان سبب بود که نافرمانی کردند و تجاوزکار بودند.» (بقره: ۶۱) همچنین درباره علت فرار رزمندگان اسلام در جنگ اُحُد می‌فرماید:

کسانی از شما که روز برخورد آن دو گروه [در اُحُد] پشت به جبهه کردند، جز این نبود که شیطان آنان را بر اثر بعضی از گناهی که مرتکب شده بودند، لغزانید. (۱)

علامه طباطبایی (رحمه الله) در تفسیر این آیه در المیزان می‌نویسد:

شیطان می‌خواست آنان را دچار لغزش کند و این را نخواست، مگر به سبب بعضی از انحراف‌هایی که در دل و در اعمال داشتند، چون گناهان هر کدامش آدمی را به سوی دیگری می‌کشاند، چون اساس گناه پیروی هوای نفس است و نفس



ص: ۶۵

وقتی هوای فلان گناه را می‌کند، هوای امثال آن را نیز می‌کند. (۱)

### ۱۵. سرمستی و بی‌خبری

لذت بردن و شادمان شدن از گناه، باعث بزرگ شدن گناه و سخت شدن کیفر آن می‌شود. آموزه‌های روایی برای از بین رفتن این ویژگی، پشیمانی زودهنگام پس از ارتکاب غافلانه گناه، نکات ارزشمندی را یادآور شده‌اند. پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید:

مَنْ أَذْنَبَ ذَنْبًا وَهُوَ ضَاحِكٌ دَخَلَ النَّارَ وَهُوَ بَاكٍ. (۲)

کسی که گناه کند و در آن حال خندان باشد، وارد آتش دوزخ می‌شود در حالی که گریان است.

امیر مؤمنان علی (ع) می‌فرماید:

مَنْ تَلَدَّ بِمَعَاصِي اللَّهِ أَوْرَثَهُ اللَّهُ ذُلًّا. (۳)

کسی که از گناه و نافرمانی خدا لذت ببرد، خداوند ذلت را به جای آن لذت به او می‌رساند.

امام سجاد (ع) نیز روایات تأمل‌برانگیزی در این باره فرموده‌اند: «

لَا خَيْرَ فِي لَذَّةٍ بَعْدَهَا النَّارُ

«(۴)؛ «در لذتی که بعد از آن، آتش است خیری نیست».

۱- المیزان، محمدحسین طباطبایی، ج ۴، ص ۷۷.

۲- وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۲۶۸.

۳- غررالحکم، ج ۱، ص ۴۴۶.

۴- بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۱۵۹.

ص: ۶۶

همچنین می‌فرماید: «

حَلَاوَةُ الْمَعْصِيَةِ يُفْسِدُهَا أَلِيمُ الْعُقُوبَةِ

«(۱)؛ «عذاب دردناک گناه، شیرینی آن را تباه می‌سازد».

حضرت در گفتار دیگری چنین توصیه می‌نماید:

زخم فطرت ؛ ؛ ص ۶۶

إِيَّاكَ وَالْإِيْتِهَاجَ بِالذَّنْبِ فَإِنَّ الْإِيْتِهَاجَ بِهِ أَعْظَمُ مِنْ رُكُوبِهِ.(۲)

از شاد شدن هنگام گناه بهره‌یز که [گناه] این شادی، بزرگ‌تر از انجام خود گناه است.

**۱۶. پی آمدهای دیگر گناه**

اصولاً رسیدن هر نکبت و بدبختی به انسان را در گناه باید جست؛ چنان‌که امام باقر (ع) فرمودند: «

مَا مِنْ نَكْبَةٍ تُصِيبُ الْعَبْدَ إِلَّا بِذَنْبٍ

«(۳)؛ «هیچ نکبتی به بنده نمی‌رسد، مگر به خاطر گناه».

افزون بر این، شاید کار آدمی حتی به الحاد و انکار بیانجامد؛ چنان‌که رسول اکرم (ص) فرمودند:

فَإِنَّ الْمَعَاصِيَ تَسْتَوْلِي الْخِذْلَانَ عَلَى صَاحِبِهَا حَتَّى تُوقِعَهُ فِي رَدِّ وَّلَايَةِ وَصِيِّ رَسُولِ اللَّهِ وَدَفْعِ نُبُوَّةِ نَبِيِّ اللَّهِ وَ لَا تَزَالُ أَيْضًا بِذَلِكَ

۱- همان.

۲- همان.

۳- اصول کافی، ج ۲، ص ۲۶۹.

ص: ۶۷

حَتَّى تُوَفِّعَهُ فِي دَفْعِ تَوْحِيدِ اللَّهِ وَ الْإِلْحَادِ فِي دِينِ اللَّهِ. (۱)

گناهان، گمراهی را بر گناه کار مسلط می‌نماید تا آنجا که گناه کار را به رد ولایت و امامت وصی رسول خدا و انکار نبوت پیامبر خدا (ص) وامی‌دارد و به همین منوال کار او به جایی می‌رسد که به گناه انکار یکتایی خدا و الحاد و کفر در دین خدا آلوده می‌گردد.

همچنین روزی آدمی بر اثر گناه کاری او قطع می‌شود؛ چنان‌که امام باقر (ع) در کلامی دیگر می‌فرماید: «

إِنَّ الرَّجُلَ لَيُذْنِبُ الذَّنْبَ فَيُدْرَأُ عَنْهُ الرِّزْقُ

» (۲)؛ «مردی گناهی را انجام می‌دهد و در نتیجه روزی از او دور می‌شود».

گناه کار از بلاهای شب‌گیر و ناگهانی نیز در امان نیست. امام علی (ع) در این باره هشدار می‌دهد: «آدم گناه کار نباید خود را از بلاهای شب‌گیر و حوادث ناگهانی ایمن بداند». (۳)

قطع باران، ویرانی خانه، حبس صد ساله در قیامت، خشم و لعن الهی، بلاهای بی‌سابقه، پشیمانی، زلزله، فقر عمومی، اندوه، بیماری و تسلط اشزار نیز از دیگر آثار شوم گناهان شمرده شده‌اند. (۴)

۱- بحار الانوار، ج ۷۳، ص ۳۶۰.

۲- اصول کافی، ج ۲، ص ۲۷۱.

۳- همان، ص ۲۶۹.

۴- همان، صص ۲۷۲-۲۷۵ و ۴۴۵ و ۴۴۶.

ص: ۶۸

## دو- آثار دوری از گناه

## اشاره

خودداری از گناه برکات فراوانی دارد که برخی از آنها عبارت‌اند از:

## ۱. هدایت

دوری از گناه باعث می‌شود که انسان در کسب هدایت توفیق‌مندتر باشد. چنان‌که خداوند می‌فرماید: «این کتاب که هیچ شکی در آن نیست، هدایتی است برای تقوایندگان» (۱).  
 یکی از نمونه‌های هدایت خداوندی که پرهیزکاران از آن برخوردارند، شناخت حق و باطل است؛ چنان‌که قرآن مجید می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اگر از خدا پروا کنید، برای شما وسیله تشخیص حق از باطل قرار می‌دهد» (۲).  
 پرهیزگاران به پشتوانه تقوا این توانایی را می‌یابند که جهان هستی را سرشار از نشانه‌های خداوند ببینند: «در رفت و آمد شب و روز و آنچه خداوند در آسمان‌ها و زمین آفریده، نشانه‌هایی برای گروه پرهیزکاران است» (۳).  
 همین بصیرت و هدایت است که متقین را از دام شیطان رهایی می‌بخشد: «همانا کسانی که تقوا دارند، هرگاه وسوسه‌ای از شیطان به

۱- بقره: ۲.

۲- انفال: ۲۹.

۳- یونس: ۶.

ص: ۶۹

آنان برسد، متذکر می‌شوند و یک‌باره بینا می‌گردند» (۱).

## ۲. کسب روزی

به دست آوردن رزق و روزی از دیگر پی‌آمدهای ترک گناهان است. قرآن مجید می‌فرماید:  
 هر کس از خدا پروا کند [خدا] برای او راهی جهت بیرون‌رفت [از تنگناها] قرار می‌دهد و از جایی که گمان نمی‌برد، به او عطا می‌کند. (۲)

و اگر اهل آن شهرها ایمان آورده و تقوا پیشه کرده بودند، برکاتی از آسمان و زمین بر آنان می‌گشودیم. (۳)

## ۳. آسانی جان دادن

از دیگر برکات تقوا و ترک گناه این است که مأموران مرگ، جان متقی را به آرامی می‌گیرند و او بدون سختی از دنیا می‌رود. خداوند در وصف متقیان می‌فرماید: «هم‌آنان که فرشتگان، جانشان را در حالی که خوب و شایسته‌اند می‌گیرند و [به آنان] می‌گویند: سلام بر شما» (۴).

۱- اعراف: ۲۰۱.

۲- طلاق: ۳ و ۲.

۳- اعراف: ۹۶.

۴- نحل: ۳۲.

ص: ۷۰

**۴. نجات از دوزخ**

پرهیزکاران به برکت خودداری از گناهان از جهنم رهایی می‌یابند:

و هیچ‌کس از شما نیست، مگر اینکه بر آن [جهنم] وارد می‌گردد، این بر پروردگارت حکمی قطعی است. پس کسانی که تقوا پیشه کرده‌اند، نجات می‌دهیم و ستمگران را به زانو درافتاده در آن رها می‌کنیم (۱).

مرحوم طبرسی در تفسیر این آیات می‌نویسد:

در بعضی اخبار روایت شده که خداوند اجازه ورود به بهشت را به احدی نمی‌دهد تا او را بر آتش جهنم و عذاب‌های آن آگاه سازد تا هنگامی که در بهشت قرار گرفت، به تفضّل و کمال لطف و احسان خداوند نسبت به خویش پی ببرد و بر سرور و خوشحالی او افزوده گردد. هیچ‌کس را نیز وارد جهنم نمی‌کند، مگر اینکه وی را بر بهشت و نعمت‌های آن مطلع کند تا وقتی که در دوزخ واقع شد حسرت و تأسفش در از دست دادن بهشت و نعمت‌های آن مضاعف شود. (۲)

**۵. نجات از عذاب دنیوی**

خداوند درباره قوم عاد و ثمود پس از عذاب شدن آنان به سبب

۱- مریم: ۷۱-۷۲.

۲- مجمع البیان، ج ۶، ص ۵۲۶.

ص: ۷۱

گناهانشان، چنین می‌فرماید: «و [از میان قوم عاد و ثمود] کسانی را که ایمان آورده و تقوا پیشه کرده بودند، نجات دادیم» (۱).

### ۶. رفتن به بهشت

خداوند متعال می‌فرماید:

و کسانی که از پروردگارشان پروا داشته‌اند، دسته دسته به سوی بهشت سوق داده می‌شوند، تا چون بدان رسند و قبلاً درهای آن [به

رویشان] گشوده شده است، نگهبانانش به آنان می‌گویند: سلام بر شما! شما پاک بودید، پس جاودانه به آن درآیید. (۲).

همچنین در آیه‌ای دیگر می‌فرماید:

بی‌تردید برای تقوای پیشگان بازگشت گاهی نیکو خواهد بود. باغ‌های جاودانه‌ای که درهای آنها برایشان گشوده شده است. در حالی

که در آنجا تکیه زده‌اند و میوه فراوان و نوشیدنی در آنجا می‌طلبند و در کنارشان دلبرانِ همسال و فروهشته نگاه خواهند بود. (۳).

۱- فصلت: ۱۸.

۲- زمر: ۷۳.

۳- ص: ۴۹-۵۲.





ص: ۷۳

## فصل دوم: راه‌های جلوگیری از گناه و روش‌های درمان آن

اشاره



**۱. باور به حضور خداوند**

باورمندی انسان به حضور خداوند در سراسر زندگی‌اش، در بازدارندگی او از گناهان بسیار تأثیر می‌گذارد. نیروهای بیرونی هیچ‌گاه توان ضبط و مهار گناهان پنهان را ندارند، اما ایمان و اعتقاد به حضور خداوند در نمان و آشکار، نگاه‌بان انسان است. آیات الهی نیز بر همین باور تأکید می‌کنند: **أَلَمْ يَعْلَم بِأَنَّ اللَّهَ يَرِي؛ «آیا انسان نمیداند که خداوند همه اعمالش را می‌بیند.» (علق: ۱۴)**

در آیه دیگری آمده است:

**يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُور (مؤمن: ۱۹)**

خداوند چشمهایی را که به خیانت گردش میکنند، می‌شناسد و به آنچه در سینهها پنهان است، آگاهی دارد.

در آیه دیگری آمده است: **إِنَّ رَبَّكَ لَبِالْمُرْصَادِ؛ «به یقین پروردگار تو در کمین‌گاه است.» (فجر: ۱۴)**

این آیات، به روشنی بر این دلالت می‌کنند که همه انسان‌ها در محضر پروردگار جهانند و هر کاری که انجام می‌دهند و هر اندیشه‌ای

ص: ۷۶

که از مغزشان می‌گذرد، از علم الهی بیرون نیست.

روایتهای معصومان (علیهم السلام) نیز آدمی را به استوار ساختن این باور فرامی‌خوانند؛ چنان‌که در «دعای یستشیر» از پیامبر گرامی اسلام (ص) آمده است:»

أَسْمَعَ السَّامِعِينَ وَ أَبْصَرَ النَّاطِرِينَ

«خداوندی که شنواترین شنواها و بیناترین بینندگان است.»

حضرت امیر مؤمنان علی (ع) نیز در این باره به پیروانش می‌فرماید:

إِتَّقُوا مَعْاصِيَ اللَّهِ فِي الْخَلَوَاتِ فَإِنَّ الشَّاهِدَ هُوَ الْحَاكِمُ. (۱)

از معصیت خدا در پنهان و خلوتگاهها بپرهیزید؛ زیرا شاهد، همان دادرس است.

ایشان در روایتی دیگر به پیروان خود می‌فرماید:»

وَلَا تَهْتَكُوا أَسْرَارَكُمْ عِنْدَ مَنْ يَعْلَمُ أَسْرَارَكُمْ

«(۲)؛ «پرده خویش را نزد خداوندی که از اسرارتان آگاه است، ندرید.»

بر پایه روایتی، کسی نزد امام حسین (ع) رفت و عرض کرد: ای فرزند رسول خدا! من شخصی گنه‌کارم و نمی‌توانم گناهم را ترک کنم، مرا موعظه کن.

امام حسین (ع) به او فرمود: پنج کار را انجام بده و آن‌گاه هر چه می‌خواهی گناه کن:

۱. روزی خدا را مخور و آنچه می‌خواهی گناه کن؛

۱- نهج البلاغه، حکمت ۳۲.

۲- همان، خطبه ۲۰۳.

ص: ۷۷

۲. از دایره حکومت الهی خارج شو و آنچه می‌خواهی گناه کن؛

۳. جایی را انتخاب کن تا خداوند تو را نبیند و هر چه می‌خواهی گناه کن؛

۴. وقتی عزرائیل برای گرفتن جان تو نزد تو آمد، او را از خود بران و هر چه می‌خواهی گناه کن؛

۵. زمانی که مالک دوزخ تو را به سوی آتش برد، تو به سوی آتش مرو و آنچه می‌خواهی گناه کن. (۱)

ماجرای ابن سیرین، گویای باور به حضور خداوند و در این باره آموزنده است. محمد، فرزند سیرین بصری، در تعبیر خواب و تطبیق دادن خواب‌ها با حقایق، توانا بود و در این کار از لطایف قرآن و روایت‌ها بهره می‌برد. او درباره سرگذشت خود چنین می‌گوید:

در بازار به بزازی می‌پرداختم، روزی زنی زیبا برای خرید [چیزی] به مغازه‌ام آمد و من نمیدانستم که به دلیل جوانی و زیباییام، عاشق من است. مقداری پارچه از من خرید و آن را در میان بغچه پیچید و ناگهان گفت: ای مرد بزاز! فراموش کرده‌ام پول همراه خود بیاورم. کمک کن و این بغچه را تا در خانه‌ام بیاور و آنجا پولش را دریافت کن. من ناگزیر تا در خانه او رفتم و او مرا به درون خانه‌اش برد. هنگامی که به آنجا رفتم، او در را بست و

---

۱- گناه‌شناسی، ص ۲۵۸ به نقل از منهاج الشهاده، ص ۳۱۱.

ص: ۷۸

پوشش چهره زیبایش را برداشت و گفت: مدتی است که شیفته جمال تو شده‌ام و راه رسیدن را به وصالت این دیدم. اکنون، در این خانه، تنها من و تو هستیم. باید کام مرا برآوری، وگرنه تو را رسوا می‌کنم.

گفتم: ای زن! از خدا بترس، دامن به زنا آلوده مکن؛ زنا از گناهان بزرگ و موجب افتادن به آتش دوزخ است. نصیحت و موعظه‌ام در او تأثیر نگذارد، اما ناگاه فکری به ذهنم رسید. از وی خواستم که به من برای رفتن به دستشویی اجازه بدهد. زن به گمان اینکه به قصد قضای حاجت بدان جا می‌روم، مرا آزاد گذاشت. من به دستشویی رفتم و برای حفظ ایمان و آخرت و کرامت انسانیم، سراپای خود را به نجاست آلودم. چون زن مرا با آن وضع دید، در منزل را گشود و مرا بیرون کرد. خود را به آب رساندم، بدن و لباسم را شستم و خداوند به پاداش اینکه برای حفظ دینم، خود را به بوی بد آلودم، بویی همچون بوی عطر و دانش تعبیر خواب را به من بخشید. (۱)

## ۲. دوستی و یاد خدا

ذکر؛ یعنی به زبان آوردن نام‌های الهی و اندیشیدن در مفهوم آن و آراستن باطن خویش به نور آن، به «زبانی» و «قلبی» تقسیم می‌شود. ذکر

ص: ۷۹

قلبی (ذکر حق در باطن) به این معنا است که انسان همیشه و در همه حال به یاد پروردگارش باشد و لحظهای از یاد حضرت دوست غافل نشود. اگر انسان تنها به زبان ذکر بگوید، اما در باطن خود از خدا غافل باشد و پروردگار را ناظر و حاضر نبیند، از چنین ذکری سودی نمیرد. خداوند از بندگان صالحش می‌خواهد که پیوسته به یاد او باشند:

وَأَذْكُرُ رَبِّكَ فِي نَفْسِكَ تَضَرُّعًا وَخِيفَةً وَدُونَ الْجَهْرِ مِنَ الْقَوْلِ بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ وَلَا تَكُنْ مِنَ الْغَافِلِينَ (اعراف: ۲۰۵)

پروردگارت را در دل خود، از روی تضرع و خوف، آهسته و آرام صبحگاهان و شامگاهان یاد کن و از غافلان مباش.

سخن ارزشمند امام صادق (ع) نیز در این باره خواندنی است:

مَنْ كَانَ ذَاكِرًا لِلَّهِ عَلَى الْحَقِيقَةِ فَهُوَ مُطِيعٌ وَمَنْ كَانَ غَافِلًا عَنْهُ فَهُوَ عَاصٍ (۱)

کسی که به حقیقت، به یاد خدا باشد، بندهای فرمانبر و انسان غافل از خدا، بندهای گناه کار است.

امام محمد باقر (ع) می‌فرماید: «یاد خدا آن است که انسان، هنگام نزدیک شدن به گناه، خدا را یاد کند و همین امر او را از گناه

بازدارد» (۲).

۱- بحارالانوار، ج ۹۳، ص ۱۵۸.

۲- میزان الحکمه، ج ۳، ص ۴۲۵.

ص: ۸۰

خداوند نیز آدمیان را برای ایستادگی در برابر وسوسه‌های شیطانی به یاد خودش سفارش می‌کند:

إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ تَدَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ (اعراف: ۲۰۱)

پرهیزگاران هنگامی که گرفتار وسوسه‌های شیطان شوند به یاد خدا می‌افتند و بینا می‌گردند.

اگر گرد غفلت و بیخبری بر چهره آدمی ننشیند و هدف خلقتش را از یاد نبرد و همواره به پروردگارش روی کند، به آسانی در دام گناه گرفتار نمیشود و همین شرم از حضور خدا، برای پرهیز از گناهان بس است. اگر انسان عاشق خدا باشد و همچون عارفان، او را در بند بند وجود خود بیابد، چیزی جانشین مهر و دوستی او با معشوقش نمی‌شود. امام علی (ع) در دعای کمیل از خداوند می‌خواهد: «...»

وَقَلْبِي بِحُبِّكَ مُتِّمًا

«و قلبم را از محبت لبریز کن.»

اگر قلب آدمی متوجه الله باشد، تنها به دنبال چیزهایی می‌رود که وی را به سوی خدا رهنمون می‌سازند. مرحوم میرزا جواد آقا ملکی تبریزی، از عارفان بزرگ می‌فرمودند: «اگر قلبم را بشکافند، جز محبت خداوند چیزی در آن نمی‌بندد.»

گر بشکافند سراپای من جز تو نیابند در اعضای من

یاد خدا، کلید خوببهاست. خداوند از انسان دور نیست، اما



ص: ۸۱

کسانی که پیوسته در یاد اویند، حضور او را بیشتر و او را نزدیکتر می‌یابند. حضرت موسی (ع) در نیایشی به خداوند چنین عرض می‌کرد:

يَا رَبِّ أَقْرَبُ أَنْتَ مِنِّي فَأَنَاجِيكَ أَمْ بَعِيدٌ فَأَنَادِيكَ.

ای پروردگار من! آیا تو نزدیکی که با تو نجوا کنم یا دوری که صدایت بزنم.

خداوند فرمود: «

أَنَا جَلِيسٌ مِّنْ ذَكَرَنِي

«؛ من همنشین کسی هستم که به یاد من باشد.»

پس موسی (ع) گفت:

فَمَنْ فِي سِتْرِكَ يَوْمَ لَا سِتْرَ إِلَّا سِتْرُكَ؟

[خدایا!] در روزی که پوششی جز پرده تو نیست، چه کسی در پوشش [امان] تو خواهد بود؟

خداوند فرمود:

الَّذِينَ يَذْكُرُونَنِي فَأَذْكُرُهُمْ وَيَتَحَابُّونَ فِيَّ فَأَجِبُهُمْ فَأُولَئِكَ الَّذِينَ إِذَا أَرَدْتُ أَنْ أَصِيبَ أَهْلَ الْأَرْضِ بِسُوءٍ ذَكَرْتُهُمْ فَدَفَعْتُ عَنْهُمْ بِهِمْ.

(۱)

کسانی که مرا یاد میکنند یادشان میکنم و کسانی که یکدیگر را به خاطر من دوست میدارند، دوستشان میدارم. اینان کسانی‌اند که وقتی اراده کنم که به ساکنان زمین بدی برسانم، آنها را یاد می‌کنم و به سبب آبرویی که نزد من دارند،

ص: ۸۲

شر و بدی را از اهل زمین دور می‌سازم.

انسانها با فراموشی خداوند، به گناه و نافرمانی آلوده میشوند، اما با یاد خدا، از شیطان فریب نمی‌خورند. پی آمد این توجه و ترس شایسته، رسیدن به آگاهی و چیره شدن بر نفس اماره و شیطان است.

محبت انسان به خداوند، او را از بدیها و گناهان ریز و درشت باز می‌دارد و از همین روی امام سجاد (ع) می‌فرماید:

الهی فَاجْعَلْنَا مِنَ الَّذِينَ تَرَسَّخَتْ اشْجَارُ الشُّوقِ إِلَيْكَ فِي حَدَائِقِ صُدُورِهِمْ وَأَخَذَتْ لَوْعَةً مَحَبَّتِكَ بِمَجَامِعِ قُلُوبِهِمْ.

خدایا! ما را به کسانی بدل ساز که درختان محبت و اشتیاق به تو در سینه‌های آنان ریشه کرده و شراره‌های دوستی تو سراسر قلبهای آنان را فرا گرفته است.

آن حضرت در ادامه می‌فرماید:

الهی مَا أَلَذَّ خَوَاطِرَ الْإِلْهَامِ بِذِكْرِكَ عَلَى الْقُلُوبِ وَ مَا أَحْلَى الْمَسِيرَ إِلَيْكَ بِالْأَوْهَامِ فِي مَسَالِكِ الْغُيُوبِ وَ مَا أَطْيَبَ طَعْمَ حُبِّكَ وَ مَا أَعَذَبَ شَرِبَ قُرْبِكَ. (۱)

خدایا! چه چیز لذتبخشتر از یادآوری‌هایی است که ذکر و یاد تو بر قلبها مینشانند و چه چیز شیرین‌تر از رهروی به سوی تو در راههای ناشناخته است و چه چیز دلپذیرتر از طعم دوستی و

ص: ۸۳

چه چیز گواراتر از شراب قرب و جوار توست.

بنده تا زمانی که به غیر خدا توجه دارد؛ یعنی قلب او به چیز دیگری متوجه است، به همان اندازه دوستی و یاد خدا از قلبش بیرون می‌رود و محبتش به خداوند کم می‌شود.

امام صادق (ع) درباره تأثیر یاد خدا در اعمال آدمی می‌فرماید:

منظور از یاد خدا، هنگامی است که وقتی با حلال و حرام روبه‌رو می‌شود، اگر طاعت الهی باشد، آن را انجام می‌دهد و اگر معصیت باشد آن را ترک می‌کند. (۱)

آدمی اگر خدا را بزرگ و ناظر ببیند هیچ‌گاه مرتکب گناهان کوچک نیز نمی‌شود و از ناظر حقیقی شرمنده و بی‌تاب می‌گردد.

### ۳. خدا ترسی

ترس از خدا و هراس از پیامدهای گناه، آدمی را از ارتکاب گناهان باز میدارد. چنان‌که امام صادق (ع) می‌فرماید:

کسی که بداند خدا او را می‌بیند و گفتار او را می‌شنود و از کار نیک و بد او آگاه است، همین دانستن، وی را از کارهای زشت باز میدارد و چنین فردی، کسی است که از مقام پروردگارش

ص: ۸۴

ترسیده و نفس خود را از هوس گناه بازداشته است. (۱)

همچنین در گفتار دیگری می‌فرماید: «چنان از خدا بترس که گویا خدا را میبینی و اگر تو او را نمیبینی، او تو او را میبیند». (۲)  
اگر آدمی به راستی بر این باور باشد که خدا او را هنگام گناه کردن دیده است، چگونه میتواند این شرمساری را از خود دور سازد.  
گیرم که تو از سر گناه در گذری زان شرم که دیدی که چه کردم چه کنم  
سخن دیگر آن حضرت نیز در این باره، بسیار تکان‌دهنده است: »

العَجَبُ مِمَّنْ يَخَافُ الْعِقَابَ فَلَمْ يَكُفْ

« (۳)؛ «شگفتا! از کسی که از عذاب الهی میترسد، ولی از گناه خودداری نمی‌کند!»

برای خدا ترسی، آدمی در آیات قرآنی باید تدبّر کند. درون‌مایه این آیات، هشدار و تحذیر است: سَيَنْفُرُ لَكُمْ أَيُّهَ الثَّقَلَانِ؛ « [ای گروه انس و جن] به زودی به حساب کار شما خواهیم پرداخت. » (الرحمن: ۳۱)  
و یا در آیهای دیگر آمده:

اعْمَلُوا مَا شِئْتُمْ إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (فصلت: ۴۰)

امروز به اختیار خود هر چه می‌خواهید انجام دهید که خدا به همه اعمال شما آگاه است.  
این روایت‌ها نیز چنین درون‌مایه‌ای دارند:

۱- اصول کافی، ج ۲، ص ۷۰.

۲- همان، ص ۶۷.

۳- بحار الانوار، ج ۷۷، ص ۲۳۷.

ص: ۸۵

هرگاه حضرت ابراهیم (ع) به یاد ایام گذشته خویش میافتاد، دگرگون میگشت و ضربان قلبش از مسافتی دور شنیده میشد. روزی جبرئیل به سوی وی آمد و به او فرمود: خداوند به تو سلام میرساند و میگوید: آیا تا به حال دیدهای دوستی از دوست خود بترسد؟ پس ابراهیم (ع) به جبرئیل گفت: وقتی اشتباه خود را به یاد میآورم، دوستی خود را از یاد میبرم. (۱)

همچنین آمده است: «چون حضرت ابراهیم خلیل به نماز می ایستاد، صدای تپش قلب او از دور شنیده میشد، زیرا خدا ترس بود». (۲)

شیوه معصومان و پرورش یافتگان آنان در گریهها و خداترسی شان نیز اندیشیدنی و درنگ کردنی است.

مردی از انصار میگوید: یک روز بسیار گرم، همراه پیامبر (ص) در سایه درختی نشسته بودم، مردی آمد و پیراهنش را درآورد و به غلتیدن روی ریگهای داغ پرداخت. گاهی پشت و گاهی شکم و گاهی صورتش را بر آن ریگها میگذاشت و میگفت: ای نفس حرارت این ریگها را بچش که عذاب خداوند از آنچه من به تو می چشانم، بزرگتر است.

رسول خدا (ص) این منظره را تماشا کرد. وقتی کار آن جوان تمام شد و لباس پوشید و قصد رفتن کرد، با دست به وی اشاره کرد و از او خواست تا نزد حضرت بیاید. وقتی جوان نزد حضرت آمد، پیامبر (ص) به او

---

۱- محجة البیضاء، ج ۷، ص ۳۰۹.

۲- بحار الانوار، ج ۸۴، ص ۲۵۸.

ص: ۸۶

فرمود: «ای بنده خدا! کاری از تو دیدم که تا کنون از کسی ندیده‌ام، دلیل این کار چیست؟» جوان گفت: «ترس از خدا. من با نفس خود این کار را میکنم تا از طغیان و شهوت حرام در امان بماند».

آن‌گاه پیامبر اکرم (ص) فرمود: «از خدا ترسانی و حق ترس را رعایت کرده‌ای. خداوند به وجود تو، به اهل آسمانها مباحثات می‌کند». پس به اصحابش فرمود: «ای حاضرین! نزد این دوستان بیاید تا برای شما دعا کند». همه نزد جوان آمدند و او چنین دعا کرد:

اللَّهُمَّ اجْمَعْ أَمْرَنَا عَلَى الْهُدَى وَ اجْعَلِ التَّقْوَى زَادَنَا وَ الْجَنَّةَ مَأْبَا. (۱)

خداوند! برنامه زندگی ما را بر هدایت متمرکز کن! تقوا را توشه ما و بهشت را بازگشت گاه ما قرار ده.

#### ۴. معادباوری

ایمان به معاد و راستی کیفر و پاداش اعمال و باور به اینکه هیچ یک از نیکیها و بدیهای انسان نابود نمی‌شود و هر کسی با رفتارهایش برانگیخته می‌شود و همه آنها را روز قیامت حاضر می‌بیند، آدمی را از گناه باز می‌دارد؛ چنان‌که خداوند متعال میفرماید:

يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُحْضَرًا وَمَا عَمِلَتْ مِنْ سُوءٍ تَوَدُّ لَوْ أَنَّ

ص: ۸۷

بَيْنَهَا وَبَيْنَهُ أَمَدًا بَعِيدًا (آل عمران: ۳۰)

روز قیامت، روزی است که هر کس آنچه را از کار نیک انجام داده، حاضر میسند و آرزو میکند میان او و آنچه از اعمال بد انجام داده، فاصله زمانی زیادی باشد.

کسی که به معاد ایمان دارد و میداند که به همه اعمال ریز و درشت او در روز حساب رسیدگی می‌کنند، مراقب رفتار و کردار خود خواهد بود. خداوند متعال میفرماید:

وَ اتَّقُوا يَوْمًا لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا شَفَاعَةٌ وَلَا يُؤْخَذُ مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ (بقره: ۴۸)

پرهیز از روزی که هیچ کس به جای دیگری جزا داده نمیشود و نه شفاعت و نه غرامت و بدلی از او پذیرفته میشود و نه کسی به یاری او میآید.

امام علی (ع) نیز بر یادآوری رستاخیز تأکید می‌فرماید:

وَلَنْ تَحْكُمَ ذَلِكَ مِنْ نَفْسِكَ حَتَّى تُكْثِرَ هُمُومَكَ بِذِكْرِ الْمَعَادِ إِلَى رَبِّكَ. (۱)

هرگز بر خویشتن حاکم نخواهی بود؛ جز اینکه فراوان به یاد قیامت و بازگشت به سوی پروردگار باشی.

بنابراین، ایمان به معاد و دریافت کیفر و پاداش اعمال در پرورش

ص: ۸۸

روح انسان بسیار تأثیر می‌گذارد. روزی که راه برگشت و فراری در آن نیست، روزی که همه اعمال در کارنامه اعمال ثبت است. اگر آدمی در این عقیده راسخ باشد یا حتی به آن ظن و گمان داشته باشد، تربیت‌پذیر خواهد شد. حضرت امیر (ع) برای پیشگیری از گناه کاری آدمیان با تکیه بر معادباوری می‌فرماید:

وَ اتَّقُوا نَاراً حَرَّهَا شَدِيدٌ وَ قَعْرُهَا بَعِيدٌ وَ حَلِيَّتُهَا حَدِيدٌ وَ شَرَابُهَا صَدِيدٌ. (۱)

پرهیزید از آتشی که حرارتش شدید و ژرفای آن زیاد و زیور آن غل و زنجیر آهنین و نوشیدنی آن، آب جوشان می‌باشد. بر پایه روایتی، روزی سلمان از بازار آهنگران می‌گذشت که چشمش به جوانی افتاد. وی نعرهای کشید و بیهوش شد. مردم بر او گرد آمدند و به سلمان گفتند: شاید این جوان دچار حمله مغزی شده باشد. شما بیا و در گوش او دعایی بخوان! شاید سلامت خود را بازیابد. سلمان نزد جوان رفت و وی به هوش آمد و سلمان را شناخت و به او گفت: چنین که مردم می‌گویند، بیمار نیستم، بلکه هنگام گذشتن از بازار آهنگرها دیدم که آنان میله‌های سرخ شده را با پتک می‌کوبند و این آیه قرآن را در یاد آوردم: وَ لَهُمْ مَقَامِعٌ مِنْ حَدِيدٍ؛ «برای مأموران دوزخ گرزهایی از آهن است.» (حج: ۲۱)



ص: ۸۹

آن‌گاه از ترس عذاب الهی عقل از سرم پرید و بی‌هوش شدم. سلمان، پس از شنیدن سخنان جوان به او علاقه‌مند شد و پیوند دوستی با وی بست و همواره از او یاد میکرد تا اینکه چند روزی وی را ندید. حالش را پرسید و دریافت که بیمار و بستری است؛ پس به دیدارش رفت و هنگامی به بالین جوان رسید که او جان می‌داد. از وی دلجویی کرد و به عزرائیل گفت: »

يَا مَلَكَ الْمَوْتِ ارْفُقْ بِأَخِي

«ای فرشته مرگ! با برادر ایمانم مدارا کن.»

عزرائیل گفت: »

إِنِّي بِكُلِّ مُؤْمِنٍ رَفِيقٌ

«(۱)؛ «من به همه مؤمنان مهربانم.»

### ۵. ایمان به عرضه اعمال به پیشوایان دین

یکی از باورهای شیعیان، عرضه اعمال به پیشوایان دین است. اگر آدمی بداند که اعمالش به امامش عرضه میشود، به چگونگی رفتارهای خود بیشتر توجه میکند و میکوشد که با ترک گناهان، آنان را خشنود سازد.

خداوند کریم در قرآن مجید در این باره فرموده است:

وَقُلْ اَعْمَلُوا فَاَسْبِرْ لِي اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ وَسَتُرَدُّونَ اِلَىٰ عَالَمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ (توبه: ۱۰۵)

ص: ۹۰

بگو عمل کنید! خداوند و فرستاده او و مؤمنان، اعمال شما را می‌بینند و به‌زودی به سوی کسی باز می‌گردید که پنهان و آشکار را میداند و شما را به آنچه عمل میکردید، خبر میدهد.

امام صادق (ع) می‌فرماید: «مؤمنان [در این آیه]، امانند».<sup>(۱)</sup>

روایتهای نیز به این موضوع پرداخته‌اند که اعمال نیک و بد انسان هر عصر پنج‌شنبه به پیامبر اکرم (ص) یا به پیشوایان دین عرضه می‌شود.

امام صادق (ع) در روایتی می‌فرماید:

إِنَّ أَعْمَالَ أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ (ص) تُعْرَضُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ كُلَّ خَمِيسٍ فَلَيْسَتْحَى أَحَدُكُمْ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ أَنْ يَعْزِضَ عَلَيْهِ الْقَبِيحَ.<sup>(۲)</sup>

کردار امت محمد (ص) هر پنج‌شنبه به او عرضه می‌گردد، پس هر یک از شما باید از پیامبر خدا (ص) حیا کند که مبادا کارهای زشت خویش را به او عرضه بدارد.

عبدالله بن ابان که نزد امام رضا (ع) جایگاهی داشت، به امام (ع) عرض کرد: برای من و خانواده‌ام به درگاه خدا دعا کنید. امام فرمود: مگر من دعا نمیکنم؟ به خدا سوگند که اعمال شما در هر شب و روز به من عرضه میشود.

عبدالله می‌گوید: آن حضرت دانست که من این سخن را بزرگ و باور نکردنی شمردم. از این رو، فرمود: مگر [در] کتاب نخوانده‌ای:

۱- کافی، ج ۱، ص ۳۱۸.

۲- بحارالانوار، ج ۱۷، ص ۱۵۰.

ص: ۹۱

وَقُلِ اعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ (توبه: ۱۰۵) به خدا سوگند که مقصود از مؤمن، علی بن ابی طالب (ع) است. (۱)

امام کاظم (ع) نیز در پاسخ به پرسشی در این باره فرمودند:

علم به سه صورت به ما میرسد: یکی اخبار گذشته که پیامبر (ص) برای ما تفسیر و تبیین کرده، دیگر اخبار آینده که در مصحفی نزد ما نوشته شده و سوم اخبار پدیدار شونده و فعلی که از راه الهام در دل و تأثیر در گوش به ما می‌رسد [که هر روز به ویژه شبهای جمعه و قدر حاصل می‌آید] و آن بهترین دانش ماست؛ [زیرا از اسرار امامت به شمار می‌رود] و پیامبری بعد از پیامبر ما نیست. (۲)

روایتی نیز البته از طریق اهل سنت رسیده که حتی عرضه اعمال را بر پیامبران و پدران و مادران در روز جمعه یادآور شده است: تُعْرَضُ [الأعمال] عَلَى الْأَنْبِيَاءِ وَالْآبَاءِ وَالْأُمَّهَاتِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ فَيَفْرَحُونَ بِحَسَنَاتِهِمْ وَتَزْدَادُ وُجُوهُهُمْ بَيَاضاً وَإِشْرَاقاً فَاتَّقُوا اللَّهَ وَلَا تُؤْذُوا مَوْتَاكُمْ. (۳)

اعمال بر پیامبران، پدران و مادران در روز جمعه عرضه میشود و به خاطر اعمال پسندیده [شما] آنان خوشحال میشوند و بر

۱- کافی، ج ۱، ص ۳۱۹.

۲- همان، ص ۳۹۳.

۳- کنز العمال، ج ۱۶، ص ۴۶۹.

ص: ۹۲

سفیدی و درخشندگی چهره‌هایشان افزوده میشود. پس از خدا پروا کنید و مردگان خود را [با گناهانتان] نیازارید. بی‌گمان، در عصر غیبت اعمال انسان به حضرت مهدی [عرضه میشود و از این رو، وی باید مراقب کردار و رفتارش باشد و در اصلاح و به‌سازی نفس خود بکوشد.

### ۶. توجه به کرامت انسان

آدمی «خلیفه الله» و مسجود ملائک خوانده شده و خداوند همه چیز را برای او آفریده و برای او مسخر کرده است:

وَسَخَّرَ لَكُم مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا (جاثیه: ۱۳)

خداوند، آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است، همه را از سوی خویش مسخر شما ساخته است.

و یا در آیهای دیگر میفرماید:

وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبُرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا (اسراء: ۷۰)

و هر آینه، فرزندان آدم را گرامی داشتیم و در خشکی و دریا [بر مرکبها و کشتی] بر نشانیدیم و از چیزهای پاکیزه روزیشان دادیم و آنان را بر بسیاری از آفریدگان برتری کامل بخشیدیم.

اگر آدمی شخصیت والای خود را پاس بدارد، هیچ‌گاه گرد گناه نمیگردد و خود را خوار نمی‌سازد. امیرمؤمنان علی (ع) می‌فرماید:

»

مَنْ

ص: ۹۳

كَرَمَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ لَمْ يُهِنُّهَا بِالْمَعْصِيَةِ

«کسی که نفس خویش را گرامی می‌دارد، آن را با گناه خوار نمی‌سازد».

همچنین می‌فرماید:

الْعَارِفُ مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَاعْتَقَهَا وَ نَزَّهَهَا عَنْ كُلِّ مَا يُعِدُّهَا وَيُوقِعُهَا. (۱)

عارف کسی است که روح خود را بشناسد و آن را آزاد کند و آن را از هر چیزی که موجب دوری از [کمال] و مایه هلاک می‌گردد، پاک سازد.

بنابراین، شخصیت‌شناسی و توجه داشتن به کرامت انسان از عوامل بازدارنده گناهان است. اگر آدمی خود را بشناسد و از جایگاه ممتازش آگاه شود، به این سفارش حضرت امیر (ع) عمل می‌کند:

إِنَّهُ لَيْسَ لَأَنْفُسِكُمْ ثَمَنٌ إِلَّا الْجَنَّةُ فَلَا تَبِيعُوهَا إِلَّا بِهَا. (۲)

و بدانید که جان شما هیچ بهایی، جز بهشت ندارد پس به کمتر از آن نفروشید.

## ۷. خردورزی

خردورزی از ویژگی ملکوتی انسان است. روح الهی دمیده در کالبد زمینی، با هدایت عقل به کمال میرسد، اما اگر آدمی به

۱- غرر الحکم و درر الکلم، ص ۲۳۹.

۲- نهج البلاغه، حکمت ۴۵۶.

ص: ۹۴

خواسته‌های حیوانی تن دهد، به سقوط و تباهی کشیده میشود. امام علی (ع) میفرماید: «  
اِذَا كَمَلَ الْعَقْلُ نَقَصَتِ الشَّهْوَةُ

«(۱)؛ «هرگاه عقل به کمال برسد، هوسها کم می‌شود.»

خردمندان از گناه دوری میکنند و خود را به زشتی‌ها نمی‌آلایند. از این رو، میتوان چنین ادعا کرد که بیشتر مجرمان و گناهکاران،  
نابخردان و ناآگاهانند؛ چنان‌که امام خردمندان میفرماید: «

عَرِيْزَةُ الْعَقْلِ تَأْبِي دَمِيْمَ الْفِعْلِ

«(۲)؛ «نیروی سرشار عقل، آدمی را از زشت کاری بازمی‌دارد.»

ایشان در سخنی دیگر میفرماید: «

مَنْ قَدَّمَ عَقْلَهُ عَلٰى هَوَاهُ حَسَنَتْ مَسَاعِيْهِ

«(۳)؛ «کسی که عقلش را بر هوای نفسش مقدم دارد، کارهایش نیکو میگردد.»

جان انسان با نیروی خرد و چراغ پر نور آن، در سیاهی سایه گناه فرو نمی‌رود و گرد هوا نمیگردد؛ چنان‌که امیر پرهیزگاران  
می‌فرماید: «

الْعَاقِلُ مَنْ قَمَعَ هَوَاهُ بِعَقْلِهِ

«(۴)؛ «خردمند کسی است که با عقل خود، هوای سرکش را سرکوب سازد.»

آیندهنگری از نشانه‌های خرد است که آدمی را از افتادن در گرداب تباهی نگاه می‌دارد. انسانهای خردمند پس از سنجیدن کارها،  
به آن

۱- غرر الحکم و درر الکلم، ص ۵۲.

۲- همان، ص ۵۳.

۳- همان.

۴- همان، ص ۵۴.

ص: ۹۵

دست می‌زنند. امام علی (ع) میفرماید: «

اعْقَلُ النَّاسِ انظُرْهُمْ فِي الْعَوَاقِبِ

«(۱)؛ «داناترین مردم کسی است که بیش از همه به فرجام کار بنگرد».

حضرت آدم در سفارش به وصی خود، حضرت شیث چنین فرمود:

اِذَا عَزَمْتُمْ عَلٰی اَمْرٍ فَانظُرُوْا اِلٰی عَوَاقِبِهٖ فَاِنِّيْ لَو نَظَرْتُ فِيْ عَاقِبِهٖ اَمْرِيْ لَمْ يُصِْبْنِيْ مَا اَصَابَنِيْ. (۲)

هرگاه تصمیم به انجام کاری گرفتید، پایان آن را بنگرید؛ زیرا اگر من به سرانجام کارم [خوردن از درخت ممنوعه] اندیشیده بودم، به سرم نمی‌آمد، آنچه آمد.

امیر خردمندان علی (ع) نیز گفتار ارزشمندی در این باره دارد:

اِنَّمَا الْعَقْلُ التَّجَنُّبُ مِنَ الْاِثْمِ وَالنَّظَرُ فِي الْعَوَاقِبِ وَالْاِخْتِصَانُ بِالْحَزْمِ. (۳)

خردمندی، همان دوری از گناه، نگریستن در فرجام کارها و سنجیده راه رفتن است.

بنابراین، بسیاری از لغزشها، پی‌آمد شتابزدگی، مهار نکردن احساسات و نیندیشیدن درباره سرانجام کارهاست. پس با کمی تأمل و اندیشه درباره آثار و فرجام کار، راه درست را می‌توان برگزید؛

۱- غرر الحکم و درر الکلم، ص ۵۲.

۲- بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۴۵۳.

۳- غرر الحکم و درر الکلم، ص ۵۱.

ص: ۹۶

چنان که حضرت علی (ع) می‌فرماید: «اگر در سرانجام کاری بیندیشی، پایان نیکویی [برای آن تحقق] خواهد یافت». (۱)

## ۸. حیا و شرم

حیا، زیباترین و امنترین جامه اخلاقی است که خداوند بنده‌اش را با آن آراسته است. همه زیباییها و کمالها و خوبیها از حیا سرچشمه می‌گیرند. حضرت علی (ع) می‌فرماید: «

الْحَيَاءُ تَمَامُ الْكَرَمِ وَ أَحْسَنُ الشُّبُهَاتِ

«(۲)؛ حیا، همه خوبیها و نیکوترین رفتارهاست».

هیچ لباسی، از جامه حیا زیباتر نیست؛ چنان که امام علی (ع) می‌فرماید: «

أَحْسَنُ مَلَابِسِ الدُّنْيَا الْحَيَاءُ

«(۳)؛ نیکوترین لباسهای دنیا، حیاست».

حیا، نگاهبان ایمان و پاره جداییناپذیر آن است. مؤمن پوشش برازندهای چون حیا دارد که همچون نگهبانی او را از گناه برکنار می‌دارد. امام علی (ع) در این باره فرموده است: «

الْحَيَاءُ يَصُدُّ عَنِ فِعْلِ الْقَبِيحِ

«(۴)؛ حیا آدمی را از کار زشت باز میدارد».

بیشتر جرمها و زشتیها، از بیحیایی سر میزند؛ زیرا هر چه پرده

۱- میزان الحکمه، ج ۲، ص ۳۸۵.

۲- غرر الحکم، ج ۲، ص ۲۵۶.

۳- بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۲۳۱.

۴- غرر الحکم، ص ۲۵۷.



ص: ۹۷

حیا کنارتر رود، آدمی بر ارتکاب گناهان پنهان و آشکار جسورتر می‌گردد؛ تا جایی که حجاب حیا برداشته میشود و آن‌گاه آدمی از هیچ گناهی سرباز نمی‌زند. امام موسی بن جعفر (ع) می‌فرماید:

الْحَيَاءُ مِنَ الْإِيمَانِ وَالْإِيمَانُ فِي الْجَنَّةِ وَالْبَدَأُ مِنَ الْجَفَاءِ وَالْجَفَاءُ فِي النَّارِ. (۱)

حیا جزئی از ایمان است و ایمان در بهشت است. بی‌حیایی نیز از پرده‌داری سرچشمه می‌گیرد و پرده‌داری در آتش است. هر چه کمال و خرد انسان افزون‌تر باشد، حیای او نیز بیشتر خواهد بود. حیا از خدا، حیا از خود و حیا از مردم، میوه‌های شیرین درخت خردند.

امام علی (ع) می‌فرماید:

الْعَقْلُ شَجَرَةٌ ثَمَرُهَا السَّخَاءُ وَالْحَيَاءُ. (۲)

عقل، درخت تنومندی است که میوه شیرین آن، سخاوت و حیاست.

## ۹. توبه و بازگشت

توبه به معنای بازگشت آن است که شخص گناه کار تصمیم بر بازگشت و ترک گناه داشته باشد. در این میان، توبه حقیقی، انسان

۱- بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۳۰۹.

۲- غرر الحکم و درر الکلم، ج ۲، ص ۱۴۲.

ص: ۹۸

گناه کار را دگرگون می کند که گویی گناهی نکرده است. امام باقر (ع) می فرماید: «

التَّائِبُ مِنَ الذَّنْبِ كَمَنْ لَا ذَنْبَ لَهُ

«(۱)؛ «توبه کننده از گناه مانند آن است که گناهی نکرده است».

توبه حقیقی موجب پرده پوشی و نابودی آثار گناه می گردد. امام صادق (ع) می فرماید: هنگامی که بنده توبه حقیقی کرد، خداوند او را دوست می دارد و در دنیا و آخرت گناهان او را می پوشاند، هر چه از گناهان که دو فرشته موکل برایش نوشته اند، پاک شده و از یادشان برود و به اعضای بدن، وحی می کند که گناهان او را پنهان کنید و به نقاط زمین - که در آن مکان گناه کرده - فرمان می دهد، گناهان او را پنهان کنید.

فَيَلْقَى اللَّهَ حِينَ يَلْقَاهُ وَ لَيْسَ شَيْءٌ يَشْهَدُ عَلَيْهِ بِشَيْءٍ مِنَ الذُّنُوبِ. (۲)

پس توبه کننده با خدا ملاقات کند به گونه ای که هیچ چیز نیست که در پیشگاه خدا گواهی بدهد که او چیزی از گناه را انجام داده است.

در آیه هشتم از سوره تحریم به پنج ثمره و نتیجه توبه حقیقی اشاره شده که عبارتند از: ۱. بخشودگی گناهان؛ ۲. ورود در بهشت پر نعمت الهی؛ ۳. رسوا نشدن در قیامت؛ ۴. نور ایمان و عمل در قیامت

۱- اصول کافی، ج ۲، ص ۴۳۷.

۲- همان، ص ۴۳۱.

ص: ۹۹

به سراغ توبه کنندگان آمده و پیشاپیش آنها حرکت نموده و ایشان را به سوی بهشت هدایت می‌کند؛ ۵. توجه آنها به خدا بیشتر می‌گردد و تقاضای تکمیل نور و آمرزش کامل گناه خود می‌کنند. (۱)

امام سجاد (ع) در مناجات خود با خالق متعال می‌فرماید:

إِلَهِي أَنْتَ فَتَحْتَ لِعِبَادِكَ بَابًا إِلَى عَفْوِكَ سَمَّيْتَهُ التَّوْبَةَ فَقُلْتَ: تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَصُوحًا، فَمَا عُذْرٌ مَنْ اغْفَلَ دُخُولَ الْبَابِ بَعْدَ فَتْحِهِ. (۲)

ای خدای من! تو آن کسی هستی که دری به سوی عفو تو برای بندگان گشودی و نام آن را توبه نهاده‌ای و [در قرآن] فرموده‌ای: به سوی خدا باز گردید و توبه خالص کنید، اکنون عذر کسانی که از وارد شدن به این در گشوده غافل گردند، چیست؟

در روایتی امام کاظم (ع) می‌فرماید:

أَحَبُّ الْعِبَادِ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى الْمُتَمَتِّنُونَ التَّوْبُونَ. (۳)

محبوب‌ترین بندگان در پیشگاه خدا، آنهایی هستند که در فتنه [گناه] واقع شوند و بسیار توبه کنند.

از سوی دیگر، تأخیر در توبه نکوهش شده و آن را نشانه غفلت و بی‌خبری از قیامت دانسته‌اند. امام جواد (ع) می‌فرماید:

۱- تفسیر نمونه، ج ۲۴، ص ۲۹۲.

۲- بحار الانوار، ج ۹۴، ص ۱۴۲.

۳- اصول کافی، ج ۲، ص ۴۳۲.

ص: ۱۰۰

تَأخِيرُ التَّوْبَةِ إِغْتِرَارٌ وَ طُولُ التَّشْوِيفِ حَيْرَةٌ. (۱)

تأخیر توبه، یک نوع غرور و بی‌خبری است و طولانی نمودن تأخیر یک نوع حیرانی و سرگردانی است.

مردی از امام علی (ع) درخواست موعظه کرد. حضرت فرمود:

لَا تَكُنْ مِمَّنْ يَرْجُو الْآخِرَةَ بِغَيْرِ عَمَلٍ وَيُرْجَى التَّوْبَةَ بِطُولِ الْأَمَلِ. (۲)

از کسانی مباش که بدون عمل، امید سعادت آخرت را دارند و توبه را با آرزوهای دراز به تأخیر می‌اندازند.

امام باقر (ع) نیز در هشدار می‌فرماید:

وَ إِيَّاكَ وَ التَّشْوِيفَ فَإِنَّهُ بَحْرٌ يُغْرَقُ فِيهِ الْهَلَكَى. (۳)

از تأخیر انداختن [توبه] پرهیز، زیرا تأخیر انداختن، دریایی است که درمانده در آن غرق می‌گردد.

باید دانست توبه کردن به گناه خاصی اختصاص ندارد، بلکه همه گناهان را شامل می‌شود و باید از همه گناهان توبه کرد. خداوند

می‌فرماید:

قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ (زمر: ۵۳)

۱- بحارالانوار، ج ۶، ص ۳۰.

۲- نهج البلاغه، حکمت ۱۵۰.

۳- بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۱۶۴.

ص: ۱۰۱

بگو: ای بندگان من که بر خویشتن اسراف و ستم کرده‌اید، از رحمت خداوند ناامید نشوید که خداوند همه گناهان را می‌آمرزد، زیرا او بسیار آمرزنده و مهربان است.

امام علی (ع) نیز می‌فرماید:

التَّوْبَةُ نَدَمٌ بِالْقَلْبِ وَ اسْتِغْفَارٌ بِاللِّسَانِ وَ تَرْكُ بِالْجَوَارِحِ وَ إِضْمَارُ أَنْ لَا يَعُودَ. (۱)

توبه، پشیمانی به قلب و استغفار به زبان و ترک تمام گناهان به اعضا و نیت برنگشتن به گناه است.

ارزش توبه وقتی روشن می‌شود که بدانیم خداوند نیز از بازگشت بنده به سوی خود شاد می‌شود. امام باقر (ع) می‌فرماید:

إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَشَدُّ فَرَحًا بِتَوْبِيهِ عَبْدِهِ مِنْ رَجُلٍ أَضَلَّ رَاحِلَتَهُ وَ زَادَهُ فِي لَيْلِهِ ظُلْمَاءَ فَوَجَدَهَا فَاللَّهُ أَشَدُّ فَرَحًا بِتَوْبِيهِ عَبْدِهِ مِنْ ذَلِكَ الرَّجُلِ بِرَاحِلَتِهِ حِينَ وَجَدَهَا. (۲)

خدای متعال از توبه بنده‌اش خوشحال است بیش از خوشحالی مردی که کاروانش را گم کرده است و در شب تاریک به دنبالش می‌گردد و آن‌گاه کاروان را می‌یابد، پس خوشحالی خدای متعال از توبه بنده‌اش بیش از خوشحالی این مرد است. ناگفته نماند هر گناهی توبه‌ای ویژه دارد، برای مثال توبه کسی که

۱- بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۸۱.

۲- همان، ج ۶، ص ۳۳.

ص: ۱۰۲

نماز واجب را ترک کرده، افزون بر پشیمانی، به‌جا آوردن قضای نمازهای واجب است و کسی که مرتکب گناه مالی شده است، افزون بر پشیمانی از کارش، باید حق الله یا حق الناس اموالش را به صاحبان آن بازگرداند.

خلاصه اینکه باید تا حد امکان کوتاهی‌های گذشته‌اش را جبران کند و ویژگی‌ها و عادت‌های بدی را که داشته ترک کند. با این وجود، توبه، کاری ساده و آسان نیست، بلکه با یک سلسله شرایط معنوی و عملی تحقق می‌پذیرد. پشیمانی از گناه، تصمیم گرفتن به ساختن آینده‌ای ملکوتی و پاک، تبدیل رذیله‌های اخلاقی به فضائل و نیکی، اصلاح اعمال، جبران گذشته و کارهایی مانند آن از مقدمات و شرایط اولیه توبه است. خداوند منان از این مقدمات در برخی آیات به صورت کلی چنین یاد می‌نماید:

إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا وَأَصْلَحُوا وَبَيَّنُّوا فَأُولَئِكَ أَتُوبُ عَلَيْهِمْ وَأَنَا التَّوَّابُ الرَّحِيمُ (بقره: ۱۶۰)

مگر آنان که [با گناه فاصله گرفته‌اند] به سوی خدا بازگشتند و اخلاق و عمل خود را اصلاح کردند و آنچه را از حق پنهان می‌داشتند، برای مردم بیان کردند. پس توبه ایشان را می‌پذیرم و من پذیرنده توبه و مهربانم.

و در آیه‌ای دیگر به گونه‌ای دیگر به این امر توجه نموده‌اند:

فَمَنْ تَابَ مِنْ بَعْدِ ظُلْمِهِ وَأَصْلَحَ فَإِنَّ اللَّهَ يَتُوبُ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (مائده: ۳۹)

ص: ۱۰۳

کسی که پس از ستم، توبه کند و [عقیده، اخلاق و عملش را] اصلاح کند، خداوند توبه‌اش را می‌پذیرد، همانا خداوند آمرزنده و مهربان است.

در این آیات، اصلاح عقیده، اخلاق و عمل و بازگشت سریع و بی تأخیر از گناه، از حقایق توبه شمرده شده است. از این رو، باید برای دستیابی به حقیقت توبه، در پی جبران گذشته برآمده و ادای نماز و پرداخت واجبات مالی را پس از توبه سرلوحه کارها قرار داد. چنان که قرآن مجید می‌فرماید:

فَإِنْ تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَأِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ (توبه: ۱۱)

اگر گناه کاران توبه کردند و نماز به پا داشتند و زکات پرداختند، پس برادران دینی شما هستند.

در روایتی آمده است شخصی برای خودنمایی در محضر امام علی (ع) گفت: «

اسْتَغْفِرُ اللَّهَ

«. علی (ع) به وی فرمود: مادرت به عزایت بنشیند. آیا می‌دانی استغفار از درجه اعلی است؟

استغفار و توبه، شش رکن دارد: پشیمانی از گناهان گذشته، تصمیم بر ترک گناه، ادای حق مردم، ادای حق الله، ذوب کردن گوشت بدن از غذای حرام روییده شده، به حزن و اندوه و چشاندن سختی طاعت خدا به بدن، همان گونه که شیرینی گناه را چشیده است. پس در این

ص: ۱۰۴

هنگام بگو: «

اَسْتَغْفِرُ اللَّهَ

» (۱).

در صورتی که گناه کار فرصت توبه داشته باشد، باید جبران مافات کند اما تأخیر انداختن توبه تا دم مرگ پذیرفتنی نیست. در آیه‌ای از قرآن آمده است:

وَلَيْسَتِ التَّوْبَةُ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ حَتَّىٰ إِذَا حَضَرَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ إِنِّي تُبْتُ الْآنَ (نساء: ۱۸)

آنان که تا رسیدن مرگ، کار زشت انجام دهند و آن هنگام که وقت خروج از دنیاست، بگویند توبه کردیم. و نکته پایانی درباره حقیقت توبه است که در آموزه‌های نبوی آمده است:

آیا می‌دانید توبه کار کیست؟ هرگاه بنده توبه کند، ولی صاحبان حقوق مالی را از خود راضی نکند، توبه کار نیست و هر کس توبه کند، ولی بر عبادتش نیفزاید، توبه کار نیست و کسی که توبه کند، ولی لباسش را تغییر ندهد، توبه کار نیست و آن کس که توبه کند، ولی دوستانش را عوض نکند توبه کار نیست و هر کس توبه کند ولی مجلسش را تغییر ندهد، توبه کار نیست و هر کس توبه کند، ولی بستر و تکیه گاهش را عوض نکند، توبه کار نیست و آن کس که توبه کند، ولی اخلاق و نیتش را تغییر ندهد، توبه کار نیست و هر کس توبه کند، ولی



ص: ۱۰۵

قلبش را به روی حقایق نگشاید و انفاق نکند، توبه کار نیست و هر کس توبه کند، ولی آرزویش را کوتاه و زبانش را حفظ نکند، توبه کار نیست و هر که توبه کند، ولی بدنش را از غذای اضافی خالی نکند، توبه کار نیست و چون بر این ویژگی‌ها استقامت کند، توبه کار است. (۱)

پیامبر اکرم (ص) نیز به گونه‌ای دیگر بر ظاهر شدن آثار توبه در توبه‌کننده اشاره می‌نماید:

التَّائِبُ إِذَا لَمْ يَسْتَبِنْ عَلَيْهِ أَثَرُ التَّوْبَةِ فَلَيْسَ بِتَائِبٍ يُرْضَى الْخُصِيْمَاءُ وَيُعِيدُ الصَّلَاةَ وَيَتَوَاضَعُ بَيْنَ الْخَلْقِ وَيَقِي نَفْسَهُ عَنِ الشَّهَوَاتِ وَ يُهْزِلُ رَقَبَتَهُ بِصِيَامِ النَّهَارِ. (۲)

تا زمانی که آثار توبه در توبه‌کننده ظاهر نشده است، توبه کار نیست، آثار توبه عبارت است از: به دست آوردن رضایت کسانی که نزد انسان حقوق مالی دارند؛ به‌جا آوردن نمازهای از دست رفته، فروتنی در میان مردم، حفظ نفس از شهوت‌های حرام و لاغر کردن جسم با روزه گرفتن.

## ۱۰. دوری از هم‌نشینان بد

### اشاره

بسیاری از انحرافهای اخلاقی و بزهکاریهای اجتماعی، بر اثر

۱- بحارالانوار، ج ۶، ص ۳۵.

۲- جامع الاخبار، ص ۲۲۶.

ص: ۱۰۶

دوستی با ناهالان، دامن گیر انسان می‌شود، اما داشتن دوست و هم‌نشین به نور آن، به «زبانی» و «قلبی» تقسیم می‌شود. ذکر گذاشتن، در سلامت رفتار آدمی و برکنار ماندن او از دام‌ها و فریب‌های ناهالان بسیار تأثیر می‌گذارد. از این رو، ضبط و مهار دوستی‌ها و جایگزین کردن دوستان پاک به جای هم‌نشینان ناشایسته، ناگزیر مینماید. پیامبر اکرم (ص) در این باره می‌فرماید: هرگاه خدای تعالی اراده کند که خیری به بنده‌اش برساند، دوست صالحی به او می‌دهد که اگر خدا را فراموش کرد، او به یادش آورد و اگر خدا را یاد کرد، او بر آن یاد بیفزاید.

امام علی (ع) نیز می‌فرماید:

خَيْرُ إِخْوَانِكَ مَنْ سَارَعَ إِلَى الْخَيْرِ وَجَذَبَكَ إِلَيْهِ وَآمَرَكَ بِالْبِرِّ وَأَعَانَكَ عَلَيْهِ. (۱)

برترین دوست و برادر تو کسی است که در کار خیر سبقت گیرد و تو را هم به سوی خیر بکشانند و تو را به نیکی فراخواند و یاری کند.

ایشان در کلامی دیگر فرمودند:

خَيْرٌ مَنْ صَحِبَتْ مَنْ وَلَّهَكَ بِالْآخِرَى وَزَهَّدَكَ فِي الدُّنْيَا وَأَعَانَكَ عَلَى طَاعَةِ الْمَوْلَى. (۲)

بهترین دوست تو کسی است که تو را شیفته آخرت و به دنیا

۱- میزان الحکمه، ج ۱، ص ۲۶۷.

۲- غرر الحکم و درر الکلم، ج ۳، ص ۴۳۶.

ص: ۱۰۷

بی‌رغبت کند و تو را در فرمان بری از خدا یاری دهد.

بر پایه روایات اسلامی، آدمی از خوبی رفیق و هم‌نشین خود تأثیر می‌پذیرد. رسول گرامی اسلام (ص) می‌فرماید: «

الْمَرْءُ عَلَى دِينِ خَلِيلِهِ وَقَرِينِهِ

«(۱)؛ «انسان بر همان دینی است که دوست و رفیقش از آن پیروی می‌کند».

پیروی از هم‌نشینان بد، زمینه پیوستن آدمی را به بدیها فراهم می‌آورد. حضرت علی (ع) درباره تأثیرپذیری و تأثیرگذاری افراد از یک گروه می‌فرماید:

مُجَالَسَةُ الْأَخْيَارِ تُلْحِقُ الْأَشْرَارَ بِالْأَخْيَارِ وَمُجَالَسَةُ الْأَبْرَارِ لِلْفُجَّارِ تُلْحِقُ الْأَبْرَارَ بِالْفُجَّارِ؛ فَمَنْ اشْبَهَتْ عَلَيْكُمْ امْرَأَةٌ وَلَمْ تَعْرِفُوا دِينَهَا فَانظُرُوا إِلَى خُلَطَائِهِ فَإِنْ كَانُوا أَهْلَ دِينِ اللَّهِ فَهُوَ عَلَى دِينِ اللَّهِ وَإِنْ كَانُوا عَلَى غَيْرِ دِينِ اللَّهِ فَلَا حَظَّ لَهُ مِنْ دِينِ اللَّهِ. (۲)

همنشینی با خوبان، بدان را به خوبان پیوند می‌دهد و همنشینی نیکان با بدان، نیکان را به بدان؛ هرگاه وضع کسی بر شما مبهم است و از دین او آگاه نیستید، به دوستان و هم‌نشینان او نگاه کنید؛ اگر آن فرد با دوستان خدا هم‌نشین است، وی را از مؤمنان بدانید و اگر با دشمنان حق هم‌نشین است او را از بدان بدانید.

۱- اصول کافی، ج ۲، ص ۳۷۵.

۲- بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۱۹۷.

ص: ۱۰۸

حضرت امیر (ع) در سخن دیگری میفرماید:

قَارِنَ أَهْلِ الْخَيْرِ تَكُنْ مِنْهُمْ وَبَيْنَ أَهْلِ الشَّرِّ تَبِنَ عَنْهُمْ (۱)

با نیکان همنشین باش تا از آنان شوی و از بدان جدایی گزین تا [از بدیها] جدا شوی.

با توجه به اهمیت دوستیابی و آثار همنشینی با دوست، شایسته است تحقیق و بررسی بیشتری در این رابطه داشته باشیم:

**الف) دقت در دوست یابی**

هر انسانی از تنهایی رنج می‌برد و به دنبال دوست و همنشینی شایسته برای خود می‌گردد، زیرا همنشین نیکو می‌تواند در رشد و شکوفایی معنوی او تأثیر بگذارد؛ چنان‌که دوستان ناسالم زمینه سقوط و تنزل را برایش فراهم می‌سازند. از این رو، دوستان را با دوراندیشی باید برگزید. بیشتر جوانانی که به انحراف کشیده شده‌اند، مهم‌ترین علت شکست خود را همنشینی با افراد شرور و فاسد برمی‌شمردند. پس آدمی باید در انتخاب دوست بیندیشد و با هوشیاری و زیرکی و بر پایه معیارهای برآمده از آموزه‌های دینی، دوستانش را برگزیند.

**ب) تأثیرپذیری از دوستان**

رفتار آدمی می‌تواند متأثر از عواملی همچون وراثت، عادت و

ص: ۱۰۹

محیط باشد. ابوحامد محمد بن غزالی طوسی در این باره می‌گوید:

به‌درستی که اخلاق نیکوی انسان یا فطری و موروثی اوست یا با عادت به کارهای خوب به دست می‌آید یا با نگاه کردن به رفتارهای انسان‌های خوب و نیک‌رفتار و هم‌نشینی با آنان کسب می‌شود؛ زیرا طبع انسان، از طبع هم‌نشین، خیر و شر، هر دو را کسب می‌کند. (۱)

امام علی (ع) در نامه‌ای ارزشمند و راهگشا چنین می‌فرماید:

وَ أَحْذَرُ صَحَابَةَ مَنْ يَفِيلُ رَأْيَهُ وَ يُنْكِرُ عَمَلَهُ فَإِنَّ الصَّاحِبَ مُعْتَبَرٌ بِصَاحِبِهِ. (۲)

از رفاقت با کسانی که افکارشان خطا و اعمالشان ناپسند است، برحذر باش؛ زیرا آدمی به راه و روش رفیق خو می‌گیرد و به افکار وی معتاد می‌شود.

امام صادق (ع) نیز می‌فرماید:

مَنْ يَصْحَبْ صَاحِبَ السُّوءِ لَا يَسْلَمْ. (۳)

کسی که با رفیق بد هم‌نشین شود، سالم نمی‌ماند [و سرانجام به ناپاکی آلوده می‌شود].

۱- احیاء العلوم، غزالی، ج ۱، ص ۵۸.

۲- نهج البلاغه، نامه ۵۳.

۳- مستدرک الوسائل، میرزا حسین نوری، ص ۳۹۳.

ص: ۱۱۰

**ج) ویژگی‌های دوستان ناشایست**

امام صادق (ع) معیار دوستان بد را از زبان امیر مؤمنان علی (ع) چنین برمی‌شمرد:

مسلمانان باید از رفاقت با سه کس بپرهیزند:

۱. هرزه و بی‌باک؛ زیرا او کار خود را برای تو زینت می‌دهد و دوست دارد تو هم مانند او باشی و در زمینه دین و آخرت، تو را یاری نمی‌کند و هم‌نشینی با او قساوت قلب می‌آورد و رفت و آمد با او مایه ننگ و عار است؛
  ۲. احمق؛ زیرا او به خیر و خوبی تو دستور نمی‌دهد و شری را هم نمی‌تواند از تو دفع کند و چه بسا بخواهد به تو سودی برساند، ولی به خاطر حماقتش، به تو ضربه می‌زند. پس مرگ او بهتر از زندگی و سکوتش بهتر از سخن گفتنش باشد؛
  ۳. دروغ‌گو؛ زیرا او وبال توست. گفته دیگران را برای تو و گفته تو را برای دیگران بازگو می‌کند. هر گاه ماجرای را کامل بیان کرد، به دنبالش کلام دیگری را می‌گوید، چه بسا راست می‌گوید و کسی باور نمی‌کند و میان مردم دشمنی اندازد و سبب کینه میان مردم شود. پس، از خدا بترسید و مواظب اعمال خود باشید. (۱)
- حافظ شیرازی نیز در دوری از دوستان ناباب چنین سروده

۱- کافی، ج ۴، ص ۸۵.

ص: ۱۱۱

است:

نخست موعظه پیر می‌فروش این است که از معاشر ناجنس احتراز کنید

### د) پرهیز از دوستان بد نام

معاشرت و دوستی، تأثیرهای نیک یا ناخوشایند در آدمی می‌گذارد. سخن استاد شهید مرتضی مطهری نیز در این باره بسیار آموزنده است:

در باب معاشرت، آن چیزی که اثرش فوق العاده است، پیدا شدن ارادت است. مسئله ارادت و شیفتگی به یک شخص معین، بالاترین و بزرگ‌ترین عامل است در تغییر دادن انسان و این اگر به‌جا بیفتد، فوق‌العاده انسان را خوب می‌کند و اگر نابه‌جا بیفتد، آتشی است که آدمی را آتش می‌زند. (۱)

بنابراین، جوانانی که با دوستان فاسد و بدنام دوستی می‌کنند، حتی اگر خود را فردی با اراده پندارند و خویشان را از تأثیرپذیری برکنار بدانند، از بدنامی اجتماعی و بدآوازی نمی‌توانند خود را حفظ کنند. پیامبر گرامی در این باره می‌فرماید:

أَوْلَى النَّاسِ بِاللُّثَمَةِ مَنْ جَالَسَ أَهْلَ اللُّثَمَةِ.

هر کس با متهمان هم‌نشینی کند، بیشتر از بقیه مردم سزاوار

ص: ۱۱۲

تهمت است.

دوستان انسان، نشان‌دهنده شخصیت دینی و اجتماعی اویند. از این رو، شایسته نیست آدمی با هر کس طرح دوستی بریزد، بدون اینکه به نیکی او اطمینان یابد.

بی‌گمان، کناره‌گیری از انسان‌های گمراه و آلوده به گناه، خصلتی بایستنی است. امام علی (ع) می‌فرماید:

... مُجَالَسَةُ أَهْلِ الْهَوَى مَنَسَأَةٌ لِلْإِيمَانِ وَ مَحْضَرَةٌ لِلشَّيْطَانِ. (۱)

هم‌نشینی با اهل هوا و هوس، دورکننده ایمان و نزدیک‌کننده شیطان برای انسان است.

### ه) آثار هم‌نشینی با نیکان و بدان

قرآن مجید می‌فرماید:

وَ اصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ وَلَا تَعْدُ عَيْنَاكَ عَنْهُمْ تُرِيدُ زِينَةَ الدُّنْيَا وَلَا تُطِعْ مَنْ أَغْفَلْنَا قَلْبَهُ عَنْ ذِكْرِنَا وَ اتَّبَعَ هَوَاهُ وَ كَانَ أَمْرُهُ فُطْرًا (كهف: ۲۸)

با کسانی باش که پروردگار خود را صبح و عصر می‌خوانند و تنها رضای او را می‌طلبند و هرگز به خاطر زیورهای دنیا، چشمان خود را از آنها برمگیر و از کسانی که قلب‌شان را از یاد خدا غافل ساختیم، اطاعت مکن؛ آنان که از هوای نفس پیروی



ص: ۱۱۳

کردند و کارهایشان افراطی است.

پیامبر اکرم (ص) نیز بر پایه روایتی، چنین فرموده است:

أَسْعَدُ النَّاسِ مَنْ خَالَطَ كِرَامَ النَّاسِ. (۱)

از همه سعادت‌مندتر، آن کسی است که با مردم نیک و بزرگوار معاشرت کند.

حضرت علی (ع) نیز دل‌سوزانه چنین هشدار می‌دهد:

عَلَيْكَ بِإِخْوَانِ الصُّدُقِ فَأَكْثَرُ مِنْ اِكْتِسَابِهِمْ فَإِنَّهُمْ عُدَّةٌ عِنْدَ الرَّخَا وَجُنَّةٌ عِنْدَ الْبَلَا. (۲)

بر شما باد به دوستان راست‌گو و درست‌کردار. پس در گرفتن چنین دوستی بیشتر بکوش؛ زیرا چنین دوستانی کمک‌کار در زمان آسایش و سپر در هنگام بلایند.

از سوی دیگر، معاشرت با بدان، روح را تاریک و شخصیت انسان را ضعیف می‌سازد و از زشتی کارهای بد در نظر او می‌کاهد؛

چنان‌که امام علی (ع) می‌فرماید: «

مُجَالَسَةُ الْأَشْرَارِ تُورِثُ سُوءَ الظَّنِّ بِالْأَخْيَارِ

» (۳)؛ «هم‌نشینی با بدان، سبب بدبینی به نیکان می‌شود».

**و) ویژگی دوستان خوب**

آموزه‌های دینی، افراط و تفریط را در دوست‌یابی، نهی و تنهایی را

۱- بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۱۸۵.

۲- میزان الحکمه، ج ۱، ص ۴۳.

۳- همان، ص ۱۹۱.

ص: ۱۱۴

نکوهش کرده و گزینش دوستان را نیز از سر بی‌دقتی و بی‌هدفی نپذیرفته، بلکه چارچوبی در این زمینه عرضه کرده است. رسول گرامی اسلام (ص) از این چارچوب چنین یاد می‌کند:

جَالِسِ الْأَبْرَارِ فَإِنَّكَ أَنْ فَعَلْتَ خَيْرًا حَمْدُوكَ وَإِنْ أَخْطَأْتَ لَمْ يَعْفُوكَ. (۱)

با ابرار هم‌نشین باشید؛ چرا که اگر کار خیری انجام دادید، شما را تشویق و ترغیب می‌کنند و اگر اشتباهی از شما سر زد، از شما نمی‌گذرند، بلکه تذکر می‌دهند.

آن حضرت در سخن دیگری، ویژگی دوستان خوب را چنین می‌شمارد:

هم‌نشین نباشید، مگر نزد عاملی که شما را دعوت کند از پنج چیز به سوی پنج چیز: از شک به سوی یقین؛ و از ریا و ظاهر فریبی به سوی اخلاص؛ از زیاده‌خواهی به کم‌خواستن؛ از کبر و تکبر به سوی تواضع و فروتنی و از نیرنگ به سوی نیک‌خواهی. (۲)

یکی از ویژگی‌های هم‌نشین نیک، همراهی او با فرد در فراز و نشیب‌های روزگار است. امام علی (ع) درباره این ویژگی می‌فرماید:

لَا يَكُونُ الصَّدِيقُ صَدِيقًا حَتَّى يَحْفَظَ أَخَاهُ فِي ثَلَاثٍ: فِي نَكْبَتِهِ وَ

۱- میزان الحکمه، ج ۲، ص ۶۱.

۲- همان.

ص: ۱۱۵

عَیْبَتِهِ وَ وَفَاتِهِ. (۱)

دوست را نمی‌توان دوست نامید، مگر اینکه او دوست خودش را در سه زمان حفاظت کند: هنگام گرفتاری دوست، در نبود دوست و هنگام مرگ دوست.

رسول گرامی اسلام (ص) به ابن مسعود فرمود:

ای پسر مسعود! هم‌نشینان خودت را نیکان و برادرانت را پرهیزکاران و از دنیا رستگان قرار بده؛ زیرا خداوند در کتابش فرمود: «دوستان در فردای قیامت بعضی بر بعض دیگر دشمن می‌شوند، مگر دوستان پرهیزگار». (۲)

همچنین حدیثی از رسول اکرم (ص) در این باره آمده است که دوستان صادق و پرهیزگار، در دنیا و آخرت کنار دوستان خود هستند:

اسْتَكْبَرُوا مِنَ الْإِخْوَانِ فَإِنَّ لِكُلِّ مُؤْمِنٍ شَفَاعَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ. (۳)

بر دوستان مؤمن خود بیفزایید؛ زیرا برای هر مؤمنی مقام شفاعت در روز قیامت هست.

## ۱۱. مرگ باوری

۱- همان، ج ۵، ص ۳۱۰.

۲- میزان الحکمه، ج ۲، ص ۶۲.

۳- همان، ج ۱، ص ۴۴.

ص: ۱۱۶

یادآوری مرگ و توجه همیشگی به آن، آدمی را وارسته و به دنیا و گناه بی‌رغبت می‌کند. فردی به امام باقر (ع) عرض کرد: برایم سخنی بگو که از آن استفاده کنم. حضرت فرمود:

اَكْثَرَ ذِكْرِ الْمَوْتِ فَانَّهُ لَمْ يُكَيِّزْ ذِكْرَهُ انْسَانٌ اِلَّا زَهَدَ فِي الدُّنْيَا. (۱)

مرگ را بسیار یاد کن که هر که آن را زیاد به خاطر آورد، زهد در دنیا را پیشه خواهد ساخت.

امام صادق (ع) نیز در رهنمودی، درباره بهره‌گیری از یاد مرگ به انگیزه خودسازی چنین می‌فرماید:

اِذَا اَنْتَ حَمَلْتَ جَنَازَةً فَكُنْ كَاَنَّكَ اَنْتَ الْمَحْمُولُ وَ كَاَنَّكَ سَأَلْتَ رَبَّكَ الرَّجُوعَ اِلَى الدُّنْيَا فَفَعَلَ فَانظُرْ مَاذَا تَسْتَأْنِفُ. (۲)

هنگامی که جنازه‌ای حمل می‌کنی، فرض کن که تو مرده‌ای و این، جنازه توست که حمل می‌شود و گویا پس از مرگ، از خدا خواسته‌ای که به دنیا بازگردد [تا نیکی پیشه‌سازی] و خداوند درخواست تو را اجابت فرموده است؛ پس بنگر که چگونه در اعمال خویش تجدید نظر خواهی کرد.

راه درست یادآوری مرگ این است که آدمی قلب خود را از همه چیز تهی کند و تنها در مرگ و درباره کسانی بیندیشد که پیش از او بار سفر بستند و به آخرت پیوستند و بدانند که او نیز باید این مراحل

۱- اصول کافی، ج ۳، ص ۲۵۵.

۲- همان، ص ۲۵۸.

ص: ۱۱۷

را پشت سر بگذارد.

مرگ سرنوشت نهایی و حتمی همه آدمیان است (۱) که چاره‌ای جز پذیرش آن ندارند و در طلب خود به طوری جدی است که هیچ کسی از بر جای ایستاده و فرارکننده، از تیررس آن به دور نیست. (۲)

بر این اساس، اندیشیدن در این سرنوشت تغییرناپذیر، امری عقلانی است. علی (ع) از کسی که مرگ را فراموش کرده در حالی که مردگان را می‌بیند، اظهار شگفتی می‌کند و برای آنان که عبرت‌پذیرند «دیدن جنازه بی‌جان را بهترین موعظه می‌داند». (۳)

مرگ، جایگاه شایسته و حقیقی آدمی را به خوبی نشان می‌دهد. اگر فردی در سرتاسر عمر خویش فروتنی و خشوعی را که لازمه بندگی در پیشگاه پروردگار بی‌همتاست، پیشه خود ساخت، با فرا رسیدن لحظه مرگ، آثار تسلیم سراسر وجود او را فرا خواهد گرفت، و شاید از این رهگذر، مرگ اطرافیان برای این گونه افراد پندآموز باشد. در روایت آمده است: «اگر سه چیز نبود، آدمی هرگز در برابر خدایش سر تسلیم فرود نمی‌آورد، آن سه عبارتند از: بیماری، نیازمندی و مرگ». (۴)

۱- نهج البلاغه، حکمت ۴۱۹.

۲- نهج البلاغه، خطبه ۱۲۳.

۳- همان، خطبه ۱۴۹.

۴- خصال، شیخ صدوق، ج ۱، ص ۱۲۷.

ص: ۱۱۸

یاد مرگ، دل را نرم می‌کند (۱) و به آن صفا و نورانیت می‌بخشد و خود، عاملی مهم برای بازداشتن انسان از لغزش‌ها و وابستگی‌های دنیوی است.

جامی در «هفت اورنگ» خویش حکایت زنده‌دلی را نقل می‌کند که به زیارت اهل قبور می‌رفته و بهره‌های فراوانی می‌برده است. وی در این باره چنین می‌سراید:

زنده‌دلی از صفت افسردگان رفت به همسایگی مردگان  
حرف فنا خواند ز هر لوح خاک روح بقا جست ز هر روح پاک  
کارشناسی پی تفتیش حال کرد از او بر سر راهی سؤال  
این همه از زنده رمیدن چراست رخت سوی مرده کشیدن چراست  
گفت بلندان به مغاک (۲) اندرند پاک نهادان ته خاک اندرند  
مرده دلانند به روی زین بهر چه با مرده شوم هم‌نشین  
همدمی با مرده دمد مردگی صحبت افسرده دل افسردگی  
زیر گل آنان که پراکنده‌اند گرچه به تن مرده به جان زنده‌اند  
زنده شدم از نظر پاکشان آب حیاتست مرا خاکشان  
جامی از این مرده‌دلان گوشه گیر گوش به خود دار و ز خود توشه گیر (۳)  
از این رو، باید این سخن پروردگار را پیوسته به یاد داشت:

۱- نهج البلاغه، نامه ۳۱.

۲- قبر.

۳- مثنوی هفت اورنگ، عبدالرحمان جامی، ج ۱، صص ۵۱۷ و ۵۱۸.

ص: ۱۱۹

أَيُّمَا تَكُونُوا يُدْرِكُكُمُ الْمَوْتُ وَلَوْ كُنْتُمْ فِي بُرُوجٍ مُّشِيدَةٍ (نساء: ۷۸)

زخم فطرت ؛ ؛ ص ۱۱۹

کجا باشید، مرگ به سراغتان می‌آید؛ اگرچه در کاخ‌های محکم باشید.

## ۱۲. استغفار

استغفار، جلادهنده قلب و مایه آمرزش گناهان است. درباره رسول‌الله آمده است که ایشان هر روز هفتاد بار استغفار می‌کرد و بر

پایه برخی از احادیث، پس از هر نشستی ۲۵ بار «استغفرالله» می‌گفت. (۱)

استغفار، داروی شفابخش گناه کاران است:

«لِكُلِّ دَاءٍ دَوَاءٌ وَ دَوَاءُ الذُّنُوبِ الْإِسْتِغْفَارُ» (۲)

؛ «برای هر دردی، درمانی است و داروی گناهان استغفار است».

بهترین زمان برای استغفار از گناه، نیمه‌های شب است؛ آن‌گاه که همه درها بسته می‌شود و همه دیده‌ها به خواب می‌روند و درهای

رحمت الهی بر روی بندگان باز می‌شود. خداوند در وصف بندگان مؤمنش می‌فرماید:

الصَّابِرِينَ وَالصَّادِقِينَ وَالْقَانِتِينَ وَالْمُنْفِقِينَ وَالْمُسْتَغْفِرِينَ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ (آل عمران: ۱۷)

آنان صابران و صادقان و فرمانبر و انفاق‌کنندگانند و در نیمه‌های شب به دعا و استغفار بر می‌خیزند.

۱- جامع احادیث الشیعه، ج ۱۴، ص ۳۶۳.

۲- اصول کافی، ج ۲، ص ۴۳۹.

ص: ۱۲۰

و در آیه‌ای دیگر آمده است:

كَانُوا قَلِيلًا مِّنَ اللَّيْلِ مَا يَهْجَعُونَ (۱۷)

و بِالْأَسْحَارِ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ (ذاریات: ۱۷ و ۱۸)

[اهل تقوا] شب‌ها کم می‌خوانند و در سحرها به استغفار و دعا برمی‌خیزند.

دردهای روحی خود را با استغفار و مناجات می‌توان شناخت و به درمان و اصلاح نفس همت گماشت.

**۱۳. محاسبه نفس و خود انتقادی**

آدمی با شناخت آسیب‌های درون خود، باید در فکر اصلاح و پاک‌سازی آن باشد؛ چنان‌که امام علی (ع) می‌فرماید: «

مَنْ لَمْ يَسْسِ نَفْسَهُ أَضَاعَهَا

»(۱)؛ «هر که نفس خود را سیاست و تأدیب نکند، آن را تباه کرده است.»

از این روی، آدمی پیوسته باید به اعمال و رفتار خود رسیدگی و آنها را محاسبه کند؛ چنانچه به اعمال نیک دست زده، خدای را

سپاس



ص: ۱۲۱

گوید و بکوشد که همچنان در این راه گام بردارد و اگر وظایف شرعی‌اش را ترک کرده و دچار لغزش و گناه شده است، استغفار کند و بداند اگر گناه کار به توبه روی آورد، خداوند از گناهانش درمی‌گذرد. امام علی (ع) می‌فرماید:

مَنْ تَعَاهَدَ نَفْسَهُ بِالْمَحَاسِبِ امِنْ فِيهَا الْمُدَاهَنَةَ. (۱)

هر که با خود پیمان بندد به حساب خویش رسیدگی کند از سهل‌انگاری ایمن می‌شود.

آن حضرت در کلام دیگری می‌فرماید:

عِبَادَ اللَّهِ زِنُوا أَنْفُسَكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ تُوزَنُوا وَ حَاسِبُوا مِنْ قَبْلِ أَنْ تُحَاسَبُوا. (۲)

ای بندگان خدا! پیش از آنکه اعمال شما را بسنجند و وزن کنند. شما خود آنها را بسنجید پیش از آنکه اعمالتان حساب رسی شود، از خود حساب بکشید.

حضرت امام موسی کاظم (ع) نیز می‌فرماید:

لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يُحَاسِبْ نَفْسَهُ فِي كُلِّ يَوْمٍ فَإِنْ عَمِلَ خَيْرًا اسْتَرَادَ اللَّهُ مِنْهُ وَ حَمِدَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ إِنْ عَمِلَ شَرًّا اسْتَغْفَرَ اللَّهُ وَ تَابَ إِلَيْهِ. (۳)

۱- فهرست غرر الحکم و درر الکلم، ص ۲۳۶.

۲- نهج البلاغه، خطبه ۴۰.

۳- اختصاص، ص ۲۶.

ص: ۱۲۲

از ما نیست کسی که هر روز به حساب خود رسیدگی نکند و ببیند اگر کار نیکی انجام داده است، از خداوند توفیق انجام بیشتر آن را بخواهد و خدا را بر آن سپاس گوید و اگر کار بدی انجام داده است از خدا آمرزش بخواهد و توبه کند. شایسته است که محاسبه و خود انتقادی، مقدمه‌ای برای ترک گناه باشد، چنان که مولای پرهیزگاران می‌فرماید:

مَنْ حَاسَبَ نَفْسَهُ وَقَفَّ عَلَىٰ عُيُوبِهِ وَ أَحَاطَ بِذُنُوبِهِ وَ اسْتَقَالَ الذُّنُوبَ وَ أَصْلَحَ الْعُيُوبَ. (۱)

هر کس به محاسبه نفس خود پردازد، از عیب‌ها و گناهان خویش آگاه می‌شود. چنین فردی سرانجام در زدودن گناه و اصلاح عیوب خود موفق خواهد شد.

#### ۱۴. دوری از هواپرستی

هواپرستی، سرچشمه گناهان است و آدمی را از جاده ایمان بیرون می‌برد. قرآن کریم می‌فرماید:

فَلَا يَصُدُّكَ عَنْهَا مَنْ لَا يُؤْمِنُ بِهَا وَ اتَّبَعَ هَوَاهُ فَتَرْدَى (طه: ۱۶)

تو را از ایمان به قیامت باز ندارد، آن که به آن ایمان ندارد و پیرو هوای خویش است.

---

۱- غرر الحکم و درر الحکم، ص ۲۱۵.

ص: ۱۲۳

وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنِ اتَّبَعَ هَوَاهُ بَغَيْرِ هُدًى مِنَ اللَّهِ (قصص: ۵۰)

چه کسی گمراه‌تر از آن کس که از هوای نفس خویش پیروی می‌کند و هدایت الهی نیافته است.

پیامبر گرامی اسلام (ص) هواپرستی را گونه‌ای از بت پرستی می‌شمارد و می‌فرماید:

مَا تَحْتَ ظِلِّ السَّمَاءِ مِنْهُ يُعْبَدُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَكْثَرُ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ هَوَى مُتَّبِعٍ (۱)

در زیر آسمان، نزد خدا هیچ بتی بزرگ‌تر از هوا و هوس که از آن پیروی کنند، وجود ندارد.

حضرت علی (ع) نیز در گفتار زیبایی هواپرستی را نکوهش می‌فرماید:

إِنَّ أَخَوْفَ مَا أَخَافُ عَلَيْكُمْ اثْنَانِ اتِّبَاعُ الْهَوَى وَ طُولُ الْأَمَلِ فَأَمَّا اتِّبَاعُ الْهَوَى فَيَصُدُّ عَنِ الْحَقِّ وَ أَمَّا طُولُ الْأَمَلِ فَيُنْسِي الْآخِرَةَ (۲)

خطرناک‌ترین پرت گاهی که بر سر راه سعادت شما قرار گرفته، هوا پرستی و آرزوهای دور و دراز است، چرا که پیروی از هوا شما

را از حق باز می‌دارد و آرزوهای دراز آخرت را به دست فراموشی می‌سپارد.

۱- المیزان، ج ۱، ص ۲۵۷.

۲- نهج البلاغه، خطبه ۲۸.

ص: ۱۲۴

پی آمدهای هواپرستی به اندازه‌ای شوم و دردناک است که می‌تواند دست‌آورد همه عمر انسان و حسنات و اعمال صالحش را به باد دهد.

امام صادق (ع) در سفارش نیکویی می‌فرماید:

لَا تَدْعِ النَّفْسَ وَهَوَاهَا فَإِنَّ هَوَاهَا فِي رَدَاهَا وَتَرْكُ النَّفْسِ وَمَا تَهْوَى دَاءُهَا وَكَفُّ النَّفْسِ عَمَّا تَهْوَى دَوَاهَا. (۱)

نفس را با هوا و هوس‌ها مکن؛ چرا که هوای نفس سبب مرگ نفس است و آزاد گذاردن نفس در برابر امیال، درد آن است و بازداشتن آن از هوا و هوس‌هایش دوی آن است.

انسان هر اندازه که پیرو خواسته‌های نفسانی باشد به همان اندازه، از نیروی عقل و اراده فاصله می‌گیرد. آدمی به دلیل افراط در هواپرستی، سست اراده و بی‌اختیار می‌شود و همه فضایل انسانی را از دست می‌دهد.

سرچشمه همه گناهان از دید اسلام، پیروی بی‌چون و چرا از هوای نفس است و پرهیزگار کسی است که از دام هوا و هوس برهد.

پیامبر اعظم، هوس‌گريزان را از شجاعان امت خویش می‌شمارد: «

اشْجَعُ النَّاسِ مَنْ غَلَبَ هَوَاهُ

«(۲)؛ «شجاع‌ترین مردم کسی است که برخواسته‌های نفسانی چیره شود».

۱- تفسیر نور الثقلین، ج ۵، ص ۵۰۷.

۲- نهج الفصاحه، ش ۲۹۹.

ص: ۱۲۵

**۱۵. شیطان گریزی**

خداوند به همه افراد بشر هشدار می‌دهد که مراقب فریب‌های شیطان باشند:

يَا بَنِي آدَمَ لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ كَمَا أَخْرَجَ أَبَوَيْكُم مِّنَ الْجَنَّةِ يَنْزِعُ عَنْهُمَا لِبَاسَهُمَا (اعراف: ۲۷)

ای فرزندان آدم! شیطان شما را نفریبید؛ چنان‌که پدر و مادر شما را از بهشت بیرون کرد و لباس آنان را از اندامشان درآورد.

آدمی باید از چنین دشمن خطرناکی، کناره‌گیری کند و به سفارش امام علی (ع) در خطبه قاصعه گوش فرا دهد:

ای بندگان خدا! از این دشمن خدا بر حذر باشید! مبادا شما را به بیماری خویش [کبر و غرور] مبتلا سازد و با ندای خود شما را به حرکت درآورد و به وسیله لشکریان سواره و پیاده‌اش شما را جلب کند به جان خودم سوگند! او تیری خطرناک برای شکار کردن شما به چله کمان گذاشته و آن را با قدرت و شدت تا سر حد توانایی کشیده و از نزدیک‌ترین مکان شما را هدف قرار داده است و هم او گفته [است]: پروردگارا! به سبب آنکه مرا بیرون کرده‌ای، زرق و برق زندگی را در چشم آنها جلوه می‌دهم و همه آنها را اغوا می‌کنم. (۱)

ص: ۱۲۶

شیطان، دشمنی است که از هر سو به انسان‌ها حمله می‌آورد؛ زیرا خودش می‌گوید:

ثُمَّ لَأَتِيَنَّهُمْ مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ وَعَنْ أَيْمَانِهِمْ وَعَنْ شَمَائِلِهِمْ (اعراف: ۱۷)

من از هر سو به سراغ فرزندان آدم می‌روم؛ از پیش رو، از پشت سر، از سمت راست و از سمت چپ.

اگرچه خداوند شیطان را در وسوسه‌گری آزاد گذاشته، انسان را در برابر او بی‌دفاع نگذاشته، بلکه او را نیز نیروی عقل و خرد بخشیده و فطرت پاکی را برای رفتن به سوی کمال عطا کرده است. همچنین فرشتگان را که الهام‌کنندگان نیکی‌هایند، به کمک

انسان‌هایی فرستاده است که می‌خواهند از وسوسه‌های شیطان برکنار بمانند:

إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ (فصلت: ۳۰)

آنها که می‌گویند پروردگار ما خداوند یکتاست و سپس استقامت به خرج می‌دهند، فرشتگان بر آنها نازل می‌شوند.

## ۱۶. خویشتن‌داری

نفس آدمی، ازدهایی خطرناک است که هرگاه فرصتی یابد، به ستم و تجاوز دست می‌زند: إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي؛

«بی‌شک نفس به بدی امر می‌کند، مگر آنکه خدا رحم کند.» (یوسف: ۵۳)

ص: ۱۲۷

خویشتن‌داری، گونه‌ای از مراقبت درونی است که افراد بر پایه آن، بدون نظارت یا ضبط و مهار بیرونی وظایف خویش را اجرا و از رفتارهای ناهنجار دوری می‌کنند. انسان در این گونه از نظارت، همواره با توجه به درستی اعمال و رفتار خود، پیش از اینکه دیگران عملکردش را ارزیابی کنند، خود به ارزیابی آنها می‌پردازد. خداوند بزرگ در این باره می‌فرماید:

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، تقوا پیشه کنید و مراقب خویش باشید که چه چیزی پیش می‌فرستید. تقوای الهی پیشه کنید و بدانید که خدا از همه کارهای شما آگاه است. (۱)

ضبط و مهار خود، همه گستره زندگی انسان خدامحور را در برمی‌گیرد. انسان خداجو، در همه حال (کار و تلاش، تفریح و استراحت و مطالعه)، رفتار خود را می‌پاید و همواره در چارچوب قانون‌های الهی به ادای تکالیفش می‌پردازد:

تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (نساء: ۱۳)

اینها احکام الهی است و هر کسی از خدا و پیامبر او پیروی کند، [خداوند] وی را به باغ‌هایی وارد می‌سازد که از زیر آنها، نهرها، روان است در آن جاودانند و این، همان کام‌یابی بزرگ

ص: ۱۲۸

است.

گذشتن از حدود الهی، به راستی بزرگ‌ترین ستم انسان بر خود اوست؛ چنان که خداوند می‌فرماید:

وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ (طلاق: ۱)

هر کس پا را از احکام الهی فراتر نهد، به یقین به خود ستم کرده است.

وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَتَعَدَّ حُدُودَهُ يُدْخِلْهُ نَارًا خَالِدًا فِيهَا وَلَهُ عَذَابٌ مُهِينٌ (نساء: ۱۴)

هر کس خدا و پیامبر را نافرمانی و از احکام الهی تجاوز کند، [خداوند] وی را در آتشی وارد می‌کند که همواره در آن خواهد بود و برای او عذابی خفت‌آور است.

البته ایمان و یقین به خدا، مؤمنان را به ضبط و مهار رفتارشان و دوری از هرگونه لغزش و گناه وامی‌دارد. آنان از سویی بر این باورند که خدا همواره بر اعمالشان ناظر و به آنها و ظاهر و باطنشان آگاه است:

أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ سِرَّهُمْ وَنَجْوَاهُمْ (توبه: ۷۸)

آیا نمی‌دانند خداوند از باطن آنها و سخنان پنهانی‌شان آگاه است.

از سوی دیگر، آنان از ارتکاب گناه و گذاشتن از حدود الهی همواره هراسناکند: فَلَا تَخَافُوهُمْ وَخَافُوا اللَّهَ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ؛ «پس از آنها



ص: ۱۲۹

نترسید و از من بترسید، اگر اهل ایمان هستید.» (آل عمران: ۱۷۵)

**۱۷. پیروی از امامان معصوم:**

هدایت کردن به راه خیر و صلاح، نخست شایسته ذات الهی است و پس از او، پیامبرانش بدین کار دست می‌گشایند. حضرت علی

(ع) درباره راهبری و هدایت رسول الله می‌فرماید:

وَ اقْتَدُوا بِهَدْيِ نَبِيِّكُمْ فَإِنَّهُ أَفْضَلُ الْهَدْيِ وَ اسْتَنْتُوا بِسُنَّتِهِ فَإِنَّهَا أَهْدَى السُّنَنِ. (۱)

به هدایت پیامبرتان اقتدا کنید که آن برترین هدایت است و پیرو سنت او باشید که در هدایت، از تمام سنن کامل‌تر است.

خداوند در آیه‌ای از قرآن، به پیامبر چنین می‌فرماید:

إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ (رعد: ۷)

ای پیامبر! تو هشداردهنده مردمی و هر قومی را هادی و راهنمایی است.

امام باقر (ع) نیز در تفسیر این آیه شریفه می‌فرماید:

رَسُولُ اللَّهِ (ص) الْمُنذِرُ وَ لِكُلِّ زَمَانٍ مِّنَّا هَادٍ يَهْدِيهِمْ إِلَى مَا جَاءَ بِهِ نَبِيُّ اللَّهِ. (۲)

۱- نهج البلاغه، خطبه ۱۱۰.

۲- اصول کافی، ج ۱، ص ۱۹۱.

ص: ۱۳۰

رسول گرامی، اندازکننده است و در هر زمان، از ما اهل بیت، راهنمایی است که مردم را هدایت می‌کند به آنچه رسول اکرم (ص) آورده است.

هر یک از امامان معصوم (علیهم السلام) نیز پس از رسول الله (ص)، در روزگار خود هادی مردم‌اند و راه صلاح و رستگاری را به آنان می‌نمایاند. حضرت علی (ع) در این باره می‌فرماید:

بِنَا اهْتَدَيْتُمْ فِي الظُّلُمَاءِ. (۱)

از تیرگی‌های جهالت، با هدایت ما، راه صلاح را شناختید و هدایت شدید.

مأموریت پیامبر و اوصیایش این بود که دین حق و صراط مستقیم را به مردم عرضه و آنان را به فلاح و سعادت راهنمایی کنند. خداوند راه خود را بهترین مسیر می‌شمارد و می‌فرماید:

وَ أَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ (انعام: ۱۵۳)

این صراط مستقیم من است، از آن پیروی کنید و پیرو راه‌های باطل نباشید که نتیجه‌اش پراکندگی و بازماندن از راه حق و حقیقت است.

پیروی از باطل، روح آدمی را به جولان‌گاه شیطان بدل می‌سازد و

ص: ۱۳۱

همه اندام و جوارحش را به لغزش و گناه می‌کشاند. امیرمؤمنان در این باره هشدار می‌دهد:

إِنَّ الشَّيْطَانَ يُسْنِي لَكُمْ طُرُقَهُ وَيُرِيدُ أَنْ يَحُلَّ دِينَكُمْ عُقْدَةَ عُقْدَةٍ وَيُعْطِيَكُمْ بِالْجَمَاعَةِ الْفُرْقَةَ وَالْفُرْقَةَ الْفِتْنَةُ. (۱)

شیطان، راه‌های خود را برای شما آسان می‌کند و خواهان آن است که پیوندهای دینی شما، گره گره از هم بگشاید، جماعت شما را به پراکندگی بدل سازد و با تفرقه‌افکنی، فتنه و فساد پدید آورد.

## ۱۸. عبادت

اگر عبادت به روش درست و همراه با شرایط آن انجام شود، در زدودن گناهان بسیار تأثیر می‌گذارد. خداوند در آیه‌ای از قرآن، نمازگزاردن را راهی برای دوری از فحشا و گناهان می‌خواند: إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ؛ «به‌درستی که نماز، [انسان را] از کار زشت و ناپسند بازمی‌دارد.» (عنکبوت: ۴۵)

پروردگار مهربان همچنین هدف روزه‌داری را به دست آوردن تقوا و پاک‌سازی می‌داند:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ

ص: ۱۳۲

فَتِلْكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ (بقره: ۱۸۳)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! روزه بر شما واجب و مقرر شد؛ چنان‌که بر آنان که پیش از شما بودند، مقرر شد، باشد که پرهیزکار شوید!

رسول اکرم (ص) در تمثیلی ارزشمند می‌فرماید:

إِنَّ مَثَلَ الصَّلَاةِ كَمَثَلِ النَّهْرِ الْجَارِي كُلَّمَا صَلَّى كَفَّرَتْ مَا بَيْنَهُمَا. (۱)

نماز، همانند آب جاری است؛ هر زمان که انسان نماز می‌خواند، آن نماز، گناهی را که در میان دو نماز انجام شده از میان می‌برد. سخن زیبای امام صادق (ع) نیز در این باره خواندنی است:

مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَعْلَمَ أَقْبَلَتْ صَلَاتُهُ أَمْ لَمْ تُقْبَلْ فَلْيَنْظُرْ هَلْ مَنَعَتْ صَلَاتُهُ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ؟ فَبَقَدِرِ مَا مَنَعَتْهُ قُبِلَتْ مِنْهُ. (۲)

کسی که دوست دارد بدانند نمازش مقبول در گاه الهی شده است یا نه، باید ببیند آیا این نماز او را از زشتی و منکر باز داشته یا نه، پس همان مقدار از نمازش که [وی را از گناه] باز داشته، پذیرفته است.

انسان باید عبادت‌های خود را با شرایط و با توجه و خضوع به جای آورد تا بتواند در جلوگیری از فحشا و منکر تأثیرگذار باشد.

۱- وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۷.

۲- مجمع البیان ذیل آیه ۴۵، سوره عنکبوت.

ص: ۱۳۳

**۱۹. مراقبت از قلب**

دست، پا، زبان، چشم، گوش و ...، به گناه و ناهنجاری آلوده می‌شوند، اما همه این اعضا به فرمان قلبند؛ چنان‌که پیامبر می‌فرماید:

إِذَا طَابَ قَلْبُ الْمَرْءِ طَابَ جَسَدُهُ وَإِذَا خَبِثَ الْقَلْبُ خَبِثَ الْجَسَدُ. (۱)

زمانی که قلب انسان پاک باشد، جسدش پاک می‌شود و هرگاه قلب او پلید باشد، جسدش نیز پلید است.

دل بر اثر غفلت و دوری از خدا، حقیر و خاکی می‌شود، چنان‌که امام صادق (ع) می‌فرماید: «

وَوَقَفَ الْقَلْبُ فِي الْغَفْلَةِ عَنِ اللَّهِ

«(۲)؛ «قلب بر اثر غفلت از یاد خدا، به وقف گرفتار می‌آید».

قلب غافل، از خدا بریده است و به معاد نمی‌اندیشد و خداوند آن را نکوهش می‌کند:

أُولَئِكَ الَّذِينَ طَبَعَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَسَمِعِهِمْ وَأَبْصَارِهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ (۱۰۸) لَا جَرَمَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ هُمُ الْخَاسِرُونَ (نحل:

۱۰۸ و ۱۰۹)

آنها کسانی هستند که [بر اثر فزونی گناه] خدا بر قلب و گوش و چشمانشان مهر نهاده است و غافلان حقیقی، همان‌ها هستند و به ناچار، آنها در آخرت زیان کارند.

۱- بحارالانوار، ج ۷۰، ص ۶۸.

۲- همان، ص ۵۵.

ص: ۱۳۴

قلبی که خدا را ناظر اعمال خویش نبیند و به اعمال و رفتار خود توجه نداشته باشد، به اعضا و جوارحش فرمان‌هایی می‌دهد که پذیرش آنها موجب بزهکاری و ناهنجاری می‌شود. رسول الله (ص) در این باره چنین سفارش فرمودند:

فِي الْإِنْسَانِ مُضَعَةٌ إِذَا هِيَ سَلِمَتْ وَصَحَّتْ سَلِمَ بِهَا سَائِرُ الْجَسَدِ فَإِذَا سَقَمَتْ سَقَمَ لَهَا سَائِرُ الْجَسَدِ وَفَسَدَ وَهِيَ الْقَلْبُ. (۱)

در بدن انسان، پاره‌ای گوشت است؛ زمانی که سالم و صحیح باشد، بقیه جسم نیز سالم است و اگر بیمار باشد، از بیماری‌اش بقیه جسد نیز بیمار می‌شود و آن، قلب است.

از این رو، مراقبت از قلب و زدودن غفلت از آن، بسیار مهم است و سفارش‌هایی برای نرم کردن قلب‌ها و حیات آنها نیز وجود دارد. بدترین بیماری، بیماری قلب است؛ چنان‌که امام زین العابدین (ع) می‌فرماید: «

أَمَاتَ قَلْبِي عَظِيمُ جِنَايَتِي

«(۲)؛ «بزرگی گناه هم، دل مرا میرانده است».

هنگامی که دل آدمی، جولان‌گاه هوا و هوس شد، انگیزه‌ای برای کار خیر ندارد. از این رو، نخست باید آن را زنده کرد و از سیاهی‌ها و اَره‌انید. قلب را نباید به درنده‌خویی، شکم‌پرستی، شهوت‌رانی، تجاوز از حقوق

۱- بحارالانوار، ج ۷۰، ص ۵۰.

۲- بحارالانوار، ج ۹۴، ص ۱۴۲.

ص: ۱۳۵

دیگران و حرام‌خوری و ... آلوده ساخت. امام علی (ع) می‌فرماید:

وَالْقَلْبُ يَقُومُ بِالْغِذَاءِ فَاَنْظُرْ فِيمَا تُغْذِي قَلْبَكَ وَجِسْمَكَ فَإِنْ لَمْ يَكُنْ ذَلِكَ حَلَالًا لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ تَعَالَى تَسْبِيحَكَ وَلَا شُكْرَكَ. (۱)

و قوام قلب، به غذایی است که انسان مصرف کند، پس نگاه کن که قلب و جسمت را به چه چیزی تغذیه می‌کنی و اگر آنچه به او می‌دهی، حلال نباشد، خداوند تسبیح و شکر تو را نخواهد پذیرفت.

پس، قلب را باید نرم و آماده پذیرش حق و ادای تکالیف کرد. حضرت امیر (ع) در توصیه‌ای زیبا می‌فرماید:

طُوبَى لِمَنْ لَدَى قَلْبٍ سَلِيمٍ أَطَاعَ مَنْ يَهْدِيهِ وَتَجَنَّبَ مَنْ يُزِدِيهِ وَأَصَابَ سَبِيلَ السَّلَامَةِ بَبَصَرٍ مَنْ بَصَرَهُ وَطَاعَهُ هَادٍ أَمْرَهُ وَبَادَرَ الْهُدَى قَبْلَ أَنْ تُغْلَقَ أَبْوَابُهُ وَتُقَطَّعَ أَسْبَابُهُ وَاشْتَفَّتْهُ التَّوْبَةُ وَآمَطَ الْحُوبَةَ فَقَدْ أُفِيمَ عَلَى الطَّرِيقِ وَهُدِيَ نَهْجَ السَّبِيلِ. (۲)

خوشا به حال آن که قلبی سلیم دارد از کسی که هدایتش می‌کند، فرمان‌بری و از آن که وی را به پستی می‌کشاند، دوری می‌جوید و با بینایی کسی که بینایش می‌سازد، به راه امن و درست می‌رسد، به طاعت آن کسی گردن می‌نهد که به هدایت دعوتش می‌کند و به سرای هدایت روی می‌آورد؛ پیش از آنکه

۱- بحارالانوار، ج ۷۷، ص ۲۷۵.

۲- نهج البلاغه، خطبه ۲۴.

ص: ۱۳۶

دره‌ایش بسته شود و اسبابش قطع گردد، در توبه را می‌گشاید و گناه را از بین می‌برد. اگر چنین کند، بر جاده حق قرار گرفته و به راه راست و گسترده حق، هدایت شده است.

برای حفظ نور قلب و سپیدی آن باید از گناه پرهیز کرد. امام باقر (ع) در این باره هشدار می‌دهد:

مَا مِنْ شَيْءٍ أَفْسَدَ لِلْقَلْبِ مِنْ خَطِيئَةٍ إِلَّا الْقَلْبَ لِيُؤَاقِعَ الْخَطِيئَةَ فَمَا تَزَالُ بِهِ حَتَّى تَغْلِبَ عَلَيْهِ فَيُصَيِّرَ أَعْلَاهُ أَسْفَلَهُ. (۱)

برای دل، چیزی تباہ‌کننده‌تر از گناه نیست؛ زیرا دل، مرتکب گناه می‌شود و بر اثر مداومت بر آن، گناه بر وی چیره می‌گردد و وارونه‌اش می‌کند.

آورده‌اند که جوانی نزد یکی از صالحان رفت و از وی خواست که نصیحتش کند. عارف پذیرفت. روزی جوان و عارف از جنگلی می‌گذشتند، عارف به جوان دستور داد که نهال نورسته‌ای را از زمین بکند. جوان آن نهال را به آسانی از ریشه درآورد. چند قدمی که رفتند، عارف به درخت بزرگی با شاخه‌های بسیار اشاره کرد و گفت: این درخت را نیز از جای برکن! جوان به رگم کوشش بسیار، نتوانست. عارف گفت: ای جوان! بدان که تخم هوا و هوس، شهوت، بغض، کینه، حسد، دشمنی، حرص، نفاق و همه بدی‌ها، همین که در دل اثر گذاشت، مانند آن نهال نورسته است که می‌توانی به آسانی آن را از

۱- اصول کافی، ج ۲، ص ۲۶۸.



ص: ۱۳۷

ریشه بکنی، اما اگر آن را واگذاری تا بزرگ شود، ریشه خود را آنچنان محکم و قوی می‌کند که از کندن آن ناتوان خواهی بود. چنان‌که این درخت بزرگ ریشه دوانیده و کندن آن سخت است. پس همیشه بکوش تا رذایل در وجودت ریشه ندهند. آنها را از درون خود برکن و گرنه، گرفتاری بسیاری به بار می‌آورد و ریشه کن کردن آن، محال یا مشکل خواهد شد. (۱)

## ۲۰. فکر نکردن درباره گناه

اندیشیدن درباره فرجام کارها، عامل بازدارنده‌ای از انحراف و گناه است. امام علی (ع) در این باره می‌فرماید: «

مَا زَلَّ مَنْ أَحْسَنَ الْفِكْرَ

«؛ کسی که نیکو بیندیشد، دستخوش لغزش نمی‌شود».

همچنین می‌فرماید: «

مَنْ كَثُرَ فِكْرُهُ فِي الْمَعَاصِي دَعَتْهُ إِلَيْهَا

«(۲)؛ کسی که بسیار درباره گناه فکر کند، به تدریج به سوی گناه کشیده می‌شود».

حضرت عیسی (ع) نیز به دلیل همین نداشتن تمرکز فکری درباره گناهان به حواریون خود چنین سفارش می‌فرماید: و من به شما امر می‌کنم فکر زنا نکنید تا چه رسد به اینکه زنا کنید! زیرا کسی که روح و فکرش را به زنا هدایت کند، مانند کسی است که در اتاق رنگینی آتش روشن کند، دود آن آتش

۱- کشکول ممتاز، تاج لنگرودی، صص ۱۷۱-۱۷۰.

۲- میزان الحکمه، ج ۷، ص ۵۳۸.

ص: ۱۳۸

نقشینه‌های رنگین اتاق را کثیف و دودآلود می‌سازد، گرچه خانه را نسوزاند. (۱)

کسی که می‌خواهد گناه نکند، به زمینه‌های گناه نیز نباید توجه کند و ذهن و روح خود را آلوده سازد؛ زیرا بر اثر اندیشیدن درباره گناه، آرام آرام ایستادگی‌اش را در برابر گناه، از کف خواهد داد.

### فرجام سخن

چیرگی بر خواهش‌های ناروای نفسانی و دوری از گناه، از منظر آموزه‌های دینی نه تنها نشانه اراده استوار و قدرت آدمی، بلکه مایه عزت و سرافرازی اوست. کسی که بر خواسته‌های نفسانی خود چیره و بر آنها حاکم می‌شود، عنان نفس سرکش خود را به عقل می‌سپارد و خواهش‌های وی را محدود می‌سازد، دارای عالی‌ترین سرمایه روحانی و شخصیت معنوی است. چنین کسی، گرد گناه و ناپاکی نمی‌گردد و به جرم و جنایت دست نمی‌آید. امیرالمؤمنین علی (ع) در این باره می‌فرماید:

مَنْ قَدَّمَ عَقْلَهُ عَلَى هَوَاهُ حَسَنَتْ مَسَاعِيهِ. (۲)

کسی که عقل خود را بر هوای نفسش مقدم بدارد، اعمال و کوشش‌های او همواره نیکو و پسندیده است.

۱- بحارالانوار، ج ۱۴، ص ۳۳۱.

۲- غررالحکم و دررالكلم، ص ۶۴۵.

ص: ۱۳۹

باری، کسی که در راه ارضای غرایز خود به ندای عقل توجه نکند و نفس سرکش خویش را در برآوردن خواسته‌های ناروایش آزاد بگذارد، همواره در راه لغزنده انحراف و سقوط گام می‌زند. او بنده شهوت و لذت‌های پست است و از آزادگی؛ یعنی نشانه شرف انسانی و مایه سعادت و خوشبختی بی‌بهره خواهد ماند. امام علی (ع) می‌فرماید:

مَنْ أَهْمَلَ نَفْسَهُ فِي لَذَاتِهَا شَقِيَ وَ بَعُدَ. (۱)

کسی که نفس خویش را در لذت‌هایش رها سازد، بدبخت و دور افتاده از فیض الهی خواهد بود.

این سخن زیبای امام صادق (ع)، راه‌های درست و غلط را باز می‌نماید:

اقْصِرْ نَفْسَكَ عَمَّا يَضُرُّهَا مِنْ قَبْلِ أَنْ تُفَارِقَكَ وَ اسْعَ فِي فَكَاكِهَا كَمَا تَسْعَى فِي طَلَبِ مَعِيشَتِكَ فَإِنَّ نَفْسَكَ رَهِيْنَةٌ بِعَمَلِكَ. (۲)

نفس خود را از خواسته‌های زیان‌بارش بازدار؛ پیش از آنکه مرگت فرارسد و جان از تنت جدا گردد و در راه آزادی نفس خویش بکوش، چنان‌که در طلب معاش خود تلاش می‌کنی که نفس تو در گرو اعمال تو خواهد بود.

آنان که در برابر خواسته‌های نفسانی صبر پیشه کردند، به مقامات عالی دست یافتند و از آنان به نیکی یاد شده است. امام صادق (ع) درباره

۱- همان، ص ۶۴۴.

۲- مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۳۱۰.

ص: ۱۴۰

اینان می‌فرماید:

إِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ تَقُومُ عُنُقُ مِنَ النَّاسِ فَيَأْتُونَ بَابَ الْجَنَّةِ فَيَضْرِبُونَهُ فَيَقَالُ لَهُمْ: مَنْ أَنْتُمْ؟ فَيَقُولُونَ: نَحْنُ أَهْلُ الصَّبْرِ فَيَقَالُ لَهُمْ: عَلَى مَا صَبَرْتُمْ فَيَقُولُونَ كُنَّا نَصْبِرُ عَلَى طَاعَةِ اللَّهِ وَنَصْبِرُ عَنِ مَعْصِيَةِ اللَّهِ فَيَقُولُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ: صَدَقُوا أَدْخِلُوهُمْ الْجَنَّةَ وَهُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ: إِنَّمَا يُوفَى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ (زمر: ۱۰). (۱)

زمانی که قیامت شود، جمعی از مردم برمی‌خیزند و به سوی در بهشت می‌روند و در می‌زنند. گفته می‌شود: کیستید؟ می‌گویند: اهل صبر. گفته می‌شود: بر چه صبر کردید؟ می‌گویند: بر طاعت خدا و گناهان. خداوند می‌فرماید: راست گفتند: آنان را به بهشت درآورید. [خداوند در قرآن فرموده است]: «همانا صابران، پاداش خود را بدون حساب دریافت می‌کنند».

۱- بحارالانوار، ج ۶۷، ص ۱۰۱.



ص: ۱۴۲

## منابع

\* قرآن کریم.

\* نهج البلاغه.

۱. احلی من العسل، غلامعلی حسینی، تهران، گلفام، ۱۳۶۸.

الاختصاص، محمد بن محمد بن نعمان العکبری البغدادی (شیخ مفید)، تهران، مکتبه الصدوق، ۱۳۷۹ ه. ق.

اصول کافی، ابوجعفر محمد بن یعقوب کلینی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۸ ه. ق.

بحارالانوار، محمد باقر مجلسی، مکتبه الاسلامیه، ۱۳۹۷ ه. ق.

تفسیر عیاشی، محمد بن مسعود عیاشی سمرقندی، تحقیق: سید هاشم رسولی محلاتی، تهران، مکتبه العلمیه الاسلامیه، ۱۳۸۰ ه. ق.

۲. تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی و همکاران، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۲.

۳. تفسیر نورالثقلین، عبد علی بن جمعه حویزی، قم، انتشارات اسماعیلیان، ۱۳۷۳.

۴. جامع احادیث الشیعه، آیت الله بروجردی، قم، مدینه العلم، ۱۳۶۵.

۵. جامع الاخبار، محمد بن محمد شعیری، تحقیق: حسن مصطفوی، تهران،

۶.

ص: ۱۴۳

مرکز نشر کتاب، ۱۳۸۲.

۷. سفینه البحار و مدینه الحکم و الآثار، شیخ عباس قمی، قم، مؤسسه انتشارات فراهانی، ۱۳۷۳.
۸. علل الشرایع، ابوجعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه (شیخ صدوق)، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۶۶.
۹. غرر الحکم و درر الکلم، عبدالواحد بن محمد آمدی، ترجمه: هاشم رسولی محلاتی، قم، دارالکتاب الاسلامی، ۱۳۸۱.
۱۰. فهرست موضوعی غرر الحکم، سید جلال الدین محدث، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۶.
۱۱. الکامل فی التاریخ، عزالدین بن اثیر جزری، بیروت، دار صادر، بی تا.
۱۲. کشکول ممتاز، محمد مهدی تاج لنگرودی، تهران، چاپخانه ناصر خسرو، ۱۳۶۷.
- کنز العمال فی احادیث الاقوال و الافعال، علاء الدین متقی بن حسام الدین هندی، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۰۹ ه. ق.
- گناه‌شناسی، محسن قرائتی، تنظیم و نگارش محمد محمدی اشتهاری، قم، انتشارات پیام آزادی، ۱۳۷۱.
۱۳. مجمع البیان، فضل بن حسن طبرسی، تهران، انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۶۵.
۱۴. محجة البیضاء، ملا محسن فیض کاشانی، قم، انتشارات اسلامی، ۱۳۶۱.
۱۵. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، حسین نوری طبرسی، بیروت، مؤسسه آل البیت، ۱۴۰۸ ه. ق.

ص: ۱۴۴

۱۶. مشکاة الانوار، محمدباقر مجلسی، تهران، میقات، ۱۳۷۱.
۱۷. معانی الاخبار، ابوجعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه (شیخ صدوق)، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۳۶۱.
۱۸. مناقب آل ابی طالب، ابوجعفر محمد بن علی بن شهر آشوب، بیروت، دار الاضواء، ۱۴۰۵ ه. ق.
۱۹. میزان الحکمه، محمد محمدی ری شهری، قم، انتشارات دفتر تبلیغات، ۱۳۶۲.
۲۰. المیزان فی تفسیر القرآن، السید محمدحسین الطباطبائی، قم، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۸۳.
۲۱. نهج الفصاحه، محمد بن عبدالله حکم، ترجمه: ابوالقاسم پایند، تهران، جاویدان، بی تا.
۲۲. وسایل الشیعه، محمد بن حسن حر عاملی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۶.



## درباره مرکز

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیفزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی

دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند

مسجد جمکران و ...





مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

